



خبرنامه، سال شانزدهم، شماره ۵۸ ■ بهار ۱۳۹۵

سخن اول

ملاحظات اجمالی در مورد تعلیم و تربیت و مقام معلم

اخبار و گزارش‌ها

دیدار نوروزی انصاف و کارمندان با رئیس فرهنگستان علوم

دیدار دبیر کل آکادمی علوم پاکستان از فرهنگستان علوم

امضای تفاهم‌نامه همکاری میان فرهنگستان علوم ایران و آکادمی علوم بلغارستان

دیدار و گفتگوی رئیس فرهنگستان علوم ایران با مسئولان و استادان دانشگاه سنت اخردسکی صوفیا

همایش فلسفه و جهان عاری از فلسفه

همایش دوازدهم علل و راهکارهای مقابله با بحران کمی و کیفی منابع آب کشور

نگرندگان علوم پایه کشور، منتخب فرهنگستان علوم تحلیل شدند

پانزدهمین سمینار افق‌های آینده مهندسی برق و کامپیوتر

انتشار گزارش عملکرد گروه علوم کشاورزی در سال ۱۳۹۴

پانزدهمین جلسه کمیسیون پیشبرد ریاضیات کشور

سخنرانی دکتر محقق داماد در فرهنگستان به مناسبت شهادت امیرالمؤمنین (ع)

گفتگوها

وین جهد می‌کند که بگیرد غریق را (گفتگو با دکتر حسن تاج‌بخش)

فرهنگستان‌ها نهادی کاربردی یا تشریفاتی؟ (گفتگو با دکتر مهدی گلشنی)

اعضا

دغدغه‌های علمی و فرهنگی من (دکتر مهدی گلشنی)

تحقیقات کمی و کیفی؛ مناقشای پیرهنده (دکتر عزت‌الله نادری)

آیا نظریه‌های ذهن در جستجوی کشف شیوه معناداری ذهن هستند؟ (دکتر عزت‌الله نادری)

دامپزشکی از دیدگاه طب سنتی (دکتر حسن تاج‌بخش)

معرفی

آکادمی علوم آمریکا

کتاب

خلاصه اخبار به زبان انگلیسی



علاقه‌مندان برای دریافت نسخه الکترونیکی (PDF) خبرنامه، رایانامه (Email) خود را به نشانی‌های: info@ias.ac.ir یا khabarnameh@ias.ac.ir ارسال و یا به شماره ۰۲۱۸۸۶۴۵۵۹۲ پیامک نمایند.

فرهنگستان علوم
جمهوری اسلامی ایران

The Academy of Sciences
Islamic Republic of Iran



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



The Academy of Sciences
Islamic Republic of Iran

خبرنامه، سال شانزدهم، شماره ۵۸ ■ بهار ۱۳۹۵

صاحب امتیاز: فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران

مدیر مسئول: دکتر رضا داوری اردکانی
سرمدیر: دکتر محمدرضا شمس اردکانی
مدیر داخلی: مهندس سیدعلی پزشکی
مدیر هنری: مجید میرابزاده

نشانی: تهران، بزرگراه شهید حقانی، خروجی فرهنگستان‌های
جمهوری اسلامی ایران و کتابخانه ملی، فرهنگستان علوم، دفتر ریاست
کدپستی: ۱۵۳۷۶۳۳۱۱۱ - صندوق پستی: ۵۳۱۸-۱۹۳۹۵
تلفن: ۸۸۶۴۵۵۹۲ - دورنگار: ۸۸۶۴۵۵۹۸
تارنما: www.ias.ac.ir - رایانامه: info@ias.ac.ir
شماره سامانه پیامک فرهنگستان: ۰۲۱۸۸۶۴۵۵۹۲
«مسئولیت مطالب به عهده گویندگان و نویسندگان است»



فهرست

سخن اول

۶

■ ملاحظات اجمالی درباره تعلیم و تربیت و مقام معلم

(دکتر رضا داوری اردکانی)

اخبار و گزارش‌ها

۱۵

■ دیدار نوروزی اعضا و کارمندان با رئیس فرهنگستان علوم

■ جلسات شورای علمی

■ دیدار سفیر بلغارستان با رئیس فرهنگستان علوم

■ دیدار دبیر کل آکادمی علوم پاکستان از فرهنگستان علوم

■ امضای تفاهم‌نامه همکاری میان فرهنگستان علوم ایران و آکادمی علوم بلغارستان

■ دیدار و گفتگوی رئیس فرهنگستان علوم ایران با مسئولان و استادان دانشگاه

■ سنت اخردسکی صوفیا

■ بازدید رئیس فرهنگستان علوم از نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران

■ همایش فلسفه و جهان‌عاری از فلسفه

■ همایش دوروزه علل و راهکارهای مقابله با بحران کمی و کیفی منابع آب کشور

■ اولین جلسه کارگروه توسعه پایدار در مرکز مطالعات فرهنگستان علوم

■ تجلیل از برگزیدگان علوم پایه کشور، منتخب فرهنگستان علوم

■ بزرگداشت استاد دکتر مهدی گلشنی در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

■ جلسه شورای همگانی گروه علوم مهندسی

■ رونمایی از فیلم مستند زندگی استاد دکتر یوسف ثبوتی

■ پانزدهمین سمینار افق‌های آینده مهندسی برق و کامپیوتر

■ انتشار شصت و نهمین شماره فصلنامه آموزش مهندسی ایران

■ انتشار گزارش عملکرد گروه علوم کشاورزی در سال ۱۳۹۴

■ همایش بین‌المللی نقش ذخایر ژنتیکی گیاهی در احیای زمین‌ها و محیط‌زیست

■ همایش چالش‌های تولید محصول‌های گلخانه‌ای

■ جلسه شورای همگانی گروه علوم دامپزشکی

■ پانزدهمین جلسه کمیسیون پیشبرد ریاضیات کشور

■ سخنرانی آیت‌الله دکتر محقق داماد در فرهنگستان به مناسبت شهادت حضرت

■ امام علی (ع)

■ درگذشت استاد دکتر عباس شفیعی

■ درگذشت استاد دکتر مجید کوباهی

■ اخبار کوتاه

۴۳

گفتگوها

■ وین جهد می‌کند که بگیرد غریق را (گفتگو با دکتر حسن تاج‌بخش)

■ فرهنگستان‌ها نهادی کاربردی یا تشریفاتی؟! (گفتگو با دکتر مهدی گلشنی)

۴۷

اعضا

■ دغدغه‌های علمی و فرهنگی من (دکتر مهدی گلشنی)

■ تحقیقات کمی و کیفی: مناقشه‌ای بیهوده (دکتر عزت‌الله نادری)

■ آیا نظریه‌های ذهن در جستجوی کشف شیوه معناداری ذهن هستند؟

(دکتر رضا نیلی‌پور)

■ دامپزشکی از دیدگاه طب سنتی (دکتر حسن تاج‌بخش)

■ مهندسان باید الگوی اخلاق و ارزش‌های انسانی باشند (دکتر مهدی بهادری‌نژاد)

۵۹

معرفی

■ آکادمی علوم ایالات متحده آمریکا

۶۴

کتاب

■ پرسش از هستی یا هستی پرسش

■ مدیریت کاهش ریسک سوانح طبیعی

■ فیزیک خاک

■ اطلس ملی علم جمهوری اسلامی ایران

3-14

■ خلاصه اخبار به زبان انگلیسی





ملاحظات اجمالی درباره تعلیم و تربیت و مقام معلم

رضا داوری اردکانی

۱- معلمی گرچه شغل است و همیشه شغل بوده است با شغل‌های دیگر تفاوت دارد. اگر شغل کاری باشد که در مدت معین برای گرفتن مزد معین انجام می‌شود بعضی کارها چیزی جز شغل نیستند و بعضی دیگر بیش از یک شغلند. یکی از آنها معلمی است که غایتش نمی‌تواند صرفاً مزدگیری باشد چنانکه در قدیم معلمان کمتر مزد می‌گرفتند. حتی افلاطون و ارسطو سوفسطاییان را ملامت می‌کردند که چرا در ازاء تعلیم، مزد می‌گیرند و مقام علم را تا حد کالای قابل خرید و فروش پایین می‌آورند و مگر در آیین ما علم‌فروشی مذموم نیست ولی به هر حال اکنون معلمی شغل است و قاعدتاً باید از شغل‌هایی باشد که شاغلانش از آن رضایت دارند و بعضی از معلم‌ها به شغل خود مباهات می‌کنند (اگر امروز معلم از کار و شغلش ناراضی است باید خللی در نظم زمان روی داده باشد و چیزها از جای خود جدا شده باشند). به هر حال شغل معلمی از قدیم شغلی شریف و از اشرف مشاغل بوده است و مگر خدای سبحان در کتاب مبین، تعلیم را به خود نسبت نداده است؟ او آغاز علم است و با تعلیم اسماء، زبان و استعداد و امکان فراگرفتن علم و رسیدن به مراتب آن را در ما به امانت نهاده است. یعنی اگر تعلیم الهی نبود هیچ تعلیمی ممکن نمی‌شد. چنانکه موجودات زمینی و آسمانی که از این نعمت و موهبت بهره‌مند نشده‌اند، علم هم ندارند.

آدمی تنها موجودی است که استعداد و توانایی آموختن پیدا کرده است و

این یادداشت متن سخنرانی در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه علامه طباطبائی به مناسبت روز معلم است که برای ادای احترام به مقام معلم ایراد شده و در آن اشاراتی به وضع تعلیم و تربیت و مشکلات آن شده است. ما چنانکه باید به آموزش و پرورش فکر نمی‌کنیم. گویی از مشکلات آن خبر نداریم. مطالبی هم که معمولاً درباره آموزش و پرورش گفته می‌شود حرف‌های مشهور و معمولی است و گرهی از مشکل ما نمی‌گشاید.

ما به یک تحول اساسی در نظام اداری و آموزشی نیاز داریم. البته به درستی نمی‌دانیم این تحول چه می‌تواند باشد. اندیشیدن به آن هم آسان نیست. تا وقتی به آن نیندیشیده‌ایم ایجاد تغییرات جزئی و تدابیر موقتی گرچه گاهی ضرورت پیدا می‌کند اثر عمیق و پایدار ندارد. من استاد تعلیم و تربیت نیستم که از مسائل و احکام و قواعد این علم چیزی بگویم و به این جهت سفارش و پیشنهادی هم ندارم. اشاره‌ام در این نوشته به مشکل‌های اساسی تعلیم و تربیت در جهان و در کشور خودمان است. این مشکل وقتی روشن می‌شود که با سادگی و صفا از خود بیرسیم مدرسه را برای چه می‌خواهیم و در آنجا چه می‌آموزیم و حاصل این آموختن چیست و فرزندانمان چه مقدار از آن آموزش‌ها را فرا می‌گیرند و نگاه می‌دارند و بالاخره آیا مدرسه صرفاً مقدمه و شرط ورود بعضی از بیرون‌آمدگانش به دانشگاه است یا سرو کار و پیوندی هم با زندگی دارد.



همواره در عالم انسانی همه به درجات معلم بوده‌اند و چیزی می‌آموزته‌اند و می‌آموزند. البته همه شغل معلمی ندارند. نه فقط پدران و مادران بدون قصد و نیت و توقع اجر و مزد به فرزندان خود گفتار و رفتار و آداب می‌آموزند بلکه انبیاء و اولیاء و شاعران و متفکران و حکیمان نیز آموزگار همه آدمیان یا بسیاری از آنانند و بی‌مزد و منت آنان را تعلیم کرده‌اند و می‌کنند. اینها شغل معلمی نداشته‌اند. تعلیم رسمی و شغل معلمی از زمانی پدید آمده است که کسانی مظهر و صاحب حکمت و علم و ادب شده و آنها را در کتاب‌ها گرد آورده‌اند. با این تحول آموزش نیز باید به صورت نیاز در آمده باشد. مع‌هذا شغل معلمی در قدیم با شغلی که ما امروز داریم تفاوت داشته است. کنفوسیوس و افلاطون و ارسطو مدرسه داشتند اما آنها مدرسه بنیاد نکردند که سودی عایدشان شود. آنها حرف‌ها و درس‌هایی برای گفتن و آموختن داشتند و شاگردان شایسته را برمی‌گزیدند تا به آنها حکمت و فلسفه و دانش و تدبیر بیاموزند. در کشور ما هم تا چندی پیش کسانی مدرسه و مکتب‌خانه داشتند و در ازاء درسی که می‌دادند مزدی اندک می‌گرفتند. البته معلمان مراتب داشتند و آنها که در مرتبه بالای تعلیم بودند مزد نمی‌گرفتند اما در دوره جدید و در زمان‌های اخیر کار علم و معلمی تقریباً یکسره به شغل مبدل شده و معلمان مثل همه مردم بیشتر برای تأمین معاش کار می‌کنند (درباره وضع تعلیم و تربیت و کار معلمی و زندگی معلمان گفتنی‌هایی هست که اکنون اینجا مجال گفتنش نیست). در نظام زندگی کنونی که آموزش همگانی شده و چرخ زندگی مردم بر مدار علم می‌گردد، معلمی نمی‌تواند شغل نباشد. در چنین وضعی پیداست که مردمان هم معلمی را شغلی در عداد شغل‌های دیگر به شمار آورند. اکنون نه فقط معلمی بلکه پژوهش علمی هم شغل رسمی شده است. مع‌هذا دانش و دانش‌آموزی نسبتی با جان ما آدمیان دارد که در شغل صرف منحل نمی‌شود و اگر چنین شود علم و تعلیم به خطر می‌افتد. کاش می‌توانستیم به این نکته بیشتر فکر کنیم و به حفظ حرمت تعلیم و معلم بیشتر بیندیشیم. برای توضیح مطلب شاید یادآوری یک نکته تاریخی مفید باشد. یونانیان کار را خوار و عین مشقت و در شأن بردگان می‌دانستند. در مدینه‌های یونانی و مخصوصاً در آتن کار متعلق به خانه بود. بردگان در خانه کار می‌کردند و اهل مدینه‌های یونان از دسترنج آنان می‌خوردند اما آنها که آزاد بودند، کار نمی‌کردند و صرفاً وظایف مدنی خود را انجام می‌دادند و در کار اداره مدینه و در دفاع از وطن سهیم بودند. این لفظ اکونومیا که امروز معنی اقتصاد دارد در اصل به معنی تدبیر منزل است.

با سادگی و صفا از خود پیرسیم مدرسه را برای چه می‌خواهیم و در آنجا چه می‌آموزیم و حاصل این آموختن چیست و فرزندانمان چه مقدار از آن آموزش‌ها را فرا می‌گیرند و نگاه می‌دارند و بالاخره آیا مدرسه صرفاً مقدمه و شرط ورود بعضی از بیرون‌آمدگانش به دانشگاه است یا سر و کار و پیوندی هم با زندگی دارد

در تقسیم‌بندی علم متقدمان تدبیر منزل که از جمله علم‌های عملی بود به دستور عمل و کار و زندگی در خانه اطلاق می‌شد. اکنون شغل و کار و زحمت که در مدینه یونانی به خانه تعلق داشت به جامعه آمده است و کار، دیگر کار در خانه نیست بلکه همه معمولاً در بیرون از خانه برای زندگی کار می‌کنند. اصلاً در دوران جدید ماهیت کار تغییر کرده و کار در زمره عناصر سیاست قرار گرفته است. به هر حال اگر در نزد یونانیان کار خوار بود، جهان جدید به کار اهمیت داد تا آنجا که کسانی آن را شرط و حافظ آدمیت انسان دانستند. کسانی مثل مارکس هم با تصدیق نسبت میان کار و ذات آدمی دیدند و دریافتند که در سرمایه‌داری مشقت بردگان به کار آزاد و آزادی‌بخش مبدل نشد و کار به مقام حافظ ذات آدمی نرسید و کارگران را از خود بیگانه کرد و اکنون معلوم شده است که این از خود بیگانگی اختصاص به کارگران ندارد بلکه در کاراداری و حتی علمی هم وارد شده است. مع‌هذا هنوز میان کارها می‌توان تفاوت قائل شد. کارهایی هست که صرف شغل است و کارهایی که هم شغل است و هم نسبتی با فضیلت دارد. اگر کار معلمی که در اصل فضیلت بوده است به شغل محض و وسیله‌ای برای نان خوردن تبدیل شده است و به عبارت دیگر شرایط کنونی آن را تا حد شغل محض پایین آورده است، هنوز مردمان در عمق جان خود علم و تعلیم را گرمای و بزرگی می‌دارند. وقتی حکیم چینی کنفوسیوس مدرسه داشت و تعلیم می‌کرد، می‌گفت من به کسانی درس می‌دهم که از ایشان چیزی بیاموزم. یعنی من با تعلیم، خود و دیگران را تربیت می‌کنم. در زمان ما نه مدرسه‌ای مثل مدارس لائوتسه و افلاطون و ارسطو و حوزه‌های قرون اولیه اسلامی وجود دارد (این سخن به معنی انکار فضیلت‌های استثنایی که هنوز در بعضی حوزه‌ها و مدرسه‌ها برای علم قائلند نیست) و نه باید در سودای آن باشیم. زمانه ما زمانه کاری است که





هرچند با مشقت بردگان یکی نیست، صفت کم و بیش بیگانه کننده و بیگانه شده دارد. در شرایط کنونی مردم باید کار کنند. آموزش هم کار و شغل است یعنی مردم ناگزیرند که برای گرداندن چرخ زندگی مهارت‌هایی را بیاموزند تا از عهده وظایف عضویت در جامعه جدید برآیند. درس مدرسه امروز هم درس زندگی و شغل و معاش است. این درس حقیقتاً با درس جان تفاوت دارد. امثال من که به فلسفه مشغولیم خوبست قدری از هوا و فضایی که فکر می‌کنیم در آن معلم کار خدایی می‌کند و حکمت می‌آموزد بیرون آیم و زمان خود را دریابیم. مدرسه و دانشگاه این زمان برای تدریس و تعلیم حکمت به وجود نیامده است. مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها دیگر سرو سرور جامعه هم نیستند و اگر باشند صرفاً از آن روست که علم عین قدرت و نظم بخشی است و با آن نظم و بی‌نظمی جهان و جامعه تنظیم می‌شود و به صورت علم در می‌آید. در زمان‌های پیش از تجدد نظام‌های زندگی از ثبات نسبی برخوردار بود و چرخ زندگی بر مدار سنن و قواعد موروثی می‌گشت. آدمیان هم خود را مأمور صورت دادن و نظم بخشیدن به جامعه و زندگی نمی‌دانستند بلکه بر وفق نظم زندگی می‌کردند. در جامعه جدید در عین پیروی از نظم، نظم را باید بازسازی و حفظ کرد. این بازسازی و حفظ نظم تا حدودی که ممکن است با علم و پژوهش صورت می‌گیرد. در ابتدای تاریخ تجدد که طرح ساختن جهان می‌بایست اجرا شود فلسفه و علوم ریاضی و فیزیک بسط پیدا کردند و زمانی که بازسازی و مخصوصاً حفظ و نگاهداری نظم جامعه جدید پیش آمد علوم انسانی و اجتماعی پدید آمدند. اکنون دیگر مدرسه کارش صرف آموختن دانش نظری نیست و به گروه‌ها و طبقات اجتماعی خاص هم تعلق ندارد. مدرسه و دانشگاه کار و وظیفه خاص خود را در نسبت با دیگر شئون جامعه انجام می‌دهند. مدرسه جزئی از جامعه جدید نیست بلکه شأنی از آن و آئینه و مظهر آنست. چنانکه در مدرسه و دانشگاه همه شئون زندگی صورت علمی و انتزاعی پیدا می‌کنند و البته این صورت انتزاعی از آن حیث که نسبت و مناسبتی با علم و معرفت همه زمان‌ها و تاریخ‌ها دارد هنوز از حرمت و شرفی که علم در قدیم داشته است بی‌بهره نیست. پس حرمت مدرسه و دانشگاه و تعلیم از دو حیث است و این دو حیث در واقع از هم جدا نیستند. یکی اینکه مدرسه و دانشگاه محل علم است و علم از شرف ذاتی برخوردار بوده و هنوز هم کم و بیش این شرف را حفظ کرده است. وجه دوم این است که لازمه تاریخ داشتن آدمی، زبان داشتن و آموزش پذیر بودن اوست. آدمی چون زبان و استعداد علم و طلب حقیقت دارد می‌تواند فرهنگ و تاریخ داشته باشد ولی این

معنی نباید ما را از اینکه علم در نظام جامعه جدید شأن و صورتی دیگر پیدا کرده و در همه جا و همه کار دخیل شده است غافل سازد. علمی که همه‌کاره است پدید آمدن سازمان‌های بزرگ آموزش را اقتضا می‌کند و در این سازمان‌ها نه فقط صاحبان مشاغل تربیت می‌شوند بلکه تعلیم علم هم به شغل بزرگ مبدل می‌شود و مگر ما دانشگاهیان هر کدام علمی را که در آن کم و بیش تخصص داریم، تعلیم نمی‌کنیم و اعتبار علم به این نیست که سودمند است و زمان به آن نیاز دارد. اینکه استادان و دانشجویان در دانشگاه مشغول آموزش و پژوهشند و با وجود این گاهی دانشگاه‌ها بخصوص در جهان توسعه نیافته با زندگی مردم و جامعه نسبتی ندارند نباید ما را از این معنی غافل سازد که شأن و صفت اصلی علم جدید و دانشگاه کارسازی در جامعه است. به این جهت دانشگاه حتی اگر به علم نظری بپردازد غایتی جز کارسازی در زندگی و جامعه ندارد. عرب‌ها که یونیورسیتی را جامعه ترجمه کردند حق داشتند زیرا این مرکز علمی در نسبت با جهان و جامعه و زندگی به علم وحدت می‌بخشد و این وحدت می‌تواند مثال وحدت در جامعه باشد. به این معنی دانشگاه مثال جامعه جدید است و در عین حال به آن سامان می‌دهد و بعضی نیازهایش را برطرف می‌کند. به این نکته هم توجه کنیم که دروازه یونیورسیتی چیزی از دانش و علم پیدا نیست. می‌دانم که در مدرسه لوکاتون ارسطو یا در آکادمی افلاطون علم را غایت می‌دانستند اما اکنون علم و جامعه به هم پیوسته و با هم ملازمت پیدا کرده‌اند ولی اگر هنوز در نظر ما معلمان، قبول این معنی که علم در عداد امور دیگر قرار دارد چندان خوشایند نیست و معلمی را شغلی در ردیف شغل‌های دیگر نمی‌دانیم حرمت معلمی را در دل حفظ کنیم اما خود را برتر از دیگران نینگاریم و بدانیم که این حرمت از جهت شرفی است که برای علم به یادگار مانده است و همین است که نمی‌گذارد علم را صرفاً وسیله بدانیم.

۲- در زمان جدید ماهیت علم تغییر کرده است. علم جدید علم تکنولوژیک است و آن را با ملاک و میزان اخلاق و فضیلت نمی‌توان و نباید سنجید. در علم و مدرسه جدید هم البته مراتب هست اما این مراتب بر حسب کارکرد و کاربرد تعیین می‌شود. در یک مدرسه ممکن است صرفاً مهارت‌های شغلی بیاموزند و در مدرسه دیگر درس حکمت و شعر و معرفت تدریس شود. معلم‌ها هم به اعتبار اینکه چه درسی و چگونه تعلیم می‌کنند مراتب دارند. من ۵۰ سال پیش مقاله‌ای ترجمه کردم که نمی‌دانم کجا چاپ شد. مقاله را یکی از صاحب‌نظران لهستانی نوشته بود. در آن مقاله نویسنده بیشتر به سلسله مراتب ارزش‌ها در زمان کنونی نظر

وقتی در دانشگاه‌ها حتی برای درس‌های دوره دکتری سرفصل معین می‌کنند و همه استادان موظف می‌شوند که مطالب مقرر را بیاموزند (و به وظیفه عمل کنند)، بحث و تحقیق و برانگیختن ذوق علم چه جایی می‌تواند داشته باشد. ظاهراً متوجه نیستیم که پیش گرفتن این شیوه از کدام مبانی و اصول و از چه تلقی نسبت به علم برمی‌آید و با آن چه بر سر علم و تعلیم می‌آید. اگر استاد دوره دکتری در تعلیم هر درس باید مطالب محدود و معین بیاموزد و سرفصل درس‌هایش معین است، چگونه شاگردانش به مرتبه اجتهاد برسند. البته دانشگاه باید برنامه داشته باشد اما تعیین سرفصل و محدود کردن درس و بحث چیز دیگری است

معلومات چندان بیاموزند اما، شوق دانستن و طلب در وجود دانشجو ایجاد می‌کنند و او را مستعد آموختن می‌کنند تا خود به دنبال علم برود. معلمان مؤثرتر این گروه‌ها هر چند که آموزگاران توانا در تدریس مطالب درسی، چون اثر کارشان آشکار است در ظاهر قدر بیشتری دارند اما اثر حقیقی و پایدار از آن معلمانی است که دوست داشتن علم را می‌آموزند و شعله طلب در جان جوانان می‌افروزند. اگر این معلمان نباشند کار معلمان گروه اول کم‌اثر می‌شود و این نگرانی می‌تواند به وجود آید که مبدا شوق و طلب علم در جامعه‌شان نباشد و ندانند که علم را در کجا باید به کار ببرند.

پیداست که بهترین معلمان آنهایی هستند که هر دو صفت را دارند یعنی هم معلم برانگیزنده شوق و طلبند و هم خوب تدریس می‌کنند (با ذکر این نکته به یاد استاد شهید مطهری افتادم که به مناسبت روز معلم هم باید ذکر خیری از آن بزرگوار بکنم. آقای مطهری هر دو صفت را داشتند. به تمام معنا معلم بودند. ایشان توانایی آن را داشتند که مطالب مشکل را با روشن‌ترین بیان ممکن به شاگردان خود بیاموزند و البته با تعلق خاطری که خود به علم و تفکر داشتند می‌توانستند اسوه‌ای برای شاگردان خود باشند). به هر حال بلندی مرتبه تعلیم به کمال و استکمالی که از آن برمی‌آید بازمی‌گردد. معلم‌ها همواره درس‌های معین را می‌آموخته‌اند. اکنون هم مدرسه برنامه معین و درس‌های معلوم دارد. تفاوتی که درس این زمان با زمان‌های پیشین دارد این است که اکنون درس‌ها را باید با نیازها و امکان‌های جامعه و با سیر پیشرفت آن متناسب و هماهنگ کرد و این کاری دشوار است که در این اواخر در همه جا و از جمله در کشور ما دشوارتر شده است.

۳- در اروپا از همان آغاز رنسانس مسئله تعلیم و تربیت برای دنیای جدید یعنی دنیایی که ساختنش شروع شده بود، در عداد مسائل عمده قرار داشت. برنامه مدارس هم بر اساس اصول و با توجه به مقتضیات پیشرفت تاریخی تدوین می‌شد و هر وقت لازم می‌دانستند در آن تجدید

داشت و معتقد بود که بالاترین ارزش‌های اجتماعی، ارزش اداری است و چنانکه اشاره کردم به این معنی پرداخته بود که معلمی در زمان ما به شغل مبدل شده و در سلسله مراتب شغل‌ها مرتبه‌ای پایین‌تر از مشاغل اداری دارد. مع‌هذا متذکر بود که معلمی فقط شغل نیست و هر چند در جامعه جدید مقام سابق را ندارد اما هنوز و شاید همیشه باید دائرمدار نظم و صلاح (و گاهی نیز فساد) زندگی باشد.

در آن مقاله معلمان به طور کلی به دو گروه تقسیم شده بودند. یکی معلمانی که معلومات و اطلاعات لازم را می‌آموزند و نتیجه آموزش آنها را می‌توان اندازه گرفت و دیگر معلمانی که ذوق علم و حقیقت را در وجود متعلمان برمی‌انگیزند. تعداد این معلمان اندک است و مجال هم برای آنها باز و آزاد نیست. البته وقتی در دانشگاه‌ها حتی برای درس‌های دوره دکتری سرفصل معین می‌کنند و همه استادان موظف می‌شوند که مطالب مقرر را بیاموزند (و به وظیفه عمل کنند)، بحث و تحقیق و برانگیختن ذوق علم چه جایی می‌تواند داشته باشد. ظاهراً متوجه نیستیم که پیش گرفتن این شیوه از کدام مبانی و اصول و از چه تلقی نسبت به علم برمی‌آید و با آن چه بر سر علم و تعلیم می‌آید. اگر استاد دوره دکتری در تعلیم هر درس باید مطالب محدود و معین بیاموزد و سرفصل درس‌هایش معین است، چگونه شاگردانش به مرتبه اجتهاد برسند. البته دانشگاه باید برنامه داشته باشد اما تعیین سرفصل و محدود کردن درس و بحث چیز دیگری است. این وضع هر چه باشد کمک می‌کند که معلمی تا حد مشاغل و شغل‌های صرفاً تأمین‌کننده نان بخور و نمیر تنزل یابد. معلم اگر نمی‌تواند درس بدهد جای تأسف دارد اما اگر دانایی و توانایی معلمی دارد و در کار تعلیم امساک کند به علم ظلم کرده است. در آیین ما نیز ضنّت در علم مذموم است اما عیب بزرگتر تعیین سرفصل، این است که اگر نگوییم هیچ‌کس در هیچ‌جا آن را رعایت نمی‌کند به ندرت رعایت می‌شود و این خود در کار آموزش دشواری اخلاقی پدید می‌آورد و به اعتبار مدیریت و مقررات آسیب می‌رساند. گروه دیگر معلمانی هستند که شاید





نظر می‌کردند. نمی‌دانیم وقتی ما مدرسه جدید بنا کردیم تا چه اندازه در تدوین برنامه‌اش تأمل و تحقیق کردیم و گرفتار چه ملاحظات بودیم. امیرکبیر در طراحی برنامه‌های دروس دارالفنون اندیشناک بود که مبادا درس‌هایی در برنامه بیاید که با مخالفت مواجه شود و همین رعایت ملاحظات تا حدودی مانع پیشرفت کار شد و بالاخره بر سر دارالفنون همان آمد که امیر نگرانش بود. بعدها برنامه‌های درسی دبیرستان و دانشگاه را بیشتر از برنامه‌های مدارس فرانسه و آمریکا اقتباس کردند و اگر تصرفی در برنامه‌ها شد تصرف کمی بود. در طی یکی دو قرن اخیر در اروپا و آمریکا درس‌ها را مدام تغییر می‌دادند ولی ما همه درس‌ها را در هر پایه حفظ می‌کردیم و هنوز هم در مدارس راهنمایی و دبیرستان‌های ما همه درس‌هایی که از اوایل قرن بیستم در مدارس کشورهای مرجع بوده، در برنامه هست گوئی این اصل مسلم را در نظر داریم که هر چه بیشتر بیاموزیم و بدانیم بهتر است، پس چرا همه چیز را نیاموزیم؟ هر چه بیشتر دانستن خوب است به شرط آنکه از اصل اعتدال و نگهداشتن اندازه خارج نشویم. ما کمتر فکر کرده‌ایم که چه بیاموزیم و چه مقدار و کی و کجا بیاموزیم زیرا تلقیمان از درس و مدرسه تلقی قدیم بود یعنی در مدرسه متعلق به جهان جدید و جایی که برای پرورش سازندگان نظم تجدید به وجود آمده بود، از اصول سابق پیروی می‌کردیم. در یکی دو دهه اخیر کوشش بزرگی شد که نظام آموزشی را از بنیاد تغییر دهند اما کوشش‌ها به ثمر نرسید زیرا برنامه آموزش و پرورش از برنامه توسعه جدا نیست و باید در متن برنامه توسعه جایی داشته باشد. اما وقتی برنامه توسعه وجود ندارد برنامه مدارس هم همان می‌ماند که بود و اگر تغییری در آن داده شود بیشتر به مقتضای ملاحظات و بر حسب سلیقه‌های غالباً سیاسی است. در اقتباس علم جدید ما میزان و ملاکی نداشتیم. در زمانی که فراگرفتن علم جدید را آغاز کردیم در اروپا علوم انسانی تازه پدید آمده بود و در باب نظم جدید و ناسازگاری‌ها و تعارض‌های ناشی از تحول و پیشرفت مطالعه می‌کرد. در آن زمان ما رغبت و نیازی به آن علوم نداشتیم و آنها به کارمان هم نمی‌آمدند زیرا در جامعه ما تحولی به وجود نیامده بود. پس طبیعی بود که علم محدود به مطالب کتاب‌های درسی باشد. ما تألیف کتاب در علم جدید را با نوشتن کتاب‌های درسی آغاز کردیم. اولین کتاب‌های جدید ریاضی و فیزیک و شیمی و تاریخ طبیعی و اقتصاد و حقوق کتاب درسی است. این کتاب‌ها غالباً و معمولاً ترجمه کتاب‌های درسی اروپایی یا اقتباسی از آن کتاب‌ها بود. توقعی جز این هم نمی‌توان و نباید داشت زیرا ما که در آن علوم آغازکننده و پژوهشگر نبودیم پس ناگزیر می‌بایست به

کتاب‌های درسیشان رجوع کنیم و درس بیاموزیم و هنوز همچنان به این درس‌آموزی ادامه می‌دهیم با این تفاوت که آن روز فکری کردیم چیزی را که نداریم و لازم است داشته باشیم از اروپا می‌گیریم و امروز احیاناً می‌پنداریم که کارها را به اقتضای پیشرفت علم و نیازهای کشور سامان می‌دهیم. البته رعایت اقتضای پیشرفت و توجه به امکان‌ها و نیازهای کشور لازم است اما تا وقتی به ظاهر علم و تکنولوژی در جهان و به ظاهرترین نیازها نظر داریم رعایت مقتضیات نمی‌تواند صورت گیرد. ظاهر پیشرفت علم و تکنولوژی را همه گروه‌های مردم روز به روز حس می‌کنند زیرا توسعه علم و تکنولوژی در مرحله‌ای وارد شده است که اثرش بلافاصله به همه جهان می‌رسد و این توسعه نیازها را هم معین می‌کند.

۴- نیاز ما چیست و چه امکان‌هایی برای عمل و اختیار داریم؟ نیاز مردم جهان را معمولاً آخرین دستاوردهای تکنیک معین می‌کند و نزدیک‌ترین و پدیده‌ترین امکان‌ها هم مصرف آنهاست. به این جهت اندیشیدن به برنامه آموزش و تربیت معلم و شغل معلمی و آینده علم صرفنظر از اینکه دشواری‌ها دارد کم‌کم از اهمیت می‌افتد. ما هزاران پزشک و مهندس و شیمیدان و فیزیکدان و ... در کشور و در خارج از کشور داریم اما نمی‌دانیم چند دانشمند صاحب‌نظر در تعلیم و تربیت داریم. در این صورت طبیعی است که اگر باید به مسائل آموزش و پرورش هم بیندیشیم ناگزیر کسانی از میان همان هزاران دانشمند باید به آن بپردازند. اینکه پزشکان و مهندسان و ریاضیدانان به کار آموزش و پرورش اعتنا و اهتمام کنند یک غنیمت است (و مگر نه اینکه طرح انقلاب آموزش در فرانسه را فیزیکدان فرانسوی پل لانژون هدایت می‌کرد) ولی وقتی در میان اینها دانشمندان علوم انسانی و صاحب‌نظران تعلیم و تربیت نباشند باید پرسید که اینها چرا حضور ندارند؟ اگر در کشور مسائل اجتماعی و فرهنگی و آموزشی داریم اما دانشمند و پژوهشگر علوم انسانی و تعلیم و تربیت نداریم، بی‌فکری و قصور کرده‌ایم و اگر داریم و دخالت نمی‌کنند یا رغبت و مجال مداخله ندارند از آنها پرسیم که چرا به مهمترین مسائل کشور بی‌اعتنا هستند؟ وقتی چنین است قهراً مسائل آموزش و پرورش هم پوشیده‌تر می‌شود. آنچه اکنون اینجا و آنجا و حتی در محافل اهل فضل و دانش به نام مسائل آموزش و پرورش مطرح می‌شود دردها و ابتلاهای سازمان آموزش و پرورش است و نه مسائل آموزش و پرورش. مثلاً می‌گویند: حقوق معلم کم است و تربیت معلم سر و سامانی ندارد. بعضی همکاران من نیز در فرهنگستان به درستی گفته‌اند که باید نگرش عمومی نسبت به آموزش و پرورش تغییر کند و ... اینها مسائل آموزش و پرورش نیست و اگر مسئله

باشد مسئله جامعه و سیاست و توسعه است. مسئله آموزش و پرورش با افزایش حقوق معلمان که البته امر لازمی است و باید در اولویت کار دولت باشد، حل نمی‌شود. سرو سامان نداشتن تربیت معلم هم از آن روست که تکلیف تعلیم و تربیت معلوم نیست و تا این تکلیف معلوم نشود چگونه می‌توان تربیت معلم را اصلاح کرد؟ اما مسئله مهم نگرش عمومی نسبت به آموزش و پرورش جای بحث بیشتر دارد. برای اینکه این توجه کارساز باشد باید بدانیم که نگرش موجود چیست و ما چگونه به آموزش و پرورش نگاه می‌کنیم و چه تلقی‌ای از آن داریم؟ من پاسخ درستی ندارم که به این پرسش بدهم و نمی‌دانم آیا در کشور ما هیچ پژوهشی در این باب شده است یا نه. اگر کسی بگوید که در آموزش و پرورش جدید، ما از اروپا و آمریکا پیروی کرده‌ایم و کارها را بر مبنایی خاص بنا نکرده‌ایم حرفی ندارم که به او بزنم هر چند که کوشش‌های بنیانگذاران و استادانم را نادیده نمی‌گیرم. در نظر ظاهر این آموزش و پرورش باید حاصل جمع و انباشت یکصد و پنجاه سال تقلید با چاشنی بعضی بصیرت‌های کوچک باشد. سازمان آموزش و پرورش ما خود حجیم و سنگین و فربه شده است نه اینکه آن را با نظارت بزرگ کرده باشند. حتی بر رشد کمی‌اش هم کمتر نظارتی اعمال شده است. مع‌هذا اگر کسانی هستند که نگرشی در آموزش و پرورش سراغ دارند خوبست که آن را به شرح بگویند تا اولاً به وضع موجود خودآگاهی یابیم و ثانیاً بتوانیم عیب‌های آن را بشناسیم و نشان دهیم و نفی کنیم ولی نفی هر نگرش موقوف به پدید آمدن نگرش تازه است. اگر می‌خواهیم نگرشی را تغییر دهیم چه نگرشی را می‌خواهیم به جای نگرش موجود بگذاریم. اگر پاسخ این پرسش را نمی‌دانیم از تغییر نگرش حرف نزیم تا مبدا حرفی از سنخ مشهورات و شعارهای غیرعملی گفته باشیم. نگرش با درک مسائل حاصل می‌شود. طرح کلی‌ترین مسائل آموزش و پرورش هم چندان دشوار نیست. به شرط اینکه ساده باشیم و ساده حرف بزنیم و نترسیم که بگویند طرح این پرسش‌ها در شأن دانشمندان نیست. اولین پرسش‌های ساده آموزش و پرورش اینهاست:

مدرسه چیست و چرا هست؟ در مدرسه چه چیزها و به چه کسان و برای چه مقصودی می‌آموزند؟ معلمان کیستند و از کجا آمده‌اند؟ آیا مدارس به نتیجه‌ای که می‌خواهند می‌رسند و آدم‌هایی را که باید پرورش دهند بار می‌آورند؟ مشکل اینست که پاسخ‌دادن به این پرسش‌های ساده آسان نیست بخصوص که چون پرسش‌ها ساده است همه گمان می‌کنند که پاسخش را می‌دانند و حرف‌های معمولی خود را راه حل مسائل می‌انگارند. کسی که می‌خواهد به این پرسش‌ها پاسخ بدهد اگر به وصف

نیاز مردم جهان را معمولاً آخرین دستاوردهای تکنیک معین می‌کند و نزدیک‌ترین و پربدانه‌ترین امکان‌ها هم مصرف آنهاست. به این جهت اندیشیدن به برنامه آموزش و تربیت معلم و شغل معلمی و آینده علم صرفنظر از اینکه دشواری‌ها دارد کم‌کم از اهمیت می‌افتد. ما هزاران پزشک و مهندس و شیمیدان و فیزیکدان و ... در کشور و در خارج از کشور داریم اما نمی‌دانیم چند دانشمند صاحب‌نظر در تعلیم و تربیت داریم

مدرسه موجود اکتفا کند به پرسش پاسخ نداده است. این وصف در صورتی به کار می‌آید که صورتی از مدرسه مطلوب را در نظر داشته باشیم یا درست بگویم وقتی می‌خواهیم با تأمل به پرسش مدرسه چیست و چرا هست پاسخ دهیم چه بخواهیم و چه نخواهیم مدرسه مطلوب باید در نظرمان باشد. وصف مدرسه مطلوب هم با نظر به پاسخ‌هایی که به پرسش‌های چه می‌آموزیم و به چه می‌آموزیم و کیستیم که می‌آموزیم میسر می‌شود ولی پرسشی که کمتر مطرح می‌شود اینست که چه و چه اندازه باید آموخت؟ درس‌هایی هست که بر وفق ارزش‌های زمانه مهم است و آنها درس‌های مقدماتی هستند. مسلماً این درس‌های مهم را باید آموخت اما کودکان و نوجوانان و جوانان ظرف‌های آماده‌ای نیستند که این درس‌های آماده را در آنها بریزیم بلکه آنها با آموزش و در حین آموزش ساخته می‌شوند و درس هم با آنها درس می‌شود. آدمی موجود جامع است و در پرورش و تعلیم او نیز باید جامعیتش منظور باشد. اگر به این مسائل فکر نکنیم و بخواهیم صرفاً از طریق تأمین بودجه و اصلاح موضعی اموری مثل تربیت معلم و افزودن و کاستن این یا آن درس و ... (که همه اینها در حد خود لازم و مهم است) مسائل آموزش و پرورش را حل کنیم راه به جایی نمی‌بریم زیرا اینها مسائل نیستند بلکه دردهایی هستند که همه از آنها خبر دارند و علاجه‌شان هم بسیار دشوار است زیرا اینها فرع و نتیجه‌اند و نه علت و مقدمه. معلول و نتیجه را با درک شرایط آن چگونه می‌توان تغییر داد؟ این سخن توجیه وضع موجود نیست. بی‌تردید شأن معلم باید حفظ شود و مقامش محفوظ و محترم باشد و اگر خدشه‌ای به

ما علم اروپا را جدا از متن تاریخش فراگرفتیم یعنی در تاریخ تجددمآبی ما علم و تکنولوژی و آینده با هم پیوندی نداشتند.

در چنین وضعی پیداست که تعلیم هم با تأمل و تفکر و آینده‌بینی سر و کار پیدا نمی‌کند و حتی فلسفه تفننی بیهوده انگاشته می‌شود. فلسفه تفنن نیست بلکه گزارش و حکایت تجربه‌های وجودی آدمی است. فلسفه درک آدمی از وجود و امکان‌های آن و آگاهی از شرایط علم و عمل و زبان و زندگی در جهان و زمان است و از آغاز نیز چنین بوده است

آن وارد شده است باید با جستجوی راه‌های عملی و با پرهیز از اوهام و آرزوها در تدارک آن کوشید. همه درس‌ها را هم باید آموخت اما این کارها را بدون چشم‌انداز روشن نمی‌توان انجام داد.

۵- دانش‌آموزان وقتی به علم می‌رسند که راه آن را با کوشش ذهنی و طلب و پرسش پیموده باشند. ساختن و داشتن مدرسه مطلوب کاری نیست که به آسانی صورت گیرد، مع‌هذا اگر بخواهند آن را بسازند ناگزیر باید ساختن آن را با مصالح موجود آغاز کنند و این آغاز کردن موقوف به شناختن نظم اجتماعی موجود و روابط و مناسبات غالب و تلقی مردمان از زندگی و امکان‌ها و توانایی‌های جامعه و رسیدن به توانایی ترک تقلید و دل‌بریدن از گفتارها و کردارهای مشهور و رایج است. من به عنوان یک دانشگاهی وقتی به وضع آموزش و پرورش نظر می‌کنم درست نمی‌دانم که به جای طرح مسائل آموزش و پرورش عیب‌های مشهور سازمان آن به متصدیان امر گفته و نمک بر زخم آنان پاشیده شود. آنها می‌دانند حقوق معلم کم است و تربیت معلم مشکل دارد و مدام بر مشکلاتش افزوده می‌شود. ما بعد از دارالفنون و مدرسه سیاسی بزرگترین مؤسسه آموزش عالی که تأسیس کردیم مدرسه تربیت معلم (دارالمعلمین عالی) که چندی بعد نامش دانشسرای عالی شد بود. اکنون تربیت معلم حتی رونق سابق هم ندارد. در علم تعلیم و تربیت هم در طی صد سال اخیر چندان پیشرفتی نمی‌بینیم و متأسفانه در دهه‌های اخیر که نیاز به مدرسه و معلم بیشتر شد حساب تربیت معلم از دست رفت. دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی هم که توسعه یافتند رشته‌های تحصیلی را با رعایت نیاز تأسیس

نکردند و توسعه ندادند بلکه این توسعه در غالب موارد از روی محاسبه و بر طبق برنامه نبود و اگر فایده‌ای داشت این بود که عده‌ای از جوانان به جای اینکه کوچه‌ها و خیابان‌ها را گز کنند به دانشگاه رفتند و ناگزیر چندین کتاب هم خواندند و گاهی نیز در درس استاد حاضر شدند.

نبودن مؤسسات آموزشی و پژوهشی تربیت معلم و کمبود استادان تعلیم و تربیت و بی‌اعتنایی به مباحث و مسائل فرهنگی و اجتماعی و تربیتی نه علت نامساعد بودن وضع آموزش و پرورش بلکه از جمله نشانه‌های وجود معضل در آن است. در این شرایط برای آموزش و پرورش نسخه نمی‌توان نوشت آن هم نسخه‌هایی که از ده‌ها سال پیش می‌نوشته‌اند و دارویش نایاب بوده و اگر گاهی دارو فراهم شده، درمان درد نبوده است. من شصت و پنج سال پیش وقتی برای استخدام به وزارت آموزش و پرورش در خیابان اکباتان رفتم، جمعی از معلمان آنجا بودند و درخواست افزایش حقوق داشتند. در آن زمان حقوق و قدر معلمان کمتر از زمان کنونی نبود یعنی شصت و پنج سال درخواست هیچ اثری نداشته است. البته خیلی بد است که معاش معلم مختل باشد ولی حل مسائل آموزش و پرورش منوط به افزایش حقوق معلمان نیست. مشکل بزرگتری هم هست و آن اینکه افق آینده روشن نیست و نمی‌دانیم علم و تکنولوژی به کجا می‌رود. در ابتدای تأسیس مدرسه جدید هدف و غایت از تدریس و تعلیم در مدرسه را پرورش کارمند می‌دانستند اما وقتی داشتن گواهینامه‌های مدرسه دیگر «مزایای قانونی» نداشت آن هدف و غایت هم منتفی شد و مدرسه و مدرسه رفتن جزئی از عادات و رسوم ما شد که اگر تغییر هم در آن به وجود آمد خود به خودی بود. یکی دو بار هم که کوشیدیم برنامه‌ها را اصلاح کنیم چنانکه انتظار داشتیم نتیجه نگرفتیم.

اکنون هم معلوم نیست که چگونه باید آموزش و پرورش را سامان داد. بخصوص که این مشکل، مشکل خاص ما نیست بلکه همه جهان گرفتار آنند و ما که از آغاز با آن مشکل داشته‌ایم پیداست که اکنون مشکلمان بزرگتر است. در آموزش و پرورش ما صرفنظر از نداشتن برنامه مناسب آموزش و نبود معلم آشنا با روش تعلیم و نیز گرفتاری‌های معیشتی معلمان، درس‌ها و مطالب کتاب‌ها شوق و ذوقی در نوجوانان و جوانان برنمی‌انگیزد و کتاب درسی مصیبتی شده است که گویانمی‌خواهیم به آن بیندیشیم و شاید حق هم داریم زیرا نه می‌توان از آن رهایی یافت و نه اصلاحش آسان است. البته دست روی دست نباید گذاشت و کار را از جایی باید شروع کرد. بخصوص که در نظر مردمان هم تدوین برنامه و تألیف کتاب درسی چندان مشکل نمی‌نماید.

آنها به صرافت طبع می‌گویند مسلماً زبان و تاریخ و مقدمات علوم را باید آموخت. از ابتدا هم مشکل بزرگ نبوده بلکه به تدریج برای اینکه درس و مدرسه و کتاب را بهتر کنند به اتخاذ تصمیم رسیده‌ایم و به تدریج وقت و اندازه را کم کرده‌ایم. به این جهت معلم دیگر کمتری می‌تواند ذوق طلب در دانش‌آموز برانگیزد و دانش‌آموز فرصت بیشتر برای آموختن آنچه را که دوست می‌دارد، نمی‌یابد. یکی از معایبی که در این مسیر پدید آمده است توهّم مهم‌تر بودن بعضی درس‌ها و بی‌اهمیت بودن دروس دیگر است. با پیش آمدن این رقابت ناگزیر بنا بر این شده است که محصلان وقتی از مدرسه بیرون می‌آیند همه چیزدان باشند. پس همه چیز باید در برنامه و در کتاب‌های درسی بیاید. چه فایده دارد که این همه درس در برنامه مدرسه بگنجانند و وقت و مال بیهوده صرف کنند و اکثریت محصلان چیزی یاد نگیرند یا بسیار کم یاد بگیرند.

چرا فرزندان ما که بعد از دوازده سیزده سال از مدرسه بیرون می‌آیند نوشتن درست چند سطر به زبان خود را یاد نگرفته‌اند. در مدارس ما محصلان پنج یا شش سال هر هفته چند ساعت زبان خارجی می‌خوانند. چرا نتیجه این آموزش به اندازه نتیجه زبان‌آموزی حاصل از یک ماه بازی با کامپیوتر نیست؟ برنامه کنونی شاید برای محصلان بسیار باهوش قابل تحمل باشد ولی مخصوصاً به آنها هم باید امکان داد که خود در یادگیری فعال باشند و حق انتخاب داشته باشند. این مسائل را یکی یکی نمی‌توان حل کرد. وضع تعلیم و تربیت و پژوهش و مقام معلم و مهاجرت دانشمندان مسائل به هم پیوسته‌اند و با اتخاذ تدبیرهای موقعی و موضعی رفع و حل نمی‌شوند الا اینکه سهل انگاشتن مسائل و غفلت از دشواری‌ها و پیچیدگی‌ها پناهی برای نیفتادن در دام نومیدی و بدبینی است. ولی به نظر نمی‌رسد که پناه بردن به غفلت بهتر از نومیدی باشد. اگر نومید کوشش نمی‌کند غافل هم هر چه بکند در اکنون می‌ماند و آن را تکرار می‌کند. نومیدی و غفلت مخصوصاً از این حیث به هم شبیهند که هیچ کدام به آینده تعلق ندارند.

۶- در اینجا و با طرح این قبیل مسائل به قلمرو فلسفه وارد می‌شویم. وقتی اهل فلسفه به این مسائل فکری می‌کنند شاید از خود بپرسند که برای حل این مشکل از فلسفه چه کاری برمی‌آید؟ وقتی گاه‌ها فلسفه صرفاً به یک علم آموختنی مبدل شده باشد در بهترین صورت می‌توان مطالب آن را با نظم و ترتیب و بیان دقیق و روشن آموخت. تحویل فلسفه به علم آموختنی صرف که پیوندش با زمان و مسائل آن قطع شده است به معنی پایان یافتن تعلق خاطر به دانایی است. هگل درست دریافته بود که

دانش‌آموزان وقتی به علم می‌رسند که راه آن را با کوشش ذهنی و طلب و پرسش پیموده باشند. ساختن و داشتن مدرسه مطلوب کاری نیست که به آسانی صورت گیرد، مع‌هذا اگر بخواهند آن را بسازند ناگزیر باید ساختن آن را با مصالح موجود آغاز کنند و این آغاز کردن موقوف به شناختن نظم اجتماعی موجود و روابط و مناسبات غالب و تلقی مردمان از زندگی و امکان‌ها و توانایی‌های جامعه و رسیدن به توانایی ترک تقلید و دل‌بریدن از گفتارها و کردارهای مشهور و رایج است. من به عنوان یک دانشگاهی وقتی به وضع آموزش و پرورش نظر می‌کنم درست نمی‌دانم که به جای طرح مسائل آموزش و پرورش عیب‌های مشهور سازمان آن به متصدیان امر گفته و نمک بر زخم آنان پاشیده شود

فلسفه به سوفیا تبدیل شده است (کی یرکارد می‌گفت از معلمان فلسفه خوشم نمی‌آید زیرا آنان تفکر را به درس و کالای مصرفی در کلاس تبدیل می‌کنند). فیلسوف آلمانی لابد از لوازم و توابع این تبدیل نیز آگاه بود. فلسفه که به دانش صرف تبدیل شود دیگر آینده ندارد و کار جهان و تاریخی که با فلسفه تناظر و تناسب دارد، مرحله پایانش را می‌گذراند. فلسفه در این وضع به آموزش و پرورش و به هیچ امر دیگر مدد نمی‌رساند. اگر فلسفه در اروپا و آمریکا بیشتر به تاریخ فلسفه و گذشته فلسفی نظر دارد و گاهی نیز به گذشت از این تاریخ می‌اندیشد در جهان در حال توسعه هنوز فلسفه می‌تواند در مردم این جهان تذکره به وجود آورد و از این طریق مددکار آنان در طرح و تدوین برنامه‌های بسط و توسعه مناسب اجتماعی و فرهنگی و ... باشد. علم و تکنولوژی در هر جای جهان برای اینکه در جای خود قرار گیرد و منشأ اثر شود باید در سایه تفکر وحدت‌بین قرار گیرد. کار فلسفه درک امکان‌ها و ضرورت‌ها و شناخت نسبت‌ها و پیوندهاست و با این درک و شناخت است که راه طراحی آینده و تدوین برنامه برای توسعه را روشن می‌سازد.

تجربه من در دهه‌های اخیر حاکی از آن است که ما به مهمترین

هر معلمی در مرتبه کمال معلمیش، زندگی را در تعلیم می بیند و می یابد ولی در زمانی که تقسیم کار اجتماعی و همکاری گروه ها و طبقات مردم و سازمان های گوناگون اصل است معلمی هم ناگزیر شغل می شود. البته شغلی که هنوز در زمره گرامی ترین شغل هاست و در هر جامعه ای که رو به آینده داشته باشد قدر معلم رفیع است. حتی اگر بر اثر تبدلات زمانه و غلبه کوتاه بینی، این قدر گاهی پوشیده شده باشد، همیشه مجهول نمی ماند زیرا معلمی در ذات خود عزیز و شریف است

ضرورت ها، داعیه ها و وهم ها و اشتباه ها و ابهام ها کمتر می شود و فلسفه از این طریق غیرمستقیم می تواند نوری به فرهنگ و سیاست و مدیریت بتابد و به درک و شاید حل مسائل این حوزه کمک کند و بخصوص در امر قانون گذاری و وضع مقررات راه گشا باشد. اگر می بینیم که هر گروه و طایفه ای با اطمینان خاطر به دولت و حکومت سفارش می کنند که چه ها بکنند و چه ها نکنند و البته در این سفارش ها چیزی جز بعضی حرف های انتزاعی کلی و مشهور نیست از آنست که فکر نمی کنند که چه می توان کرد و چه نمی توان کرد و گاهی حتی تفاوت میان دشوار و آسان را هم در نظر ندارند.

اگر کسانی می پندارند که اجزاء و اعضاء اجتماعات انسانی می توانند بی جان یا با جان افسرده و بدون اندیشه راهنما کارایی داشته باشند، پندار بیهوده دارند. دانش و معلومات فلسفه را برای این باید فراگرفت که یادآور تفکر باشد. به این اعتبار فلسفه مثل هر علم دیگر فراگرفتنی است اما اگر این آموختن با طلب تفکر قرین و توأم نباشد ناقص است. به عبارت دیگر اگر طلب نباشد تفکر هم نیست و وقتی تفکر نباشد تفاهم و همبستگی میان مردمان هم متفتی می شود. متفکران مخصوصاً از آن جهت که روح همبستگی و ذوق طلب در آنان به وجود می آورد آموزگاران مردمند اما آموزگاری شغلشان نیست بلکه زندگی شان است. هر معلمی در مرتبه کمال معلمیش، زندگی را در تعلیم می بیند و می یابد ولی در زمانی که تقسیم کار اجتماعی و همکاری گروه ها و طبقات مردم و سازمان های گوناگون اصل است معلمی هم ناگزیر شغل می شود. البته شغلی که هنوز در زمره گرامی ترین شغل هاست و در هر جامعه ای که رو به آینده داشته باشد قدر معلم رفیع است.

حتی اگر بر اثر تبدلات زمانه و غلبه کوتاه بینی، این قدر گاهی پوشیده شده باشد، همیشه مجهول نمی ماند زیرا معلمی در ذات خود عزیز و شریف است.

پرسش های زمانمان که به آموزش و پرورش و علم و پژوهش و مدیریت و به طور کلی به توسعه اجتماعی - اقتصادی راجع است، اعتنایی نداریم. دانشمندان و اهل نظر هم در پی هم سخن شدن با یکدیگر نیستند تا آنجا که می توان گفت وحدت و تناسب در مدارس قرون گذشته بیشتر از مدارس کنونی بود زیرا در دوره جدید علوم جدا جدا از طریق ترجمه آمدند و جدا هم ماندند. چنانکه حتی اهل فلسفه و علمای علم تربیت هم کمتر همراهی و همکاری داشته و اگر همراهی هایی اتفاقی بوده ادامه نیافته است. ما علم اروپا را جدا از متن تاریخی فراگرفتیم یعنی در تاریخ تجددمآبی ما علم و تکنولوژی و آینده با هم پیوندی نداشتند.

در چنین وضعی پیداست که تعلیم هم با تأمل و تفکر و آینده بینی سرو کار پیدا نمی کند و حتی فلسفه تفننی بیهوده انگاشته می شود. ولی فلسفه تفنن نیست بلکه گزارش و حکایت تجربه های وجودی آدمی است. فلسفه کلمات و عبارات دشواریاب نیست بلکه درک آدمی از وجود و امکان های آن و آگاهی از شرایط علم و عمل و زبان و زندگی در جهان و زمان است و از آغاز نیز چنین بوده است. چنانکه وقتی ارسطو می گفت انسان حیوان سیاسی است از نسبت فلسفه با زندگی می گفت و زندگی در مدینه را لازمه انسانیت و پدید آمدن فلسفه می دانست.

ارسطو از این گفته منظور دیگری هم داشت و آن اینکه علم نظری و سیاست و اخلاق از هم جدا نیستند ولی ما امروز غالباً کتاب ارسطو را همان طور می خوانیم که کتاب شیمی می خوانیم. آموختن علم سودمند است. فلسفه را هم باید یاد گرفت اما صرف یاد گرفتنش سود ندارد. اگر فلسفه را یاد بگیریم اما اتصال با جان ما نباشد در حقیقت به فلسفه نرسیده ایم. فلسفه جان است. فلسفه فیلوسوفیا (اساس دانایی و مایه وجود آن) است. یکی از مشکلات نشناختن امکان ها و دریافتن ضرورت ها این است. فلسفه (اگر فلسفه باشد) می تواند حد و مرز امکان ها و ضرورت ها را کم و بیش معین کند. با معلوم شدن حدود امکان ها و

اخبار و گزارش‌ها



دیدار نوروزی اعضا و کارمندان با رئیس فرهنگستان علوم

توفیق بیشتر در سایه مدیریت عالمانه آقای دکتر داوری اردکانی کردند و اظهار امیدواری نمودند سال ۱۳۹۵ برای کشور ایران سال شادی و آرامش بیشتر باشد.

آقای دکتر داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم نیز در سخنانی، ضمن تشکر از تشریف‌فرمایی استادان و همکاران فرهنگستان، سال جدید را تبریک گفت و با خواندن اشعاری از مرحوم فریدون مشیری، برای دولت و مردم سالی پراز امید و شادی و برکت مسألت کرد.

روز یکشنبه ۱۵ فروردین ۱۳۹۵، معاونان، رؤسای گروه‌های علمی، اعضا، مدیران و کارمندان فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران با آقای دکتر داوری اردکانی رئیس فرهنگستان دیدار کردند.

در این جلسه به ترتیب آقایان دکتر محقق داماد رئیس گروه علوم اسلامی فرهنگستان، دکتر نمازی و دکتر شاهدی معاونان پژوهشی فرهنگستان و دکتر شمس اردکانی دبیر فرهنگستان ضمن تبریک سال جدید به رئیس فرهنگستان و کلیه اعضا و همکاران، برای فرهنگستان آرزوی



جلسات شورای علمی

مدعو آقای دکتر منوچهر وثوقی در شاخه مهندسی شیمی گروه علوم مهندسی برای یک دوره دو ساله دیگر، و تأیید تقویم جلسات و همایش‌های فرهنگستان در سال ۱۳۹۵، از دیگر تصمیمات جلسه شورای علمی چهارصد و پنجاه و هفتم بود.

■ در چهارصد و پنجاه و هشتمین جلسه شورای علمی فرهنگستان مورخ ۱۳۹۵/۲/۱۲، ابتدا آقای دکتر داوری اردکانی ریاست فرهنگستان روز معلم را به استادان عضو شورا تبریک گفت. به مناسبت گرامیداشت روز معلم، هدیه‌ای نیز از سوی ریاست فرهنگستان به اعضای شورا اهداء شد. پس از آن، آقای دکتر شمس اردکانی دبیر فرهنگستان توضیحاتی درخصوص پایگاه اطلاع‌رسانی جدید فرهنگستان علوم و امکانات آن بیان کرد. همچنین آقای مهندس وفایی مسئول فنی ایجاد پایگاه مزبور و آقای مهندس پزشکی رئیس دفتر ریاست و روابط عمومی فرهنگستان توضیحاتی درباره این پایگاه اطلاع‌رسانی ارائه کردند. سپس پیشنهاد گروه علوم پایه مبنی بر حمایت فرهنگستان از «سومین سمینار نظریه عملگرها و کاربردها» (که در اسفند سال جاری در دانشگاه فردوسی مشهد برگزار می‌شود) مطرح شد و مورد موافقت قرار گرفت. تصویب همکاری مدعو آقای دکتر محمدجواد ضمیری استاد گروه علوم دامی دانشگاه شیراز در شاخه علوم دامی و آقای دکتر منصورامیدی استاد گروه زراعت پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران در شاخه زراعت و اصلاح نباتات گروه علوم کشاورزی، برای یک دوره دو ساله، از دیگر تصمیمات جلسه بود. در این جلسه گزارش نهایی طرح پژوهشی «گردآوری و تدوین کتاب سالانه وضعیت محیط‌زیست ایران» (مجری طرح: آقای دکتر مجید مخدوم) به تصویب رسید و طرح مزبور خاتمه‌یافته تلقی شد.

در بهار سال ۱۳۹۵، سه جلسه شورای علمی با حضور رئیس، دبیر، معاونان پژوهشی، رؤسای گروه‌های علمی فرهنگستان و رئیس مرکز مطالعات علم و فناوری برگزار شد.

■ در چهارصد و پنجاه و هفتمین جلسه شورای علمی فرهنگستان مورخ ۱۳۹۵/۱/۲۹، ابتدا آقای دکتر داوری اردکانی ریاست فرهنگستان، سال جدید را به اعضای شورا تبریک گفت و با آرزوی سالی خوب برای مردم و دولت، اظهار امیدواری کرد فرهنگستان بهتر از گذشته فعالیتش را ادامه دهد. در ادامه انتخاب آقای دکتر حسن ظهور به عنوان نماینده ایران در «کمیته نگارش کنوانسیون جهانی پیرامون شناسایی صلاحیت‌های آموزش عالی» سازمان جهانی یونسکو به اطلاع شورا رسید. اعضای شورای علمی این انتخاب را به آقای دکتر ظهور تبریک گفتند. سپس نامه رئیس آکادمی علوم بنگلادش به رئیس فرهنگستان جهت معرفی ۳ نامزد (یک دانشمند زن و یک دانشمند مرد زیر ۴۵ سال به عنوان کارآموز؛ و یک دانشمند زن خبره به عنوان مربی) برای شرکت در «کنگره دانشمندان جوان» در بنگلادش مطرح و قرار شد گروه‌های علمی چنانچه پیشنهادی دارند و نامزدی برای شرکت در کنگره مناسب می‌دانند، معرفی کنند.

در ادامه جلسه پیشنهاد مرکز مطالعات فرهنگستان درخصوص عضویت حقیقی آقای دکتر محمدحسن بیژن‌زاده استاد ریاضی بازنشسته دانشگاه خوارزمی در شورای علمی مرکز مطالعات علم و فناوری مطرح شد و مورد موافقت قرار گرفت. موافقت با تمدید همکاری مدعو آقای دکتر احمدرضا شرافت در شاخه مهندسی برق و کامپیوتر و موافقت با تمدید همکاری



■ روز یکشنبه ۲۳ خرداد ۱۳۹۵ چهارصد و پنجاه و نهمین جلسه شورای علمی فرهنگستان به ریاست آقای دکتر داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم برگزار شد. در ابتدای جلسه آقای دکتر داوری اردکانی گزارشی از سفر به کشور بلغارستان و دیدار با رئیس و مسئولان آکادمی علوم آن کشور و امضای تفاهم‌نامه همکاری میان فرهنگستان علوم ایران و آکادمی علوم بلغارستان ارائه کرد. ایشان اظهار داشت که در جلسات مختلف آکادمی، مطالب بسیار خوبی در خصوص علم و توسعه بیان شده و درباره شرایط و نحوه همکاری‌های علمی بحث و تبادل نظر شده است.

رئیس فرهنگستان همچنین از میهمان‌نوازی رئیس و مسئولان آکادمی علوم بلغارستان و سفارت جمهوری اسلامی ایران در صوفیا صمیمانه تشکر کرد. در ادامه آقای دکتر شمس اردکانی نیز با اشاره به اینکه علم و فناوری در بلغارستان به سرعت در حال رشد است، به امضای تفاهم‌نامه همکاری میان فرهنگستان علوم ایران و آکادمی علوم بلغارستان اشاره کرد و افزود که مناسب است کمیته‌ای در فرهنگستان تشکیل شود و با همکاری مرکز مطالعات فرهنگستان تفاهم‌نامه همکاری عملیاتی شود. ایشان اظهار داشت که گروه‌های علمی فرهنگستان می‌توانند با بخش‌های مختلف آکادمی بلغارستان کارهای مشترک انجام دهند. در ادامه جلسه آقای دکتر شاهی معاون پژوهشی علوم محض و کاربردی گزارشی از برگزاری همایش دو روزه بحران آب در فرهنگستان ارائه کرد. ایشان هدف اصلی از برگزاری این همایش را جمع‌بندی اظهارنظرها و فعالیت‌های گروه‌های مختلف فرهنگستان درباره موضوع آب، و توجه دادن به دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی درباره اهمیت موضوع و حساسیت مراکز علمی درباره بحران آب برشمرد و در ادامه برخی از راهکارهای ارائه شده را به شرح ذیل بیان کرد:

- ضرورت به وجود آمدن مدیریت یکپارچه برای آب و تصمیم‌گیری‌های مربوط به آن به صورت ملی برای جلوگیری از اختلافات بین استانی و منطقه‌ای
- ضرورت آگاه‌سازی مردم نسبت به بحران آب و فرهنگ‌سازی برای مصرف بهینه آن
- ضرورت اصلاح الگوی کشت و فضای سبز در هر منطقه با توجه به محدودیت‌های آبی آن منطقه
- استفاده از امکانات و روش‌های مختلف تأمین آب نقاط مختلف با

توجه به شرایط خاص هر منطقه و از جمله شیرین کردن آب‌های شور خلیج فارس و دریای عمان و دریاچه خزر در حد امکان و ضرورت

- ضرورت به وجود آمدن تشکلی خاص برای دیپلماسی آب در وزارت امور خارجه و فعالیت مؤثرتر برای این موضوع
- قیمت‌گذاری آب و بها دادن به آن بر اساس نسبت واقعی و کنترل برداشت آب به ویژه از منابع زیرزمینی
- توجه به آب مجازی در صادرات و واردات

آقای دکتر شاهی در پایان صحبت‌هایش از رئیس فرهنگستان و اعضای شورای علمی و شورای پژوهشی بابت حمایت‌های بی‌دریغشان، و از زحمات دفتر ریاست و روابط عمومی، امور اداری و مالی، امور رایانه، همکاران معاونت پژوهشی و دبیرخانه همایش و کمیته اجرایی برای برگزاری همایش تشکر کرد.

در ادامه موضوع معرفی ۳ نامزد گروه علوم کشاورزی برای شرکت در «کنگره دانشمندان جوان» در بنگلادش مطرح شد و مورد موافقت قرار گرفت. سپس نامه آکادمی ملی علم و فناوری فیلیپین جهت شرکت رئیس فرهنگستان در کارگاه مشترک آسا و آکادمی فیلیپین با موضوع «نقش آکادمی‌های علوم در توسعه پایدار» مطرح و مقرر شد آقای دکتر حسین نمازی معاون پژوهشی علوم انسانی و اسلامی به عنوان نماینده رئیس فرهنگستان در این کارگاه شرکت کند. موافقت با اجرای طرح پژوهشی پیشنهادی گروه علوم مهندسی با عنوان «امکان سنجی و تبیین چارچوب در رابطه با پژوهش و توسعه سیستم‌های سایبری- فیزیک»، با حمایت مالی صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور، موافقت با همکاری مدعو آقایان دکتر رحمت‌الله فتاحی (استاد علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد) و دکتر احمد شعبانی (استاد علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه اصفهان) برای یک دوره دو ساله در شاخه کتابداری و اطلاع‌رسانی گروه علوم انسانی، موافقت با تمدید همکاری مدعو آقایان دکتر جعفر کیوانی، دکتر مجید صادق آذر و دکتر سیدعباس شجاع‌الساداتی برای یک دوره دو ساله دیگر در گروه علوم مهندسی، موافقت با تمدید همکاری ۲۲ همکار مدعو گروه علوم کشاورزی برای یک دوره دو ساله دیگر در گروه علوم کشاورزی، و موافقت با تشکیل کمیسیون تاریخ علم در فرهنگستان علوم با محوریت مرکز مطالعات و همکاری گروه‌های علمی فرهنگستان، از دیگر تصمیمات جلسه شورای علمی چهارصد و پنجاه و نهم بود.



دیدار سفیر بلغارستان با رئیس فرهنگستان علوم

روز دوشنبه ۱۳۹۵/۱/۲۳ آقای خریستو پولنداکف سفیر بلغارستان در تهران و آقای ژیکو کانچف دبیر اول سفارت با حضور در فرهنگستان علوم با آقای دکتر دآوری اردکانی ریاست فرهنگستان و آقای دکتر شمس اردکانی دبیر فرهنگستان دیدار و گفتگو کردند.

در ابتدای نشست آقای خریستو پولنداکف در سخنانی اظهار داشت که در حال تلاش برای برقراری روابط علمی و فرهنگی با مراکز علمی و فرهنگی ایران است و بدین منظور در تماس مستقیم با مؤسسات علمی و دانشگاه‌های ایران می‌باشد. ایشان در این خصوص به ارتباط فرهنگستان علوم ایران و آکادمی علوم بلغارستان و دیداری که برای ماه مه در نظر گرفته شده است و به ارتباط میان سفارت بلغارستان و فرهنگستان علوم و تلاش برای تقویت آن اشاره کرد. ایشان در ادامه اظهار داشت که آکادمیسین وودن چارف رئیس آکادمی بلغارستان، تمایل زیادی برای ملاقات با آقای دکتر دآوری اردکانی دارد و در ادامه ضمن تجلیل از مقام والای علمی آقای دکتر دآوری اظهار داشت که آکادمیسین وودن چارف نیز از شخصیت‌های علمی برجسته در بلغارستان می‌باشد و در ادامه درباره فعالیت‌های آکادمی علوم بلغارستان به عنوان یکی از

قدیمی‌ترین ارگان‌های علمی در جهان توضیحاتی ارائه کرد. پس از سخنان سفیر بلغارستان، آقای دکتر دآوری اردکانی به میهمانان خوش آمد گفت و توضیحات مختصری در مورد تاریخچه، ساختار و فعالیت‌های فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران ارائه کرد. ایشان به تاریخ کهن ایران و روابط خوبی که همواره بین دو کشور بوده است نیز اشاره نمود.

در ادامه آقای دکتر شمس اردکانی ضمن خوش آمدگویی به میهمانان اظهار داشت که اعضای فرهنگستان علوم ایران همگی از استادان برجسته دانشگاه‌های ایران هستند. ایشان به روابط خوب دو کشور در بخش اقتصادی نیز اشاره کرد.

تبادل نظر در خصوص برنامه سفر رئیس فرهنگستان به بلغارستان و دیدار با رئیس و اعضای آکادمی علوم آن کشور و نیز دیدار با استادان فلسفه بلغارستان از دیگر موضوعات این جلسه بود.

در این دیدار آقایان مهندس سیدعلی پزشکی رئیس دفتر ریاست، محمود علیمحمدی رئیس روابط بین‌الملل و خانم‌ها شکوفه سینا و مرجان شجاعی کارشناسان روابط بین‌الملل فرهنگستان نیز حضور داشتند.



دیدار دبیر کل آکادمی علوم پاکستان از فرهنگستان علوم

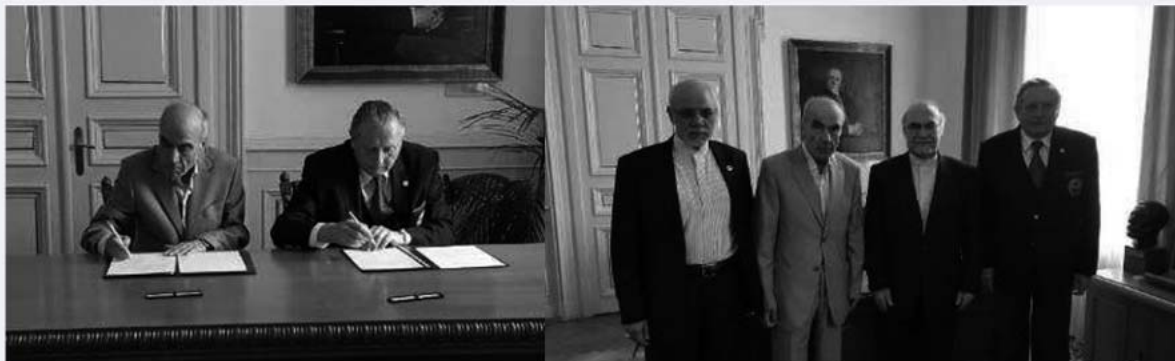


ابن سینا برای او ارزش زیادی دارد و مطالبی درخصوص اهمیت این جایزه بیان کرد. سپس در یک بحث علمی، موضوعات مختلفی درباره علم و تکنولوژی و اخلاق، اخلاق علمی و ... توسط حاضران مطرح شد و پیرامون آنها بحث و تبادل نظر شد. در پایان جلسه آقای دکتر محقق داماد رئیس گروه علوم اسلامی فرهنگستان و عضو شورای عالی یونسکو در ایران، هدیه‌ای به رسم یادبود به آقای شینواری اهداء کرد.

جایزه اخلاق در علم ابن سینا بنا به ابتکار و پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران از سوی یونسکو از سال ۲۰۰۲ تاکنون به صورت دو سالانه اهدا شده است. هدف از اهدای این جایزه ارج نهادن به فعالیت‌های اشخاص و گروه‌ها در زمینه اخلاق در علم می‌باشد. ارتقای اخلاق در علم از آن جهت حائز اهمیت است که علم و فناوری به صورت مداوم در حال پیشرفت می‌باشند و از این جهت معایب و مزایای حاصل از پیشرفت‌های علمی و فناوری نیز همراه با این پیشرفت‌ها افزایش می‌یابند. از این جهت هویشاری بین‌المللی و روش‌های پیشگیرانه اخلاقی در علم و فناوری ضرورت دارد. نام جایزه از آن جهت به ابن سینا مربوط می‌شود که این دانشمند در آثار خود برای اخلاق در علم اهمیت زیادی قائل شده است. از سوی دیگر یونسکو نیز تأکید زیادی بر مسئله اخلاق در علم دارد. جایزه اخلاق در علم ابن سینا شامل مدال طلای ابن سینا همراه با لوح تقدیر و جایزه ده هزار دلاری است. به علاوه یک هفته بازدید علمی از ایران نیز برای برنده در نظر گرفته شده است. در طی این دیدار یک هفته‌ای، برنده جایزه از محافل علمی ایران بازدید می‌کند. آقای پروفیسور شینواری برنده سال ۲۰۱۵ این جایزه می‌باشد.

روز دوشنبه سوم خرداد ۱۳۹۵، آقای پروفیسور زبناخان شینواری دبیر کل آکادمی علوم پاکستان و برنده جایزه بین‌المللی یونسکو با عنوان اخلاق در علم ابن سینا، با حضور در گروه علوم اسلامی فرهنگستان علوم با برخی مقامات فرهنگستان علوم و اعضای گروه علوم اسلامی و تنی چند از استادان و صاحب‌نظران کشور دیدار و گفتگو کرد.

در این جلسه که آقایان دکتر محمدرضا شمس اردکانی دبیر فرهنگستان علوم، دکتر سیدمصطفی محقق داماد رئیس گروه علوم اسلامی فرهنگستان، دکتر حسین نمازی معاون پژوهشی علوم انسانی و اسلامی فرهنگستان، دکتر غلامرضا اعوانی، دکتر احمد احمدی و دکتر سیدمحمد سیدفاطمی اعضای گروه علوم اسلامی فرهنگستان، دکتر سیدمحمد بلورچیان عضو پیوسته گروه علوم پایه فرهنگستان، دکتر عزت‌الله فولادوند، دکتر عبدالحسین خسروپناه رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، دکتر شهین اعوانی، دکتر سیمایی، دکتر حمیدزاده، دکتر خادمی، علیمحمدی رئیس روابط بین‌الملل فرهنگستان، مهندس پزشکی رئیس دفتر ریاست فرهنگستان و خانم مرجان شجاعی کارشناس روابط بین‌الملل فرهنگستان حضور داشتند، ابتدا آقای دکتر محقق داماد رئیس گروه علوم اسلامی به آقای شینواری خوشامد گفت و کسب جایزه اخلاق در علم را به ایشان تبریک گفت. آقای دکتر محقق داماد همچنین از تشریف‌فرمایی استادان و صاحب‌نظران در این نشست تشکر کرد. در ادامه آقای پروفیسور شینواری از دعوت فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران تشکر و قدردانی کرد و شرح مختصری از زندگی و فعالیت‌های علمی و پژوهشی خود ارائه نمود و اظهار داشت که دریافت جایزه اخلاق در علم



امضای تفاهم‌نامه همکاری میان فرهنگستان علوم ایران و آکادمی علوم بلغارستان

آکادمی علوم بلغارستان

آکادمی علوم بلغارستان بزرگترین مرکز پژوهش ملی کشور بلغارستان است و ۱۴۶ سال قدمت دارد. آکادمی به کار پژوهش، آموزش و فعالیت‌های مهم ملی و بین‌المللی می‌پردازد و به دنبال راه‌حلی برای توسعه جامعه و کشور بلغارستان است. آکادمی علوم بلغارستان متعهد است که منطبق با ارزش‌های انسانی جهانی و منافع ملی کشور، علم را گسترش دهد و نیز تعداد روشنفکران و میراث فرهنگی بلغارستان را افزایش دهد.

اهداف مهم آکادمی که منطبق بر اولویت‌های اخیر گسترش علم در اتحادیه اروپاست عبارتند از: تقویت و توسعه تعالی جایگاه علم و جذب دانشمندان جوان در دنیای در حال تغییر برای اقتصاد هوشمند، پایدار و جامع و نیز برای دستیابی به سطح بالایی از اشتغال، بهره‌وری و یکپارچگی اجتماعی.

ارکان مدیریتی آکادمی از هیأت رئیسه، شورای اجرایی، شوراهای علمی مشورتی، و مجمع عمومی تشکیل شده است.

آکادمی علوم بلغارستان ۴۲ مؤسسه پژوهشی، ۸ واحد تخصصی علمی و ۸ واحد تخصصی/کمکی دارد. واحدهای تخصصی علمی و پژوهشی، واحدهای قانونی مستقلی هستند که پژوهش کاربردی و بنیادی و نیز آموزش مربوط به تحصیلات تکمیلی را انجام می‌دهند. واحدهای پژوهشی در ۹ شاخه ذیل سازمان یافته‌اند:

تفاهم‌نامه همکاری‌های علمی میان فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران و آکادمی علوم بلغارستان روز چهارشنبه پنجم خرداد ۱۳۹۵ به امضای آقای دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم ایران و آقای پروفسور استفان وودن چارف همتای بلغاری ایشان رسید.

در مراسم امضای این تفاهم‌نامه که در محل آکادمی علوم بلغارستان در صوفیا برگزار شد، آقای دکتر محمدرضا شمس اردکانی دبیر فرهنگستان علوم ایران، آقای دکتر عبدالله نوروزی سفیر ایران در بلغارستان و مسئولان عالی‌رتبه آکادمی علوم بلغارستان حضور داشتند.

آقای دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم ایران به دعوت همتای بلغاری خود پروفسور استفان وودن چارف رئیس آکادمی علوم بلغارستان به این کشور سفر کرد. رئیس فرهنگستان علوم در این سفر رسمی سه‌روزه، ابتدا در مرکز آکادمی علوم بلغارستان مورد استقبال همتای خود قرار گرفت. طرفین در این دیدار به بررسی و تبادل اطلاعات پرداخته و گفتگوهای سازنده‌ای در مورد زمینه‌های همکاری‌های علمی میان دو کشور داشتند. این دیدار و تفاهم‌نامه یادشده سرفصل جدیدی برای همکاری‌های علمی میان دو کشور خواهد بود. آقایان دکتر داوری اردکانی رئیس و دکتر شمس دبیر فرهنگستان علوم ایران در این سفر از مراکز علوم و فناوری و آزمایشگاه‌های نوین تحقیقاتی و نانوتکنولوژی بلغارستان نیز بازدید داشتند.



۱- علوم و فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات

۲- منابع انرژی و کارآیی انرژی

۳- زیست‌پزشکی و کیفیت زندگی

۴- تنوع زیستی، منابع زیستی و اکولوژی

۵- تغییرات آب و هوا، خطرهای منابع طبیعی

۶- اخترشناسی، پژوهش و فناوری‌های فضایی

۷- میراث فرهنگی-تاریخی و هویت ملی

۹- انسان و جامعه

آکادمی علوم بلغارستان بیش از شصت توافق‌نامه دوجانبه جهت همکاری علمی با آکادمی‌های علوم، دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی و سازمان‌های سرمایه‌گذار متعلق به اتحادیه اروپا و دیگر کشورهای جهان منعقد کرده است.

یکی از اهداف مهم آکادمی علوم بلغارستان، مشارکت و همکاری جهت تقویت برنامه پژوهشی اروپا است. پژوهشگران و مؤسسات وابسته به آکادمی، علاوه بر تلاش‌هایی که در سطح ملی انجام داده‌اند، در قالب برنامه‌های پژوهش و نوآوری اتحادیه اروپا^۱ و نیز برنامه آموزشی مادام‌العمر اتحادیه اروپا^۲، همواره ابزار مهمی برای همکاری با برنامه پژوهشی اروپا بوده‌اند. آکادمی علوم بلغارستان عضو بیست و سه سازمان بین‌المللی می‌باشد. این آکادمی با مؤسسات ذیل ارتباط نزدیک دارد: آکادمی‌های اروپا^۴، انجمن علم اروپا^۵، شورای مشورتی علم آکادمی‌های اروپا^۶، سازمان همکاری بین آکادمی‌ها^۷، بنیاد علم اروپا^۸، شورای بین‌المللی علم^۹، یونسکو، سازمان هواشناسی جهان^{۱۰}، سازمان اروپایی بهره‌برداری از ماهواره‌های هواشناسی^{۱۱} (مؤسسه ملی هواشناسی و آبشناسی آکادمی علوم بلغارستان، نماینده بلغارستان در این سازمان است).

دیدار و گفتگوی رئیس فرهنگستان علوم ایران با مسئولان و استادان دانشگاه سنت اخردسکی صوفیا

آقای دکتر داوری اردکانی ریاست فرهنگستان علوم در ادامه سفر خود به بلغارستان، به دعوت بخش ایران‌شناسی دانشگاه سنت اخردسکی صوفیا، به این دانشگاه رفت و در دانشکده زبان‌های شرقی و کلاسیک حضور یافت.

در این دیدار که استادان دپارتمان، دانشجویان و فارغ‌التحصیلان حضور داشتند، ابتدا آقای دکتر ایو پانف رئیس دپارتمان ضمن خوشامدگویی به استاد داوری اردکانی، گزارشی از فعالیت‌های بیست و سه ساله دپارتمان ارائه کرد و درباره نتایج فعالیت‌های انجام‌شده در تقرب روابط فرهنگی ایران و بلغارستان سخن گفت و در ادامه اهم فعالیت‌های دانشگاه در عرصه زبان، ادبیات و تاریخ ایران را به اطلاع رئیس فرهنگستان علوم ایران رساند. پس از آن، آقای دکتر داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران ضمن تشکر از مسئولان و استادان دانشگاه برای دعوت از ایشان، سخنرانی کرد. ایشان درسختان خود اظهار داشت که اگر می‌خواهید ایران را بشناسید خواندن کتاب‌هایی را به شما سفارش می‌کنم که در آنها می‌توانید روح ایران را

بیابید. یکی از مهمترین و بزرگترین این آثار شاهنامه است. شاهنامه در حقیقت ایران‌نامه است و اگر آن را بخوانید به روح ایران و جوهری که در زمان‌های گوناگون تعیین‌های خاص پیدا کرده است پی می‌برید و مهم اینکه با یکی از بزرگترین آثار هنر و ادب جهان آشنا می‌شوید. سپس برخی از استادان و حاضران در جلسه در صحبت‌هایی، ضمن خیر مقدم به استاد داوری اردکانی، به طرح پاره‌ای از مسائل علمی و فرهنگی مرتبط پرداختند. نماینده دانشجویان دانشگاه وجود آقای دکتر داوری اردکانی را برای گسترش روابط علمی و فرهنگی دو کشور حائز اهمیت دانست و مغتنم شمرد. یکی دیگر از دانشجویان جذابیت فرهنگ ایرانی را عامل گریش خود به تحصیل در این رشته بیان کرد. آقای دکتر مرتضی نورائی نیز در این جلسه ضمن تقدیر از حضور آقای دکتر داوری اردکانی در بلغارستان و تشکر از دست‌اندرکاران دعوت ایشان و همچنین سفارت جمهوری اسلامی ایران، در سخنانی به علاقه وافر استادان و دانشجویان به مقام خیام و فردوسی اشاره کرد و در ادامه زمینه‌های مساعد رشد روابط فرهنگی در کشور ایران و بلغارستان را مورد ارزیابی قرار داد.

1- European Research Area (ERA)
2- EU Framework Programmes for Research and Innovation
3- EU Life-Long Learning Program
4- All European Academies (ALLEA)
5- Science Europe
6- European Academies Science Advisory Council (EASAC)

7- The InterAcademy Partnership (IAP)
8- European Science Foundation (ESF)
9- International Council for Science (ICSU)
10- World Meteorological Organization
11- European Organization for the Exploitation of Meteorological Satellites (EUMETSAT)





بازدید رئیس فرهنگستان علوم از نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران

روز سه‌شنبه ۲۱ اردیبهشت‌ماه سال جاری آقای دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران از بیست و نهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران بازدید کرد.

رئیس فرهنگستان در ابتدای این بازدید مورد استقبال آقای دکتر صالحی معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار گرفت. در این دیدار آقای دکتر صالحی گزارش مبسوطی از برگزاری بیست و نهمین نمایشگاه کتاب و اولین تجربه برپایی نمایشگاه در شهر آفتاب ارائه کرد. در ادامه آقای دکتر داوری اردکانی با حضور در سالن‌های نمایشگاه از

غرفه‌ها بازدید نمود و با ناشران کتاب گفتگو کرد.

رئیس فرهنگستان علوم ایران در حاشیه بازدید از بیست و نهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران اظهار داشت: برپایی نمایشگاه کتاب مراسم احترام به علم است و طبیعی است که هر جامعه‌ای به این مراسم نیاز دارد. آقای دکتر رضا داوری اردکانی در گفتگو با ستاد خبری بیست و نهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، با بیان اینکه نمی‌شود فقط در تصورات خود علم را محترم دانست، افزود: باید زمینه‌ای ایجاد شود تا علم در جامعه معرفی شود و زمانی که این اتفاق رخ داد باید به آن احترام گذاشت. ایشان ادامه داد: نمایشگاه کتاب فقط برای فروش کتاب نیست بلکه مراسمی است که در آن اهمیت کتاب نشان داده می‌شود. استاد فلسفه دانشگاه تهران با اشاره به حضور جوانان در نمایشگاه کتاب عنوان کرد: این نمایشگاه به مردم، خصوصاً جوانان تذکر می‌دهد که مطالعه داشته باشند و انس و الفت بیشتری با کتاب برقرار کنند. به نظر من حتی اگر این افراد کتاب هم خریداری نکنند، حضورشان در نمایشگاه کتاب مغتنم است. آقای دکتر داوری اردکانی یادآور شد: دسترسی به کتاب برای فردی که اهل مطالعه و کتابخوانی است، کار سختی نیست. مسئله اصلی این است که طالب کتاب کم است که امیدواریم به این مسئله توجه شود.

بیست و نهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران با شعار «فردا برای خواندن دیر است...» از ۱۵ تا ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۵ در مجموعه نمایشگاهی شهرآفتاب تهران برگزار شد.

سخنان اعضای فرهنگستان علوم در همایش «فلسفه و جهان‌عاری از فلسفه»

در ذیل خلاصه‌ای از سخنان اعضای فرهنگستان علوم در این همایش جهت آگاهی و بهره‌مندی علاقمندان آمده است.

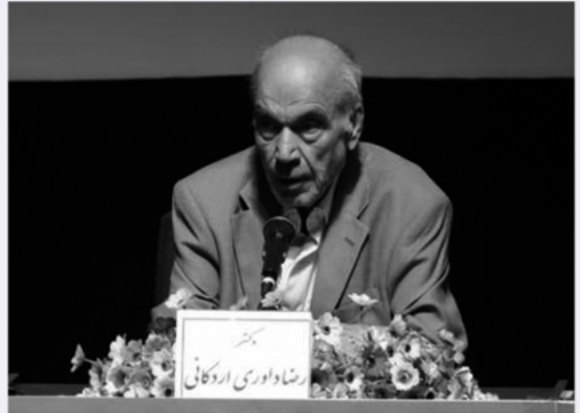
■ ایران و فلسفه (دکتر رضا داوری اردکانی)

فلسفه یا به طور کلی تفکر لازم اعتدال و نظم و درست زندگی کردن است. یعنی بدون تفکر نظم و عقل و صلاح و سلامت وجود ندارد. اینکه در دوران جدید میان علم و فلسفه و اخلاق و سیاست جدایی افتاده است امری است که متفکران باید در باب آن تأمل کنند.

بیستمین همایش روز ملی بزرگداشت حکیم ملاصدرا با موضوع «فلسفه و جهان‌عاری از فلسفه» به همت بنیاد حکمت اسلامی صدرا و با حضور آقایان آیت‌الله سیدمحمد خامنه‌ای رئیس این بنیاد، دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم، آیت‌الله دکتر سیدمصطفی محقق داماد رئیس گروه علوم اسلامی فرهنگستان علوم، دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی و دکتر غلامرضا اعوانی اعضای پیوسته فرهنگستان علوم، دکتر کریم مجتهدی استاد فلسفه، و دیگر استادان و صاحب‌نظران حوزه فلسفه و اندیشه کشور در مجتمع فرهنگی آدینه برگزار شد.



اخبار و گزارش‌ها



البته گرفتاری‌هایی از این قبیل همواره بوده است زیرا ما محدودیم و اقتضای محدودیت افتادن در بند تعارض‌ها و تضادها است. نکته‌ای که باید به آن توجه شود این است که عقل همواره و در همه دوران‌ها به یک معنی نبوده است. آنچه اکنون و در زمان ما نام خرد و عقل دارد بیشتر همان نظم و هماهنگی است که در نظم اداری و رفتار و گفتار عمومی وجود دارد و وقتی به علم و فهم می‌آییم عقل، بیشتر با هوش اشتباه می‌شود. هوش یک امر بیولوژیک و ژنتیک است اما عقل امر عمومی است. حتی عقل دوران جدید هم با اینکه زمینی و بشری است شخصی و خصوصی نیست. ولی به هر حال عقل راهبر مردمان است و هرچند که عقل جدید با عقل متقدمان تفاوت دارد جهان جدید هم با فلسفه پدید آمده و تا این اواخر نیز فلسفه آن راه می‌برده است و نکته مهم اینکه عقل هرچه باشد همه کسانی که با آن نسبت دارند و آن را آزموده‌اند و می‌آزمایند درک کم و بیش مشترک از آن پیدا می‌کنند یا لاقلاً منشأییت اثر و اهمیتش را درک می‌کنند. فردوسی بزرگ هم دریافته بود که جهان، بی‌خرد دوام نمی‌آورد. او خرد و خردمندی را مایه دانایی و توانایی می‌دانست:

از آن روز دشمن به ما چیره شد
که ما را روان و خرد تیره شد
نکته دومی که می‌خواهم بگویم در باب نسبت ایران و فلسفه است. می‌دانیم که فلسفه اختصاص به هیچ کشور و ملتی ندارد و آن را به هیچ‌جا منسوب نمی‌توان کرد. اگر معمولاً گفته می‌شود که فلسفه یونانی است مراد این نیست که فلسفه خاص سرزمین و قوم یونان است بلکه آن را امری پدید آمده در تاریخ یونان می‌دانند. به عبارت دیگر تعلق فلسفه به یونان تعلق تاریخی است. در مورد فلسفه عربی و اسلامی و

ایرانی و مسیحی چه بگوییم؟ عنوان فلسفه عربی و اسلامی را شرق‌شناسان مورخ فلسفه به فلسفه دوره اسلامی داده‌اند. فلسفه ایرانی هم که در دهه‌های اخیر پدید آمده ظاهراً در تقابل با فلسفه عربی پدید آمده باشد. ولی به هر حال همه این صفات و نسبت‌ها از روی مسامحه است. زیرا فلسفه بحث عقلی است و عقل گرچه تاریخی است با قومیت و جغرافیا نسبت ندارد.

مع‌هذا اگر بخواهیم به فلسفه خودمان صفتی بدهیم و فلسفه ایرانی و عربی را با هم قیاس کنیم فلسفه عربی به کلی بی‌معنی است زیرا در عالم عربی جز در دوره کوتاهی در مغرب اسلامی فلسفه‌ای وجود نداشته است. اهل تونس و مراکش و ... هم که عرب نبوده‌اند بلکه زبان‌شان عربی شده است. اما فلسفه ایرانی که گفته می‌شود مراد فلسفه‌ای است که در ایران (به عنوان یک تعین تاریخی که در منطقه‌ای به وسعت سرزمین میان سند و مدیترانه و سیحون و اوند صورت گرفته است) پدید آمده است. ما کمتر توجه می‌کنیم که در جهان قدیم هیچ مردمی در بیرون از اروپا به فلسفه یونانی توجه نکردند و ایرانیان بودند که از فلسفه یونانی (و البته از علم و حکمت اقوام دیگر) استقبال کردند. اگر این استقبال جواز و توجیهی برای ایرانی دانستن فلسفه نباشد، عربی خواندن آن را منتفی می‌سازد. از جمله کسانی که در دهه‌های اخیر به این اختلاف توجه کرده، استاد مراکشی فلسفه دکتر محمد عبدالجباری است. او که خوشبختانه در پایان عمر رأی خود را تعدیل کرده است در بعضی آثار خود اصرار دارد که فیلسوفان شرق عالم اسلام (ایرانیان) فلسفه را با ایدئولوژی آمیخته و آن را در خدمت ایران قرار داده‌اند. فیلسوف اگر با قصد خاص و به حکم مصلحت‌بینی حکمی بدهد حکمش فلسفی نیست و باقی و پایدار نمی‌ماند. ابن‌سینا و سهروردی درست است که به ایران تعلق داشته‌اند و بعضی آثارشان را به زبان فارسی نوشته‌اند اما مأموران سیاست و حتی طراحان ایدئولوژی نبوده‌اند (زیرا در زمان آنان چیزی به نام ایدئولوژی وجود نداشته و زمینه‌ای هم برای به وجود آمدنش نبوده است).

اگر دکتر جباری به همین اکتفا می‌کرد که سخن ابن‌رشد را تکرار کند و با فیلسوفان از بابت وارد کردن اعتقادات دینی در فلسفه به بحث بپردازد بر او بآسی نبود. این استاد مراکشی با استناد به قول کریستیان ژامبه (از استادان معاصر فلسفه در فرانسه و شاگرد هانری کربن) کربن را هم ملامت کرده است که برای علاج بحران غرب به فلسفه سهروردی رجوع

کرده و کشف عالم خیال در فلسفه سهروردی را دارویی برای درمان بحران فکر اروپایی دانسته است. کربن در پی هوسرل و ژیلن و ماسینیون و هیدگر آمده بود و مخصوصاً آمیدی به آینده فلسفه اروپایی نداشت. با این همه نمی‌توان او را ملامت کرد که چرا به سهروردی و ملاصدرا رو کرده و نشانی از روح ایرانی را در فلسفه آنان دیده است. او هم مثل هر فیلسوف دیگری به آثار بعضی فلاسفه علاقه بیشتری پیدا کرده و آنها را آموخته و آموخته‌هایش را گفته و نوشته و به دیگران تعلیم کرده است. اگر بتوان ابن‌رشد را مثال فیلسوف دانست و او را در این زمان، آموزگار دوران‌ها قرار داد چرا کربن حق نداشته است که ابن‌سینا و سهروردی و ملاصدرا را آموزگار بدانند. از این حرف‌ها که بگذریم باید به فکر فلسفه باشیم. این نزاع‌ها اگر ما را به وضع خود متذکر سازد غنیمت است اما اشتغال دائم به آنها شاید نشانه پریشانی خاطر باشد. ما و همه مردم جهان باید ببینیم که چه پیش آمده است و در چه عالمی هستیم و عالم به کجا می‌رود و چه دارد پیش می‌آید و اگر می‌توانیم جهان خویش را نقد کنیم و گرنه دیگران و به خصوص گذشتگان را ملامت کردن و تقصیرها و قصورها را از آنان دانستن، مناسبی با تفکر ندارد.



■ تشرع بدون تعقل (دکتر سیدمصطفی محقق داماد)

آیت‌الله آقای دکتر سیدمصطفی محقق داماد عضو پیوسته و رئیس گروه علوم اسلامی فرهنگستان علوم و استاد دانشگاه شهیدبهبشتی در این همایش سخنانی با موضوع «تشرع بدون تعقل» ایراد کرد. ایشان اظهار داشت: علم شریعت یا دانش فقه با متن زندگی افراد و حیات اجتماعی جامعه دینی رابطه‌ای ناگسستنی دارد و به هیچ‌وجه در حاشیه زندگی نمی‌باشد. تاریخ نشان می‌دهد که در مقاطعی جامعه اسلامی دارای

نشاط و شکوفایی و رشد بوده و وقتی بررسی دقیق‌تری می‌کنیم ریشه آن در یک تفکر فقهی عقلانی باز بوده است که قرن ۴ و ۵ شاهد ادعای بنده است. آثار به جا مانده نشان می‌دهد که عالمان شریعت در پیشرفت علوم مختلف نقش بسزایی داشتند.

آقای دکتر محقق داماد افزود: ذبیح‌الله صفا می‌نویسد: مهمترین عنصر از عناصر تمدن در قرن ۴ و ۵ علوم شرعی عقلی است. شخص دیگری گفته وجود آزادی دینی که ریشه در اندیشه شریعت آزاد داشته باعث پیشرفت این علوم شده است. درست نقطه مقابل در تاریخ می‌بینیم که به خاطر نوعی تفکر فقهی و سختگیری‌ها و جدایی از عقلانیت جامعه دچار مشکلات بسیار زیادی می‌شود. شاهد آن تفکر سلفی‌گری است که یک نوع تفکر فقهی است و هنوز هم جنایات زیادی در چهره اسلام و به نام اسلام انجام می‌شود.

حسب گزارش منابع خبری در یک ماه اخیر گروه بوکو حرام ۳۰۰ دختر ۱۶ تا ۱۸ ساله را ربوده است. بوکو حرام یعنی حرام بودن تحصیل به روش جدید. پایه‌گذار بوکو حرام خواستار تعطیلی همه علوم جدید شده بود. اینها با تحصیل علوم جدید مخالفند و خود را پیرو ابن‌تیمیه می‌دانند. همه مکاتب مخرب سلفی نشأت گرفته از تفکر فقهی ابن‌تیمیه است. محور فکری او مخالفت با هرگونه تعقل و خردگرایی است. استاد دانشگاه شهید بهشتی ادامه داد: در جهان اسلام دو مکتب وجود دارد که یکی نظام فقهی متن‌گرای بدون تعقل است که فقط به متن دلالت می‌کند و دیگری نظام عقل‌گراست که بر فهم تعقلی متون استوار بوده است. از قرآن استنباط می‌شود که این مسئله تنها آفت جهان اسلام نبوده است و تفکر غیرعقلانی ریشه در یهود و دیگر ادیان داشته است. در برخی آیات قرآن کاملاً در مقابل روحانیون ضد تعقل موضع گرفته شده است. معنای این آیات این است که چه کسی حلال را بر مردم حرام می‌کند و خوبی‌ها را از مردم منع کرده است. معلوم می‌شود که عده‌ای در زینت ظاهری و مواد خوراکی مردم دخالت می‌کردند و به نام خدا آن را حرام می‌دانستند. در قرآن در موارد زیادی به حلال و حرام کردن بی‌مورد عده‌ای از یهودی‌ها اشاره دارد. عضو پیوسته فرهنگستان علوم اضافه کرد: زمانی در همین کشور ما تحصیل علوم جدید در مدارس را منع می‌کردند و مدارس ملاحسن رشدیه ۸ بار به فتوای علمای شهر خراب شد. اما درست در مقابل این مسئله ملاصدرا اصطلاح استنباط در علوم را استعمال کرده است. ملاصدرا حدیثی را نقل می‌کند که می‌گوید یکی از

مطالبی که خدا به آدم وحی کرده این است که افرادی که استنباط‌کنندگان در علوم هستند نزد من از آبادگران زمین افضلند. هر کس علمی را استنباط کند و در کتابی مدون نماید به منزله انسان برگزیده من است.



■ سلطه شر در جهان عاری از فلسفه

(دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی)

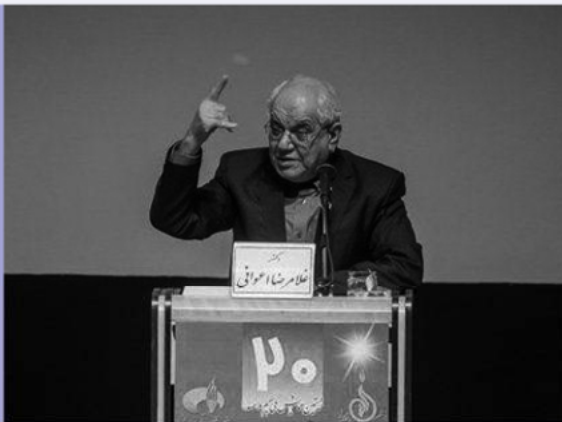
در بیستمین همایش روز ملی بزرگداشت حکیم ملاصدرا آقای دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی عضو پیوسته فرهنگستان علوم و استاد فلسفه دانشگاه تهران سخنانی با موضوع «سلطه شر در جهان عاری از فلسفه» ایراد کرد. ایشان سخنان خود را با این شعر:

«آنکه شناسد به عالم محرم و بیگانه کیست

در درون خود چه می‌داند که صاحبخانه کیست؟» آغاز کرد و گفت: شاعر فیلسوف نیست اما خیلی از شعرها فلسفه است از جمله شعری که قرائت کردم. در مصرع اول بحث از محرم بیگانه است، خودی و غیرخودی. خیلی از مردم اجناس دل خود را می‌شناسند اما صاحبخانه را نمی‌شناسند. لذا شناخت صاحبخانه مهم است. اگر بتوان نامحرم را از محرم شناخت صاحبخانه را نیز می‌توان شناخت. تا کسی خود و متاع دل خود را نشناسد جهان را نیز نمی‌شناسد و اگر جهان را نشناسد محرم بیگانه را نمی‌شناسد. اینکه انسان با عالم محرم است یا بیگانه یا اینکه انسان با جز خود محرم است یا بیگانه مسئله مهمی است. آیا عالم معقول با انسان مأنوس و محرم است یا عالم نامعقول. امر نامعقول با انسان بیگانه است. تنها چیزی با انسان مأنوس است که عقلانی باشد. ذات انسان عقلانی و تنها چیزی که با انسان مأنوس است

امر عقلانی است. عالم معقول محرم و عالم نامعقول بیگانه است.

آقای دکتر ابراهیمی دینانی سخنان خود را با تفسیر دو کلمه استنباط و تدبیر ادامه داد و افزود: استنباط از نظر لغوی یعنی از اعماق زمین آب را به بالا بکشیم و آب به زمین برسد و گیاهان برویند و تدبیر یعنی پشتوانه. هر موجودی در عالم پشتوانه دارد. این دو لغت استنباط و تدبیر که در قرآن آمده اعماق فلسفه را نشان می‌دهد. قرآن به ما با این دو کلمه درس فلسفه می‌دهد. این دو کلمه ما را به تدبیر و تعمق هر چه بیشتر وامی‌دارد که عالم را معقول بشناسیم نه محسوس. فلسفه معقول کردن عالم هستی است. عالم با انسان بیگانه نیست. اگر عالم در حد محسوس مطرح شود و حکمت به عنوان متاع معرفی شود آن جامعه شر خواهد بود. عضو پیوسته فرهنگستان علوم در پایان تصریح کرد: منشأ شرور در عالم هستی جهل است و اگر جهل نبود شری نیز در عالم هستی نبود. نرسیدن به حکمت به نوعی از جهل است. ایران کهن‌ترین تاریخ تمدنی جهان را دارد یا در ردیف مهم‌ترین تمدن‌ها قرار می‌گیرد. فرهنگ تمدنی در ملت ایران وجود دارد و بوکو حرام از ایران بیرون نمی‌آید. خیلی خوب است که امروز فلسفه رایج شده اما مشکل این است که دقیق خوانده نمی‌شود. فلسفه هیچ‌گاه به این اندازه عام و همگانی نبوده است.



■ تبعات علم بی فلسفه (دکتر غلامرضا اعوانی)

آقای دکتر غلامرضا اعوانی عضو پیوسته فرهنگستان علوم و استاد فلسفه دانشگاه شهیدبهبشتی در این همایش گفت: علم اگر علم باشد، عقلی است به بیان دیگر علم اگر معقول نباشد علم نیست. در تمام دیدگاه‌های قدیم علم موجب کمال نفس است. اگر علم را طوری که بعضی از

اصحاب علم امروز تفسیر می‌کنند، تفسیر کنیم، نه تنها در برابر فلسفه قرار می‌گیرد بلکه در برابر بسیاری از علوم که قدما آن را علم می‌پنداشتند، قرار می‌گیرد. ابن سینا و فارابی و ... خیلی چیزها را علم شمرده‌اند و الان از حوزه علم خارج شده است.

آقای دکتر اعوانی ادامه داد: علم اگر علم باشد، عقلی است و اگر معقول نباشد علم نیست. علم را به معنای بسیار محدود آن برگردانده‌اند. تعریف علم از نظر قدما شناخت حقیقت اشیا از طریق علل حقیقی آن است که در مفهوم علم جدید نیست. هر علمی در حوزه و حیطه خود علل پدیده‌ها را جستجو می‌کند. در تمام دیدگاه‌های قدیم علم موجب کمال نفس است. به سخن دیگر نفس انسان از مرتبه قوه به فعل می‌رسد. ایشان ادامه داد: ارسطو می‌گوید انسان همان است که می‌داند و دیگر هیچ! نفس انسان با تحقق علم حیات پیدا می‌کند. عالی‌ترین علم از نظر قدما، علم الهی است که کثرت اشیا را به یک مبدء واحد می‌رساند و تمام عالم را با آن مبدء اول توجیه می‌کند. ابن سینا در رساله اقسام الحکمه از ۴۹ علم یاد می‌کند. از جمله این علوم کتب نوامیس الهی است که درباره وحی و نبوت است و در بخش الهیات شامل مباحثی چون عقل‌شناسی، سهم عقول و نفوس در تدبیر عالم، علم ارتباط علوم زمینی به امور سماوی و علوی و ارتباط آنها با عقول و نفوس علوی و ارتباط عقول و نفوس علوی با خداوند است. عضو پیوسته فرهنگستان علوم اظهار داشت: دانش انسانی شامل علوم از قبیل وحی، فرشته وحی، علم معاد، و علم سعادت و شقاوت و ... است که الان جز علم محسوب نمی‌شود. به علاوه یکی از دانش‌هایی که امروزه سخت مورد غفلت قرار گرفته است و قدما به آن توجه داشته‌اند خودشناسی و معرفت نفس است که امروزه به روان‌شناسی و رفتارشناسی تقلیل یافته‌اند. خودشناسی اساس حکمت قدیم است. نجم‌الدین رازی در کتاب مرصادالعباد بیش از سی علم را که از نظر قدما حکما و عرفا با خودشناسی ارتباط دارد ذکر کرده است که الان اصلاً مورد توجه نیست. امروزه منظور از علم همان Science است که از نظر قدما پایین‌ترین مرحله علم است. علم سه مرتبه دارد. اول حکمت طبیعی یا Science. دوم حکمت ریاضی، و سوم حکمت الهی که عالی‌ترین مرتبه علم است. بطور کلی از دیدگاه حکمای قدیم، علوم اگر بریده از حکمت باشد بسیار خطرناک خواهد بود.

ایشان افزود: علم جدید ارتباط خود را با حکمت از دست داده و با قدرت

ارتباط پیدا کرده است و این فاجعه‌بار است. حکما و عرفا معتقد بودند که علم و حکمت بر اراده و قدرت تقدم دارد اما عده‌ای بودند که تقدم را با قدرت و اراده می‌دانستند. اینکه اراده بر علم یا علم بر اراده تقدم دارد از مسائل مورد تأمل است. فلاسفه حکمت را به علم به حقایق اشیا تفسیر کرده‌اند. دکتر اعوانی ادامه داد: اگر علم جدید را مطلق بدانیم اشکالاتی بر آن وارد است که یکی این است که علم جدید ادعای کلی و تام و تمام بودن را دارد که اشتباه است. همچنین علم جدید اقدام به اخذ نتایجی می‌کند که خارج از حیطه علوم است. علوم جدید عقل جزئی و تجربه را جایگزین عقل کلی و وحی می‌کند. اضافه بر اینکه علم جدید جوهر عالم را به ماده تقلیل می‌دهد.

علوم جدید دقیق هستند اما این باعث نمی‌شود که خود را مستقل از حکمت بدانند. حکمای غربی می‌گفتند علم بدون حکمت هیچ است (Scientia Sine Sapientia Nihil) ادعای حق نامتناهی برای علوم جدید اعتباری ندارد. ایشان در پایان اظهار داشت: دخالت دادن روش‌های علم جدید در علوم انسانی سبب پدید آمدن ایسم‌های مختلفی شده است. اگر کسی علم را صرفاً به علم طبیعی تعبیر کند، موجب نفی حکمت و معنویت و حکمت و حیانی و الهی می‌شود. به علاوه علم جدید اقدام به اخذ نتایجی می‌کند که خارج از موضوع علوم است و فقط حکمت الهی صلاحیت پاسخگویی به آنها را دارد. علم جدید بر خلاف علم قدیم از حوزه پدیدارها فراتر نمی‌رود و بر خلاف علم قدیم نمی‌تواند معنا و حقیقت وجود را برایمان تبیین کند. چون علم جدید ارتباط خود را با حکمت از دست داده است آلتی در دست اصحاب قدرت شده و این امر موجب بروز و ظهور ظلم و فساد و از هم‌پاشیدگی نظام طبیعت گردیده است. علم جدید هرچند در رفاه مادی دنیوی به ما کمک می‌کند اما هرگز به تنهایی موجب فلاح و نجات و رستگاری انسان که از نظر قدما غایت محتوای وجود انسان در این دنیا است، نمی‌شود. به تعبیر دیگر علوم جدید با تولد جسمانی انسان ارتباط دارد نه با تولد روحانی و حیات معنوی او. علم جدید و تکنولوژی به علت جدایی از حکمت باعث از میان رفتن تعادل طبیعت شده است و اگر وضع به همین منوال ادامه یافت در طول زمان موجب از میان رفتن اصل حیات در کره زمین می‌شود. تنها راه فرار و نجات از این بن‌بست پیوند یافتن علوم جدید با حکمت و خاصه حکمت الهی است چنانکه این امر را به وضوح در نظام کلی عالم مشاهده می‌کنیم.



همایش دو روزه علل و راهکارهای مقابله با بحران کمی و کیفی منابع آب کشور

مهمی که دانشمندان می‌توانند انجام دهند این است که مسئله را به درستی مطرح کنند. داریوش دو هزار و پانصد سال پیش می‌دانست که مشکل کشور مشکل بی‌آبی و دروغ است. اکنون هم مشکل ما همان بی‌آبی و دروغ است. آقای دکتر داوری اردکانی با اشاره به اینکه انسان دارای دو شأن زمینی و آسمانی است، اظهار داشت: وقتی خطر بی‌آبی را حس نمی‌کنیم پیداست که در نمی‌یابیم دروغ چه آسیبی به ما می‌زند. به هر حال آب مایه زندگی همه مردم است. دولت وظیفه بزرگی دارد و در حل مسائل کشور مسئول است اما دولت بی‌کمک مردم و بی‌هماهنگی با مردم نمی‌تواند کاری انجام دهد. تا مردم نپذیرند که با کم‌آبی خردمندانه مواجه شوند، دولت هیچ کاری نمی‌تواند انجام دهد. رئیس فرهنگستان علوم افزود: البته این درک هم سهل‌الحصول نیست. ما چندان گرفتار سیاستیم که همه مسائل را سیاسی می‌دانیم. امروز که عصر رسانه است و حرف‌های بسیار در مخالفت و موافقت با این و آن گفته می‌شود، مسائل جامعه و زندگی مثل انرژی و آب و تعلیم و تربیت و ترافیک و بیماری و فساد و... کمتر مطرح می‌شود. زمانی که حفر چاه باب شد حفاران فکر نمی‌کردند که این کار چه مصیبتی به بار می‌آورد و شاید فکر می‌کردند که دارند خدمت می‌کنند و مردم و کشاورزان نیز متوجه نبودند اما زمانی متوجه شدند حفاری چیست که فقات‌ها خشک شده بود. رئیس فرهنگستان علوم با اشاره به اینکه هر جامعه‌ای نظم و تعادلی دارد، گفت: اگر تکنولوژی را می‌گیریم باید آن را در جای خود قرار دهیم. زمانی که اندازه‌ها در هم می‌ریزد و چیزها در جای خود قرار نمی‌گیرند نظم جامعه مختل می‌شود و تعادل به هم می‌خورد و علم و تکنولوژی نمی‌تواند کارسازی کند.

روزهای ۲۲ و ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۵، همایش دو روزه «علل و راهکارهای مقابله با بحران کمی و کیفی منابع آب کشور» به همت معاونت پژوهشی علوم محض و کاربردی فرهنگستان علوم برگزار شد. در این همایش تعداد زیادی از استادان و مسئولان فرهنگستان، اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها، صاحب‌نظران و مسئولان ذیربط، دانشجویان تحصیلات تکمیلی و اهالی رسانه شرکت داشتند.

مراسم افتتاحیه همایش

در مراسم افتتاحیه این سمینار آقایان دکتر رضا داوری اردکانی ریاست فرهنگستان علوم، دکتر محمد شاهدی معاون پژوهشی علوم محض و کاربردی فرهنگستان و دبیر همایش، دکتر کاوه مدنی عضو هیأت علمی مرکز سیاست محیط‌زیست امپریال کالج لندن و دکتر مهدی بصیری عضو هیأت علمی دانشگاه صنعتی اصفهان سخنرانی کردند. آقای دکتر داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی در مراسم افتتاحیه ضمن تشکر از آقای دکتر شاهدی و همکاران فرهنگستان در سخنانی اظهار داشت: معمولاً توقع داریم که دولت همه مسائل از جمله مسئله و مشکل آب را حل و رفع کند اما دولت بی‌کمک مردم و بی‌هماهنگی با مردم هیچ کاری نمی‌تواند انجام دهد. مسئله آب در عین حال که به زندگی همه مردم مربوط است یک مشکل علمی تخصصی است. یعنی همه دانشمندان و همه مردم درگیر مشکل آب هستند. ایشان ادامه داد: البته مشکل آب امر تازه نیست هرچند که در قرن اخیر این مشکل وضع بحرانی پیدا کرده است با این همه ما هنوز مسئله را به درستی درک نکرده‌ایم. رئیس فرهنگستان علوم گفت: کار

آقای دکتر داوری اردکانی یادآور شد که در زمان طرح مسئله باید دقت کنیم که مسئله را درست طرح کنیم؛ پرسشی را که نتوان به آن پاسخ داد مسئله نیست و اگر راز نباشد درد بی درمان است. ایشان ادامه داد: آب هنوز برای ما مسئله نشده است، مع‌هذا مشکل هنوز به جایی نرسیده است که از طرح و حل آن ناامید شویم. امیدواریم راه‌هایی پیدا کنیم که فردا به سختی و مصیبت دچار نشویم.

آقای دکتر محمد شاهدی معاون پژوهشی علوم محض و کاربردی فرهنگستان و دبیر همایش در سخنان خود گفت: اولویت کار دانشگاهیان باید این باشد که دولت را از عمق مشکل بحران آب آگاه کنند و در این صورت است که دولت می‌تواند کار خود را به درستی عملیاتی کند. بحران آب به گونه‌ای است که می‌تواند در آینده از نظر مسائل اجتماعی و اقتصادی و سلامت اثرگذار باشد. اهمیت این موضوع (آب) از موضوعات روزمره که به آن پرداخته می‌شود بیشتر است اما در عمل کاری انجام نشده است. اصلی‌ترین کسانی که باید به موضوع بحران آب بپردازند در گام اول اندیشمندان و صاحب‌نظران هستند. معاون پژوهشی علوم محض و کاربردی فرهنگستان علوم بیان کرد: دانشگاهیان باید موضوع آب را در اولویت کارهای خود بدانند؛ زمانی دولت کاری را دقیق اجرا می‌کند که عمق قضیه را درک کند و دانشمندان و دانشگاهیان می‌توانند دولت را متوجه این مشکل کنند. ایشان با اشاره به برگزاری همایش خشکسالی و تغییر اقلیم در کالیفرنیا اظهار داشت: آنجا هم عنوان می‌شد که دولت و مجلس باید توسط صاحب‌نظران و انجمن‌ها توجیه شوند.

آقای دکتر شاهدی تأکید کرد: نمایندگان مجلس باید به موضوع بحران کمی و کیفی آب کشور توجه ویژه داشته باشند؛ در زمانی کوتاه و سریع مشکلات کم‌آبی و تغییر اقلیم رفع نمی‌شود و دولت‌ها نمی‌توانند در این حوزه به سرعت عمل کرده و خرابی‌ها را ترمیم کنند. دولت‌ها با آگاهی مردم و روشن شدن عمق قضیه فعال می‌شوند.

آقای دکتر شاهدی افزود: در سال‌های گذشته از منابع آب زیاد برداشت کرده‌ایم و امروز منابع آب زیرزمینی در حال تخریب است که فرونشست دشت‌ها به این دلیل است. معاون پژوهشی علوم محض و کاربردی فرهنگستان علوم بیان کرد: از دغدغه‌های اصلی دانشمندان باید اجتماعی کردن چنین موضوعاتی باشد، البته در شرایط مشکلات اقتصادی و کمبود اعتبار نمی‌توان راحت به کشاورزان گفت آب مصرف

نکنند یا کارخانجات فاضلاب خود را به درون آب‌ها نریزند و این موضوع باید در گذشته به تدریج اجرا می‌شد که نشد. اگر همه دانشگاهیان به این موضوع بپردازند و در اجتماع مطرح شود، ضمن آنکه مسئولان هم آگاه می‌شوند، به تدریج می‌توان با بحران کم‌آبی مقابله کرد. ایشان به فعالیت‌های فرهنگستان علوم در ارتباط با امور آب در سال‌های اخیر اشاره کرد و گفت: این همایش در همین راستا و برای بررسی علل و راهکارهای مقابله با بحران کمی و کیفی آب کشور برگزار شده است. معاون پژوهشی علوم محض و کاربردی فرهنگستان علوم در پایان سخنان خود درباره اهداف و برنامه‌ها و نحوه انتخاب مقالات و سخنرانان توضیحاتی بیان کرد.

سخنرانی‌های ویژه و کلیدی در روز اول همایش

در ادامه همایش، سخنرانی‌های ویژه ارائه شد.

در سخنرانی اول آقای دکتر کاوه مدنی عضو هیأت علمی مرکز سیاست محیط‌زیست امپریال کالج لندن سخنرانی با موضوع «بحران فراینده آب ایران» ایراد کرد و در سخنرانی دوم آقای دکتر مهدی بصیری عضو هیأت علمی دانشگاه صنعتی اصفهان به «علل بحران آب و راه‌کارهای مقابله با آن» پرداخت.

در روز اول همایش ۶ سخنرانی کلیدی به شرح ذیل ارائه شد. «تحلیلی بر علل و ریشه‌های بروز بحران آب» (آقای دکتر امین علیزاده عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد و عضو وابسته فرهنگستان علوم)؛ «آلودگی آب‌های زیرزمینی» (آقای دکتر علی درویش‌زاده عضو هیأت علمی دانشگاه تهران و عضو پیوسته فرهنگستان علوم)؛ «جمع‌آوری رواناب برای کشاورزی در مناطق خشک و نیمه خشک» (آقای دکتر علیرضا سپاسخواه عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز و عضو پیوسته فرهنگستان علوم)؛ «پیامدهای اجتماعی و زیست‌محیطی سدسازی در ایران» (آقای دکتر سیداحمد خاتون‌آبادی عضو هیأت علمی دانشگاه صنعتی اصفهان)؛ «بررسی نقش دولت و مشارکت جوامع محلی در مدیریت منابع آب زیرزمینی دشت‌های ممنوعه» (آقای دکتر بهرام ملک‌محمدی عضو هیأت علمی دانشگاه تهران)؛ «اصول و مبانی برنامه راهبردی سازگاری کشور در مواجهه با تغییر اقلیم» (آقای دکتر محسن ناصری رئیس طرح ملی تغییر آب و هوا). در پایان سخنرانی‌ها، میزگرد بحث و تبادل نظر با حضور صاحب‌نظران و اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها برگزار شد.

دومین روز همایش

دومین روز همایش علل و راهکارهای مقابله با بحران کمی و کیفی منابع آب کشور با سخنرانی اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی و نیز بحث و تبادل نظر در جلسات میزگرد ادامه پیدا کرد. در دومین روز همایش که با حضور اعضای پیوسته و وابسته فرهنگستان بخصوص گروه علوم کشاورزی فرهنگستان، تعدادی از مسئولان وزارت جهاد کشاورزی، اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و دانشجویان تحصیلات تکمیلی برگزار شد، ۹ سخنرانی ایراد شد.

در نشست اول ابتدا آقای دکتر مهدی شفق، صاحب‌نظر در زمینه آب و هواشناسی و مسئول آبخیزداری معاونت آبخیزداری سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور سخنرانی با عنوان «راهکارهای مؤثر و اجرایی آبخیزداری در مدیریت بحران آب در کشور» ایراد کرد و در ادامه آقای دکتر احمد رضوانفر عضو هیأت علمی گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران به موضوع تدوین سازوکارهای مدیریت یکپارچه منابع آب بخش کشاورزی ایران با تأکید بر نظام ملی نوآوری (IWRM/NIS) پرداخت.

سخنران سوم آقای حسین نجفی دانشجوی دکتری منابع آب در پردیس ابوریحان دانشگاه تهران بود که سخنرانی با عنوان «ارائه روش‌های جدید در پیش‌بینی متغیرهای هیدرواقليمی کشور در مقیاس درون فصلی تا بین سالی» ارائه کرد. در پایان سخنرانی‌ها میزگرد بحث و تبادل نظر با حضور اعضای فرهنگستان، صاحب‌نظران و اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها برگزار شد و حاضران به تبادل نظر پیرامون مسائل مطروحه پرداختند.

در نشست دوم ابتدا آقای دکتر سروش سروشیان عضو هیأت علمی دانشگاه کالیفرنیا و صاحب‌نظر در امور آب و تغییر اقلیم از طریق ویدیو کنفرانس و به صورت آنلاین سخنرانی با موضوع «مدلسازی اقلیمی فعلی و چشم‌انداز آینده چقدر در برنامه‌ریزی منابع آب مؤثرند؟» ایراد کرد.

در سخنرانی دوم آقای دکتر یدالله دادگر عضو هیأت علمی دانشگاه شهیدیهشتی و همکار مدعو گروه علوم انسانی فرهنگستان علوم سخنرانی با عنوان «تبیین وضعیت کلی و پیش‌بینی منابع آب ایران با توجه به تغییر اقلیم و خشکسالی؛ مطالعه موردی: مراکز استان‌های منتخب» ایراد کرد.

آقای دکتر حمیدرضا ناصری عضو هیأت علمی دانشکده علوم زمین

دانشگاه شهیدیهشتی سخنران آخر نشست بود که به موضوع «اثرات تغییر اقلیم بر منابع آب زیرزمینی و راهکارهای سازگاری با آن، مطالعه موردی: آبخوان دشت همدان- بهار» پرداخت. در ادامه میزگرد دوم بحث و تبادل نظر با حضور صاحب‌نظران و اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها برگزار شد.

آخرین نشست همایش دوروزه بحران آب بعد از ظهر روز پنجشنبه برگزار شد. در این نشست سه سخنرانی به شرح ذیل ارائه شد: «بررسی روند تغییرات سطوح برفچالی به عنوان منابع ذخیره آب در اشترانکوه» (آقای دکتر علی احمدآبادی عضو هیأت علمی دانشگاه خوارزمی)؛ «بررسی جنبه‌های مختلف اثرات تغییر اقلیم بر منابع آب زیرزمینی» (آقای دکتر جهانگیر عابدی کوبایی عضو هیأت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه صنعتی اصفهان)؛ «تدوین نقشه راه کشور در بهره‌برداری از منابع آب غیرمتعارف» آقای دکتر بهمن یارقلی عضو هیأت علمی مؤسسه تحقیقات فنی و مهندسی کشاورزی).

پس از ایراد سخنرانی‌ها جلسه میزگرد بحث و تبادل نظر با حضور صاحب‌نظران و اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها تشکیل و در ادامه میزگرد تدوین بیانیه نهایی همایش برگزار شد. آقای دکتر محمد شاهی در پایان خاطر نشان کرد بیانیه نهایی همایش تدوین و برای مسئولان ارسال خواهد شد.



مراسم اختتامیه همایش

در مراسم اختتامیه همایش با حضور آقایان مهندس شریعتمدار مشاور وزیر جهاد کشاورزی، دکتر شاهی معاون پژوهشی فرهنگستان، دکتر کوچکی عضو پیوسته فرهنگستان، صمدانی، مهندس پزشکی و خانم معدنی مدیران فرهنگستان، به سخنرانان همایش لوح تقدیر اهداء شد و در ادامه، مقالات برگزیده همایش معرفی شدند و از نویسندگان مقالات برگزیده، تجلیل به عمل آمد.

اولین جلسه کارگروه توسعه پایدار در مرکز مطالعات فرهنگستان

محمدرضا شمس اردکانی، دکتر فتح‌الله مضطرزاده، دکتر باقر لاریجانی، دکتر فرشاد مؤمنی، دکتر عباس منوچهری و دکتر ناصری حضور داشتند، آقای دکتر رضا مکنون معاون مرکز مطالعات فرهنگستان و عضو هیأت علمی دانشگاه صنعتی امیرکبیر سخنانی با موضوع «اسناد فرا دستی برای توسعه پایدار ایران» ایراد کرد. در ادامه اعضای جلسه پیرامون موانع و راه کارهای حصول توسعه پایدار در کشور به بحث و تبادل نظر پرداختند.

اولین جلسه کارگروه توسعه پایدار با موضوع «تعریف توسعه پایدار - محورهای توسعه پایدار» روز سه‌شنبه هفتم اردیبهشت ۱۳۹۵ با سخنرانی آقای دکتر رضا مکنون معاون مرکز مطالعات علم و فناوری فرهنگستان در سالن شورای مرکز مطالعات علم و فناوری فرهنگستان علوم برگزار شد. در این جلسه که خانم دکتر پروین پاسالارو آقایان دکتر محمد اخوان، دکتر مجتبی امیری، دکتر سیدحسین بحرینی، دکتر محمد رحیمیان، دکتر عباس شاکری، دکتر محمد شاهدی، دکتر



برگزیدگان علوم پایه کشور، منتخب فرهنگستان علوم تجلیل شدند

در این مراسم که دبیر فرهنگستان علوم، معاون پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، رئیس و اعضای پیوسته، وابسته و همکاران مدعو گروه علوم پایه فرهنگستان علوم، استادان و اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها و خانواده برگزیدگان حضور داشتند، ابتدا آقای دکتر مهدی گلشنی عضو پیوسته فرهنگستان علوم مصیبت درگذشت فرزند آقای دکتر یوسف ثبوتی را به ایشان و خانواده شان تسلیت گفت. در ادامه آقای دکتر یوسف ثبوتی رئیس گروه علوم پایه فرهنگستان علوم ضمن تشکر از آقای دکتر گلشنی و حاضران و با تبریک ایام ولادت امام زمان (عج) در سخنانی با اشاره به کارهای برجسته علمی ابوریحان بیرونی، درخصوص دومین دوره معرفی پژوهشگران برجسته جوان در حوزه‌های علوم پایه کشور و همچنین تجلیل از استادان برجسته

روز پنجشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۵ به همت گروه علوم پایه فرهنگستان علوم، برگزیدگان علوم پایه کشور، منتخب فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۵، معرفی و تجلیل شدند. براین اساس از آقای مهندس محمدحسن نبوی به عنوان زمین‌شناس برجسته کشور، از آقای دکتر کاظم سیدامامی به عنوان استاد برجسته زمین‌شناسی کشور، از آقای دکتر مجید سلیمانی دامنه به عنوان پژوهشگر جوان برجسته ریاضی کشور، از آقایان دکتر سیداکبر جعفری و دکتر عباس صابری به عنوان پژوهشگران جوان برجسته فیزیک کشور، و از آقای دکتر بهنام کشاورزی به عنوان پژوهشگر جوان برجسته زمین‌شناسی کشور، منتخب فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۵ تقدیر شد.





زمین‌شناسی کشور توسط فرهنگستان علوم توضیحاتی بیان کرد. استاد ثبوتی در بخش دیگری از سخنان خود تأکید کرد که باید قدردان تلاش‌های استادان و دانشمندان کشور بخصوص جوانان باشیم.

سپس آقای دکتر وحید احمدی معاون پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری سخنرانی کرد. ایشان ضمن تشکر از اقدام ارزشمند فرهنگستان جهت تجلیل از پژوهشگران جوان و استادان برجسته در حوزه‌های علوم پایه در سخنانی تأکید کرد که باید در نظام مدیریتی کشور و در جهت نیل به توسعه، به نقش پژوهش و پژوهشگر اهمیت بیشتر داده شود و در مجموعه بودجه‌ریزی کشور، بودجه پژوهش در اولویت قرار گیرد و برای پژوهش نقش سرمایه‌ای قائل شد. آقای دکتر احمدی در ادامه اشاره کرد که در دانشگاه‌ها هم باید مسئله پژوهش در اولویت قرار گیرد چرا که متأسفانه همین میزان بودجه اختصاص داده شده برای پژوهش نیز صرف پژوهش نمی‌شود.

در ادامه مراسم آقای دکتر محمدرضا شمس اردکانی دبیر فرهنگستان علوم ضمن تبریک ایام نیمه شعبان و خوشامدگویی به حضار و با عرض تسلیت به آقای دکتر ثبوتی به خاطر ضایعه از دست دادن فرزندشان، اظهار داشت که برای همه ما مایه دلگرمی است که امروز در خدمت استاد ثبوتی هستیم و این مراسم با حضور ایشان برگزار می‌شود. دبیر فرهنگستان در ادامه با ابلاغ سلام و تشکر آقای دکتر داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم از بنیان مجلس و شرکت کنندگان در مراسم ابراز داشت که ریاست فرهنگستان به دلیل شرکت در مراسم دیگری که پیشتر قول آن را داده بودند، نتوانستند در جلسه حضور داشته باشند. آقای دکتر شمس اردکانی در ادامه سخنان خود با اشاره به روز ابوریحان

بیرونی گفت: ابوریحان یکی از دانشمندان جامع‌الاطراف حوزه تمدنی اسلام و ایران است که به علوم پایه بیش از رشته‌های دیگر پرداخته است و تجلیل از پژوهشگران علوم پایه در روز بزرگداشت ابوریحان بیرونی اقدام بسیار ارزشمندی است. ایشان ادامه داد: البته ابوریحان در سایر رشته‌های علمی و از جمله پزشکی نیز صاحب‌نظر است و آثار ارزشمندی دارد که به عنوان مثال می‌توان به کتاب «صیدنه» ابوریحان اشاره کرد که منبع مهمی برای پژوهشگران در مبحث گیاهان دارویی است. دبیر فرهنگستان علوم در بخش دیگری از صحبت‌هایش با اشاره به کتاب «التفهیم» ابوریحان بیرونی اظهار داشت که این کتاب به فارسی ترجمه شده است و یکی از شاهکارهای حوزه تمدنی ماست و شاید مناسب باشد که در رشته‌های علوم پایه کشور به این کتاب توجه شود و این کتاب تدریس شود. آقای دکتر شمس اردکانی در پایان سخنان خود بر این نکته تصریح کرد که باید در کشور نیاز به پژوهش ایجاد شود.

در ادامه مراسم آقایان دکتر علی درویش‌زاده رئیس شاخه زمین‌شناسی، دکتر مگر دیچ تومانیان رئیس شاخه ریاضی و دکتر محمد مهدی شیخ جباری رئیس شاخه فیزیک گروه علوم پایه فرهنگستان علوم توضیحات مختصری در خصوص روند انتخاب برگزیدگان ارائه کردند و پس از آن با حضور آقایان دکتر یوسف ثبوتی رئیس گروه علوم پایه فرهنگستان علوم، دکتر محمدرضا شمس اردکانی دبیر فرهنگستان علوم و دکتر وحید احمدی معاون پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، لوح تقدیر و هدایایی به برگزیدگان اهداء شد. در پایان مراسم، منتخبان فرهنگستان علوم در سخنانی توضیحاتی در مورد فعالیت‌های علمی و پژوهشی‌شان بیان کردند.





بزرگداشت استاد دکتر مهدی گلشنی در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

آیین نکوداشت مقام شامخ علمی و فرهنگی آقای دکتر مهدی گلشنی عضو پیوسته فرهنگستان علوم، استاد دانشگاه صنعتی شریف و بنیانگذار گروه فلسفه علم این دانشگاه، و چهره ماندگار فیزیک کشور شامگاه روز دوشنبه ۲۷ اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۵ به همت انجمن آثار و مفاخر فرهنگی برگزار شد.

در این مراسم که آقایان دکتر داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم،

دکتر صالحی رئیس سازمان انرژی اتمی ایران، دکتر مهدی محقق رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، آیت الله دکتر محقق داماد رئیس گروه علوم اسلامی فرهنگستان علوم، آیت الله رشاد رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، آیت الله تسخیری مشاور عالی مقام معظم رهبری در امور جهان اسلام، حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد احمدی رئیس سازمان سمت، دکتر مضطرزاده رئیس سازمان پژوهش های علمی و صنعتی ایران، استاد سید عبدالله انوار، دکتر احسان اشراقی، دکتر کریم مجتهدی و جمع زیادی از اعضای هیأت علمی دانشگاه ها و پژوهشگاه ها و علاقمندان حضور داشتند، آقایان دکتر مهدی محقق، دکتر سیاوش شهبهانی چهره ماندگار ریاضی کشور، آیت الله تسخیری، دکتر مضطرزاده، آیت الله قائم مقامی، دکتر رضا امرالهی، دکتر احمد کتابی و دکتر حسینعلی قبادی رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سخنرانی کردند. استاد گلشنی نیز در پایان از دست اندرکاران مراسم، سخنرانان و حاضران در مجلس تشکر کرد. مشروح سخنان دکتر گلشنی در ادامه همین شماره خبرنامه آمده است.

در پایان این آیین نکوداشت، علاوه بر اهدای لوح یادبود انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، یک نسخه «شاهنامه طهماسبی» از سوی رئیس فرهنگستان علوم، «دانشنامه فاطمی»، «غزلیات سعدی» و ... از سوی رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، رئیس سازمان پژوهش های علمی و صنعتی ایران و ... به استاد دکتر مهدی گلشنی اهدا شد.

جلسه شورای همگانی گروه علوم مهندسی

روز چهارشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۵ جلسه شورای همگانی گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم، با حضور اعضای پیوسته، وابسته و همکاران مدعو گروه، معاون وزارت مسکن و شهرسازی، اعضای شورای اتاق فکر مهندسان برجسته کشور و تعدادی از استادان و اعضای هیأت علمی دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی برگزار شد. این جلسه که با محوریت شاخه مهندسی عمران گروه علوم مهندسی برگزار شد، شامل دو بخش بود؛ در بخش اول آقایان دکتر رضا مکنون (عضو هیأت علمی دانشگاه صنعتی امیرکبیر و معاون مرکز مطالعات فرهنگستان علوم) و دکتر علی اکبر رمضانپور (استاد دانشگاه صنعتی امیرکبیر و عضو

وابسته فرهنگستان علوم) سخنانی با موضوع «ساخت و ساز و توسعه پایدار» ایراد کردند.

در بخش دوم که با موضوع «افق توسعه مسکن و چالش های آن» برگزار شد آقای دکتر بهروز گنمیری استاد دانشگاه تهران و همکار مدعو شاخه مهندسی عمران فرهنگستان علوم سخنرانی کرد.

پس از پایان سخنرانی ها حاضران به بحث و تبادل نظر پیرامون موضوعات مطرح شده پرداختند و قرار شد شاخه مهندسی عمران در خصوص مطالب مطرح شده در جلسه بیانیه ای تنظیم و به گروه علوم مهندسی اعلام کند.





رونمایی از فیلم مستند زندگی استاد دکتر یوسف ثبوتی

تحصیلات تکمیلی زنجان به تصویر کشیده شده است که بدون در و دیوار و نگهبان در شهر زنجان به صورت پویا اداره می‌شود و سرانجام درباره برکناری دکتر ثبوتی از ریاست دانشگاه زنجان تصاویری به نمایش درمی‌آید.

در ادامه جلسه آقای دکتر مهدی محقق رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی سخنرانی کرد. پس از تقدیم لوح تقدیر انجمن به آقای دکتر ثبوتی و هدیه‌ای از سوی بنیاد ترکمان به ایشان، آقای دکتر ثبوتی در جایگاه قرار گرفت و گفت: من شایسته این همه لطف و محبت شما نبودم. من یک معلم که از ابتدایی و متوسطه تا دانشگاه تدریس کرده‌ام و کار دیگری از من برنیامده است. اگر کار من را بزرگ می‌دانید، دلیلش تداوم آن است. وی افزود: هیچ‌وقت فکر نکردم که باید نابغه باشیم تا جامعه‌ای را بسازیم. بلکه ساختن، کار همین آدم‌های معمولی است. وقتی شرایط مهیا باشد، افراد نابغه خود به خود پدید می‌آیند، این شما هستید که کار را انجام می‌دهید و شایسته تقدیر هستید. دولت تا جایی که مقرر است کارش را انجام می‌دهد آیا ما هم مدام از خود پرسیده‌ایم که آنچه مقدور بوده است را انجام داده‌ایم یا خیر؟ استاد ثبوتی در پایان گفت: هیچ وقت خوبی‌های خود را نمی‌بینیم و فقط نقاط ضعف را گوشزد می‌کنیم. این، جامعه را کسل می‌کند و در این جامعه اگر نشاط نداریم، به این خاطر است که کلمات شوربخانه و متأسفانه را زیاد به کار می‌بریم.

روز چهارشنبه پنجم خرداد ۱۳۹۵ در محل انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، فیلم مستند «زمینی آسمانی» درباره مقام شامخ علمی و مدیریتی آقای دکتر یوسف ثبوتی عضو پیوسته و رئیس گروه علوم پایه فرهنگستان علوم، بنیانگذار و استاد فیزیک دانشگاه تحصیلات تکمیلی علوم پایه - زنجان، برگزار شد. در این مراسم آقای محمد ترکمان به عنوان پژوهشگر، پیش از اکران این فیلم گفت: انگیزه اصلی تهیه این فیلم مستند، ادای دین کوچکی به مقام شامخ استاد ثبوتی بوده است که هموطنان در سطح گسترده‌تری با این وجود شریف آشنا شوند. ایشان به عنوان نماینده بنیاد خیریه ترکمان گفت: این مستند را ما برای نشان دادن همان پلی ساختیم که استاد ثبوتی بین دانشگاه و مردم در زنجان ایجاد کرد. از برکات این تعامل هم این بوده که دانشگاه زنجان توسط مردم سامان گرفته است.

در ادامه مستند «زمینی آسمانی» اکران شد که در بخشی از آن آقای دکتر ثبوتی می‌گوید: در ۲۰ سال اخیر فقط یک‌بار، یک وزیر علوم به نام دکتر جعفر توفیقی برای مسئله‌ای علمی به فرهنگستان علوم مراجعه کرد. ایشان در بخش دیگری از این مستند درباره رصدخانه زنجان می‌گوید: این یک شکل کاریکاتور غربی است که در نمونه رصدخانه غربی قطر عدسی ۵ متری در رصدخانه زنجان ۵۰ سانتی‌متر است! همچنین در این فیلم درباره قدمت مدرسه مقدسه توفیق، محل تحصیل نوجوانی دکتر ثبوتی اطلاعاتی ارائه شده است و در بخش دیگری از آن، دانشگاه





پانزدهمین سمینار افق‌های آینده مهندسی برق و کامپیوتر

روز دوشنبه سوم خرداد ۱۳۹۵، از سلسله سمینارهای ادواری شاخه مهندسی برق و کامپیوتر گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم، پانزدهمین سمینار «افق‌های آینده مهندسی برق و کامپیوتر» برگزار شد. در این سمینار دو سخنرانی ایراد شد. در سخنرانی اول آقای دکتر بابک نجار اعرابی دانشیار دانشکده مهندسی برق و کامپیوتر دانشگاه تهران با موضوع «معرفی حوزه بین‌رشته‌ای NBIC: علوم و فناوری‌های نانو، زیستی، انفورماتیک و شناختی» سخنرانی کرد. عنوان سخنرانی دوم «آینده نانو الکترونیک» بود که توسط آقای دکتر سینا خراسانی استاد دانشکده مهندسی برق دانشگاه صنعتی شریف ایراد شد. در پایان سخنرانی‌ها حضار به بحث و تبادل نظر پیرامون موضوعات مطرح شده پرداختند و سخنرانان به پرسش‌ها پاسخ دادند.

انتشار شصت و نهمین شماره فصلنامه آموزش مهندسی ایران

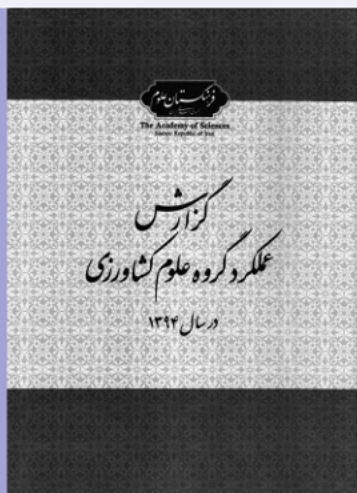
شماره جدید فصلنامه آموزش مهندسی ایران (ویژه بهار ۱۳۹۵) به همت گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران منتشر شد. در شماره ۶۹، هفت مقاله از استادان و صاحب‌نظران با عناوین ذیل به چاپ رسیده است. چکیده برخی سخنرانی‌های ارائه شده در گروه علوم مهندسی فرهنگستان، تقویم کنفرانس‌های آینده و خلاصه مقالات به زبان انگلیسی از دیگر مطالب منتشر شده در شماره جدید فصلنامه است. عناوین مقالات چاپ شده در این شماره عبارتند از:

- نقش زبان انگلیسی تخصصی در آموزش مهندسی نوین (مینو عالمی)
- بررسی میزان دستیابی دانشجویان فنی - مهندسی دانشگاه تبریز به مهارت‌های اساسی قرن ۲۱ (فیروز محمودی و سمیه مولا)
- بررسی سبک‌ها و شیوه‌های یادگیری دانشجویان دانشکده مهندسی دانشگاه کاشان (محمد امینی و حمید رحیمی)
- بررسی نگرش‌های دانش‌آموختگان فنی - مهندسی دانشگاه اصفهان در راستای کیفیت برنامه‌های درسی تجربه شده (محمد رضا نیلی، لیلا مقتدایی، حسین نظری و ستاره موسوی)
- آموزش انرژی‌های تجدیدپذیر در ایران (صادق مطهر و علی اکبر عالم رجبی)
- بررسی وضعیت مهارت‌های اقدام‌پژوهی استادان رشته‌های مهندسی: گامی ضروری در جهت بهبود کیفیت تدریس (سید احمد مدنی، حمید رحیمی و سپیده یعقوبی)

- عوامل مؤثر بر نمره‌گذاری پایانی ارزشیابی‌های آموزشی در آموزش عالی (رضا میرعرب رضی و سیدعباس حسینی جو)
علاق‌مندان برای دریافت اطلاعات مربوط به این مجله می‌توانند به نشانی اینترنتی <http://ijec.ias.ac.ir> مراجعه کنند.



انتشار گزارش عملکرد گروه علوم کشاورزی در سال ۱۳۹۴



گزارش عملکرد گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۴ زیر نظر آقای دکتر عباس شریفی تهرانی رئیس گروه علوم کشاورزی منتشر شد. این مجموعه که توسط خانم مریم کمالی‌راد تهیه و تنظیم شده است شامل پیشگفتار رئیس گروه علوم کشاورزی فرهنگستان، تاریخچه و سابقه فعالیت گروه علوم کشاورزی، اهم فعالیت‌های گروه در سال ۱۳۹۴ شامل گزارش شوراها، انتشار مجله علمی- پژوهشی «پژوهش‌های راهبردی در علوم کشاورزی و منابع طبیعی»، تجلیل از مهندسان برجسته کشاورزی و منابع طبیعی کشور، همایش‌های برگزار شده توسط گروه، سخنرانی‌های ایراد شده، جلسات تعامل و هم‌اندیشی با سازمان‌ها، طرح‌های پژوهشی گروه، انتشار کتاب‌های اعضای گروه، شرکت اعضای گروه در کارگاه‌های علمی منطقه‌ای مرتبط با فرهنگستان، و پیوست‌ها (۱۹ پیوست) می‌باشد. اهم مصوبات شورای گروه، اهم فعالیت‌های شاخه‌های تخصصی

گروه، فهرست مقالات اولین شماره مجله گروه، خلاصه سخنرانی‌های ایراد شده توسط آقایان دکتر مجید مخدوم و دکتر بهمن یزدی‌صمدی، بیانیه همایش «چالش‌های تولید کاغذ و محیط زیست»، بیانیه هم‌اندیشی «میزان منابع آب موجود در کشور و تخصیص آب در بخش کشاورزی»، گزارش طرح‌های پژوهشی، گزارش طرح «جشنواره ملی کشاورزی»، و خلاصه زندگینامه مهندسان برجسته کشاورزی و منابع طبیعی کشور، منتخب فرهنگستان علوم، پیوست‌های گزارش عملکرد گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم در سال ۱۳۹۴ است. این گزارش در ۱۰۶ صفحه به همت گروه علوم کشاورزی منتشر شده است.

همایش بین‌المللی

نقش ذخایر ژنتیکی گیاهی

در احیای زمین‌ها و محیط زیست



کشور ایران از نظر غنای ذخایر ژنتیکی گیاهی دارای جایگاه بسیار ویژه‌ای در جهان است و از سوی دیگر در اثر فعالیت‌های انسانی و همچنین عوامل اقلیمی و قهری طبیعی، بخش‌های قابل توجهی از زمین‌های کشاورزی، فضاهای سبز شهری،

عرصه‌های طبیعی و محیط زیست کشور در معرض آسیب‌های جدی قرار دارند. به منظور بهره‌گیری از تجارب پژوهشگران بین‌المللی و ملی جهت احیاء و بهره‌برداری بهینه از ذخایر ژنتیکی گیاهی جهت رفع دشواری‌های یاد شده، همایش بین‌المللی با همکاری انجمن بین‌المللی علوم باغبانی (ISHS) و به میزبانی دانشگاه شیراز، از ۲۷ تا ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۹۵ در شهر شیراز برگزار شد.

بسیاری از محورهای اصلی این همایش بر مبنای مشکلات کنونی کشور از جمله تغییرهای اقلیم، خشکسالی، کاهش منابع آبی، خشک شدن تالاب‌ها، شور شدن خاک و آب، بیابانزایی، ریزگردها و غیره تنظیم شده بود. همایش به میزبانی دانشگاه شیراز و با همکاری انجمن بین‌المللی علوم باغبانی و انجمن علوم باغبانی ایران) و با حمایت فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران و دیگر نهادها برگزار شد. دبیر علمی این همایش آقای دکتر

مرتضی خوشخوی عضو پیوسته فرهنگستان علوم و استاد بخش علوم باغبانی دانشگاه شیراز و دبیر اجرایی آن آقای دکتر علی فرقانی عضو هیأت علمی بخش علوم باغبانی دانشگاه شیراز بودند. شورای علمی همایش از ۱۲ کشور مختلف در سطح جهان تشکیل شده بود و همایش به طور کامل به زبان انگلیسی برگزار شد. مجموعاً ۱۰۳ مقاله به همایش ارسال شد و همچنین ۵ مقاله کلیدی دعوتی در همایش ارائه شد. از میان مقاله‌های دریافت شده ۳۳ مقاله برای سخنرانی و ۶۰ مقاله برای پوستر برگزیده شد.

سخنران‌های کلیدی این همایش، آقای پروفسور اسماعیل فلاحی از دانشگاه آیداهو آمریکا، آقای دکتر دامیانو آوانزاتو رئیس کمیسیون ذخایر ژنتیکی گیاهی انجمن بین‌المللی علوم باغبانی از کشور ایتالیا، خانم پروفسور لامیس چالاک مشاور پروژه‌ای مطالعه و حفاظت ذخایر ژنتیکی گیاهی فائواز کشور لبنان، آقای دکتر جواد مظفری مدیر کل روابط بین‌الملل سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی ایران و رئیس بانک ژن گیاهی از کشور ایران و آقای دکتر سرجیو ماپلی از مؤسسه بیولوژی و بیوتکنولوژی کشاورزی شورای تحقیقات ملی از کشور ایتالیا، بودند. همچنین در این همایش میزگرد تخصصی در مورد طرح کلان ملی ذخایر ژنتیکی گیاهی ایران برگزار شد. لازم است ذکر شود که در این همایش پروفسور دامیانو آوانزاتو نماینده ISHS به اتفاق پروفسور فلاحی، از طرف انجمن بین‌المللی علوم باغبانی، دو مدال به آقایان دکتر مرتضی خوشخوی دبیر علمی و دکتر علی فرقانی دبیر اجرایی همایش اهدا کردند.

حاضران، درباره اهمیت فعالیت‌های گروه علوم کشاورزی سخنانی بیان کرد و با اشاره به همایش‌های برگزار شده توسط گروه، درخصوص اهداف همایش چالش‌های تولید محصول‌های گلخانه‌ای توضیحاتی بیان نمود و اظهار امیدواری کرد نتایج همایش برای مسئولان و دست‌اندرکاران مثمر ثمر و راهگشا باشد. آقای دکتر محمد شاهدی معاون پژوهشی علوم محض و کاربردی فرهنگستان علوم دیگر سخنران مراسم افتتاحیه همایش بود. ایشان در سخنان خود با اشاره به فعالیت‌های علمی و پژوهشی فرهنگستان که به مسائل کلان و مشکلات مبتلا به کشور نظر دارد، یکی از مسائل مهم کشور در بخش کشاورزی، صنعتی و حوزه سلامت را مسائل گلخانه‌ها دانست.

آقای دکتر شاهدی با اشاره به اینکه فرهنگستان در ماه گذشته همایش دوروزه‌ای با موضوع بحران آب برگزار کرده است، افزود: یکی از راه‌هایی که برای کاهش مصرف آب مورد توجه قرار دارد، تغییر الگوی کشت و روش‌های تولید محصول با مصرف آب کمتر است و از این رو تولید محصول گلخانه‌ای در این زمینه بسیار حائز اهمیت است. معاون پژوهشی فرهنگستان علوم در ادامه برخی چالش‌های تولید محصول گلخانه‌ای را برشمرد.

آقای دکتر مصطفی مبلی عضو وابسته گروه علوم کشاورزی فرهنگستان و دبیر علمی همایش نیز در مراسم افتتاحیه گزارشی از برنامه‌های همایش،



همایش چالش‌های تولید محصول‌های گلخانه‌ای

توسط گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم روز چهارشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۹۵ همایش یک روزه ای با عنوان «چالش‌های تولید محصول‌های گلخانه‌ای» با حضور جمع کثیری از اعضای گروه علوم کشاورزی فرهنگستان، استادان و اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها، مسئولان و کارشناسان وزارت جهاد کشاورزی و سازمان‌ها و مؤسسات تحقیقاتی کشاورزی در سالن کنفرانس فرهنگستان برگزار شد.

در مراسم افتتاحیه این همایش ابتدا آقای دکتر عباس شریفی تهرانی رئیس گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم ضمن خیرمقدم به



مقالات پذیرفته شده و اهداف همایش بیان کرد.

در این همایش و در دو نشست ده مقاله و سخنرانی توسط استادان و صاحب نظران به شرح ذیل ارائه شد:

- سیاست های کلان وزارت جهاد کشاورزی در گسترش تولیدات گلخانه ای (مهندس محمد کیایی مدیرکل دفتر امور گلخانه ها وزارت جهاد کشاورزی)

- تعیین نیاز آبی و بهره وری آب در محصولات گلخانه ای (دکتر جهانگیر عابدی کوپایی استاد دانشکده کشاورزی دانشگاه صنعتی اصفهان)

- چالش های فرا روی تولید محصولات سالم در گلخانه (مدیر باغبانی سازمان جهاد کشاورزی استان اصفهان)

- مدیریت آفات گیاهان گلخانه ای (دکتر محرمی پور استاد دانشکده کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس)

- مدیریت بیماری های گیاهان گلخانه ای (دکتر ابوالفضل سرپله عضو هیأت علمی مؤسسه تحقیقات گیاه پزشکی)

- مدیریت گلخانه ها و ارزیابی عوامل مؤثر در بهبود آن (دکتر امیر مظفر

امینی دانشیار گروه اقتصاد و توسعه روستایی دانشکده کشاورزی دانشگاه صنعتی اصفهان)

- اثر عوامل محیطی بر طراحی سازه و نوع پوشش گلخانه (دکتر نعمت اله اعتمادی دانشیار دانشکده کشاورزی دانشگاه صنعتی اصفهان)

- ویژگی های فیلم های پلاستیکی جدید برای پوشش دهی گلخانه ها (دکتر علی هدایتی مدیرتحقیق و توسعه شرکت پرشین پلیمر)

- سازه های گلخانه مناسب ایران (دکتر قاسم زارعی عضو هیأت علمی مؤسسه تحقیقات فنی مهندسی کشاورزی)

- اهمیت تغذیه بهینه در کشت های گلخانه ای (دکتر علیرضا بابایی عضو هیأت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس)

در نشست سوم که در بعد از ظهر برگزار شد، شرکت کنندگان در همایش در جلسه میزگردی به بحث و تبادل نظر پیرامون موضوعات مطرح شده پرداختند.

در بخش پایانی همایش، با حضور آقایان دکتر شریفی تهرانی، دکتر خوشخوی و دکتر مبلی لوح تقدیر و هدایایی به سخنرانان اهداء شد.

جلسه شورای همگانی گروه علوم دامپزشکی

جلسه شورای همگانی گروه علوم دامپزشکی فرهنگستان علوم روز یکشنبه مورخ شانزده خردادماه ۱۳۹۵ با حضور اکثریت اعضای پیوسته و وابسته و همکاران مدعو گروه، به ریاست آقای دکتر محمدقلی نادعلیان رئیس گروه علوم دامپزشکی برگزار شد.

در این جلسه آقایان دکتر حسن تاج بخش، دکتر محمدقلی نادعلیان، دکتر علی اسلامی، دکتر محمد حسن بزرگمهری فرد، دکتر محمدرضا مخبر دزفولی، دکتر سیدشهرام شکر فروش، دکتر سید مهدی رضوی روحانی، دکتر سید محمد مهدی کیایی، دکتر نوردهر رکنی، دکتر افشین آخوندزاده بستی، دکتر غلامرضا نیکبخت بروجنی، دکتر هدایت حسینی، دکتر سید مهدی قمصری، دکتر عباسعلی مطلبی و خانم دکتر گیتی کریم حضور داشتند.

در ابتدای جلسه اشاره ای به مسائل مطرح شده درباره مؤسسه رازی شد و پس از بحث و تبادل نظر قرار شد با دعوت از رؤسای سازمان دامپزشکی کشور و مؤسسه واکسن و سرم سازی رازی مسائل مطرح و بررسی شوند. موضوع دیگر جلسه امتحان ورودی دوره های دکتری توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بود. در این خصوص نگرانی این بود که آزمون برگزار شده یک امتحان کلی بوده است و از این طریق متقاضیان به درستی ارزیابی نمی شوند.

طرح تحول سلامت در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بحث بعدی جلسه بود. در این باره اکثر استادان معتقد بودند که هزینه طرح بیشتر صرف درمان است تا پیشگیری و بهتر است فرهنگستان در حوزه پیشگیری و بهداشت مواد غذایی طرح و پیشنهادی را به وزارت بهداشت ارائه کند و در این طرح مشارکت نماید.

آخرین موضوع جلسه در مورد روغن مارگارین بود که امروز در بازار تحت عنوان کره نباتی به دست مصرف کنندگان می رسد و این نام کاملاً گول زننده است. قرار شد در یک جلسه به صورت مفصل درباره موضوع بحث و تصمیم گیری شود.



پانزدهمین جلسه کمیسیون پیشبرد ریاضیات کشور

تومانیان، دکتر رجالی و دکتر محمدزاده، مسائل مطرح شده را جمع‌بندی و گزارش‌ها را تفکیک کنند و هر کدام از موضوعات و مسائل مورد نظر از سوی کمیسیون برای مسئولان ذیربط ارسال شوند.

در ادامه جلسه گزارش مبسوطی از نتایج به دست آمده در کارگروه «بررسی وضع آموزش و پرورش کشور» ارائه شد و ضمن تأکید بر موضوع «منزلت معلمان» قرار شد در جلسه آینده کارگروه آموزش و پرورش که روز پنجشنبه ۲۴ تیرماه با حضور مسئولان وزارت آموزش و پرورش برگزار می‌شود، موضوعات و مسائل جمع‌بندی شوند.

مسئله دانشگاه فرهنگیان، مسئله عقب‌گردهای کنکور در مقاطع مختلف تحصیلی مخصوصاً دوره دکتری، و موضوع حق عضویت انجمن ریاضی ایران در IMU از دیگر مباحث جلسه پانزدهم کمیسیون بود. در پایان جلسه مقرر شد جلسات کمیسیون، هر ۶ هفته یک‌بار، روزهای پنجشنبه، بعد از جلسه شورای گروه علوم مهندسی تشکیل شود.

روز پنجشنبه ۲۷ خرداد ۱۳۹۵، پانزدهمین جلسه کمیسیون پیشبرد ریاضیات فرهنگستان علوم به ریاست آقای دکتر محمدرضا عارف رئیس کمیسیون، برگزار شد.

در این جلسه که آقایان دکتر مهدی بهزاد، دکتر پرویز جبه‌دار مارالانی، دکتر مگردیچ تومانیان، دکتر علی رجالی، دکتر سعید سهراب‌پور، دکتر محسن محمدزاده و مهندس سیدعلی پزشکی حضور داشتند، ابتدا صورت جلسه قبلی کمیسیون به تصویب رسید.

در ادامه آقای دکتر رجالی گزارش مبسوطی از برگزاری سمینار علوم ریاضی و چالش‌ها و نتایج به دست آمده از میزگردهای سمینار ارائه کرد. پس از بحث و تبادل نظر قرار شد مشروح گزارش سمینار پس از ویرایش و تأیید نهایی، در سایت فرهنگستان علوم، انجمن‌های ریاضی و آمار و ... قرار گیرد و در تعداد مورد نیاز چاپ شود.

همچنین قرار شد کارگروهی با حضور آقایان دکتر بهزاد، دکتر جبه‌دار، دکتر



آیت الله دکتر سید مصطفی محقق داماد: عقیده ناشی از کژ اندیشی دینی امام علی (ع) را به شهادت رساند



امت اسلامی باید از آن بترسد فقر نیست، بلکه سوء تدبیر است و اگر امتی تدبیر و آینده نگری داشته باشد و سوء تدبیر و سوء مدیریت نداشته باشد، این امت فقیر نخواهد شد.

آیت الله محقق داماد در ادامه به وصیت و موعظه حضرت امام علی (ع) اشاره کرد و اظهار داشت که وصیت امیرالمؤمنین یکی به فرزندان بوده است و دیگری به همه انسان ها. ایشان بیان کرد که وصایای امام به فرزندان نیز دو دسته بوده است که یکی همه فرزندان مخاطب بوده اند و دیگری امام حسن مجتبی (ع) و امام حسین (ع).

آیت الله دکتر محقق داماد در ادامه اظهار داشت که ضرورت دارد جامعه اسلامی به وصایا و مواعظ حضرت امیرالمؤمنین که در نهج البلاغه آمده است توجه کند و به آن فکر کند تا این موعظه ها چراغی برای آنها باشد که اهل تفکر هستند. ایشان با اشاره به شهادت حضرت علی (ع) توسط ابن ملجم ملعون، اظهار داشت که دین را باید فهمید و نباید دچار کژ اندیشی دینی بود چرا که جاهلان دینی مثل ابن ملجم، جزو بدبخت ترین افراد هستند. ایشان اشاره کرد که ایمان، مبتنی بر معرفت است و با عقیده فرق دارد و حضرت علی (ع) را هیچ چیز جز عقیده ناشی از کژ اندیشی دینی نمی تواند بکشد و امام علی توسط نیروی معتقد نادان به شهادت رسید.

دکتر محقق داماد در پایان سخنان خود ضمن اشاره بر منش و مدارای امام علی (ع) برای جزای ابن ملجم، اشاره نمود که این مدارا هم برای امت اسلامی پراز درس و اندرز است. در ادامه نماز جماعت ظهر و عصر به امامت آیت الله محقق داماد اقامه شد.

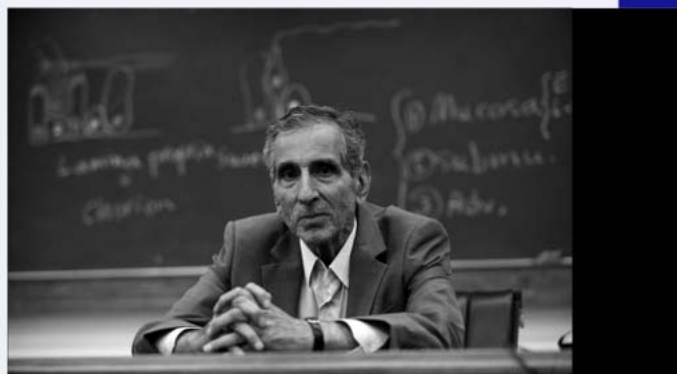
ظهر روز بیستم ماه رمضان، بنا به تقاضای اعضا و کارمندان فرهنگستان علوم به مناسبت ایام شهادت امیرالمؤمنین حضرت امام علی (ع) و شب های قدر، آیت الله آقای دکتر سید مصطفی محقق داماد عضو پیوسته و رئیس گروه علوم اسلامی فرهنگستان علوم در نمازخانه فرهنگستان سخنرانی ایراد کرد.

در این مجلس که جمعی از مسئولان و اعضای فرهنگستان، مدیران و کارمندان فرهنگستان علوم حضور داشتند، نماز جماعت ظهر و عصر به امامت آیت الله محقق داماد اقامه شد.

آقای دکتر محقق داماد در سخنانش به موضوع «موعظه» پرداخت و با اشاره به اینکه ابن سینا در «اشارات» موعظه را از لوازم تربیت می شمرد، اظهار داشت که انبیاء هم خود درخواست موعظه داشته اند و ادامه داد که انسان به موعظه انبیا و حکما و فلاسفه احتیاج دارد. آقای دکتر محقق داماد بهترین شاهد برای موعظه حکمای بزرگ را «رساله تفاحیه» سقراط دانست که بعضی آن را به ارسطو هم نسبت می دهند.

ایشان بیان کرد که سقراط در هنگام مرگ در حالی که سیب بو می کرده، به اطرافیانش موعظه می کرده است و ملاصدرا به برخی از آنها در کتاب هایش اشاره کرده است.

رئیس گروه علوم اسلامی فرهنگستان علوم در ادامه به وصایای ائمه اطهار در هنگام مرگ اشاره کرد و تصریح نمود که این وصایا موعظه هایی است برای امت اسلامی و هنگامه ای است که یک دنیا درس برای تربیت بشر دارد. ایشان به عنوان مثال به آخرین سخنان پیامبر در بستر مرگ اشاره کرد و افزود که رسول اکرم (ص) چنین موعظه می کنند که آنچه



استاد دکتر عباس شفیعی دار فانی را وداع گفت

آقای دکتر عباس شفیعی استاد دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی تهران، عضو پیوسته فرهنگستان علوم پزشکی، عضو وابسته گروه علوم پایه فرهنگستان علوم و چهره ماندگار داروسازی و شیمی کشور در سن ۷۹ سالگی دار فانی را وداع گفت.

استاد عباس شفیعی در مهرماه سال ۱۳۱۶ چشم به جهان گشود. دروس ابتدایی را در دبیرستان ترقی واقع در خیابان ری و دروس متوسطه را در دبیرستان‌های بدر و دارالفنون به پایان رساند و شاگرد اول شد. با رتبه سوم در کنکور، وارد دانشکده داروسازی شد و طی پنج سال شاگرد اول بود و رساله خود را که در زمینه سنتز یک داروی جدید بود با درجه ممتاز در سال ۱۳۴۱ به پایان رساند. دکتر شفیعی با استفاده از بورس دولت ایران برای شاگردان اول وارد دوره دکتری تخصصی شیمی دارویی دانشگاه کلمبیا در آمریکا شد. پس از طی یک دوره شش ماهه در آن دانشگاه با معدل «الف» بورسیه دانشگاه کلمبیا شد و بدین ترتیب از پرداخت شهریه به دانشگاه معاف شد. پس از چهار سال و نیم در اواخر سال ۱۹۶۷ میلادی دکتری تخصصی خود را در رشته شیمی دارویی با معدل «الف» به پایان رساند. رساله تحقیقاتی ایشان که در مورد تعیین ساختمان فضایی کلرفنیرآمین راستگرد، (یک داروی ضد حساسیت) بود در تمام آمریکا برنده جایزه اول تحقیقات شد و بدین ترتیب افتخاری برای ایرانی‌ها محسوب گردید. بعد از آن به دانشگاه شیکاگو رفت و فوق

دکتری شیمی خود را یک سال با پروفسور جوزف فرید در مورد مکانیسم ایجاد سرطان توسط هیدروکربن‌های عطری چند حلقوی گذراند (۱۹۶۹). در این مدت تعداد ۸ مقاله علمی در مجلات معروف آمریکا به چاپ رساند. دکتر شفیعی به علت علاقه زیادی که به کشور داشت پس از اتمام تحصیلات بلافاصله به ایران بازگشت و در سال ۱۳۴۹ در دانشکده داروسازی دانشگاه تهران استخدام شد و در سال ۱۳۵۵ به مرتبه استادی دانشگاه ارتقا یافت. دکتر شفیعی همچنین بورسیه الکساندر فون هومبولت بخش شیمی دانشگاه هانور ۱۹۷۲ تا ژوئن ۱۹۷۳، پروفسور مدعو در مرکز تحقیقات فرانسه (همکاری با پروفسور پوتیه، ژوئن ۱۹۷۳ تا نوامبر ۱۹۷۳، و پروفسور مدعو در دانشگاه کنستانس با همکاری پروفسور اشمیت بوده است.

استاد عباس شفیعی سیزده کتاب تألیف و ترجمه کردند که برخی از آنها برنده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شده است. از ایشان بیش از ۴۵۰ مقاله علمی در مجلات بین‌المللی به چاپ رسیده است. استاد شفیعی طرح‌های تحقیقاتی متعدد انجام داده‌اند که بسیاری از آنها منجر به تولید علم و دستاوردهای جدید در سطح کشور شده است.

مدیریت گروه شیمی دارویی (۱۳۵۳)، ریاست دانشکده داروسازی (۱۳۶۵)، عضویت در شورای گروه تحقیقات علوم دارویی کشور (۱۳۷۴)، عضویت در شورای پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی تهران (از سال ۱۳۶۶)، عضویت در شورای گسترش دانشگاه‌های علوم پزشکی (۶۵ تا ۷۸)، عضویت در هیأت امنا دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی تهران (از ۱۳۷۰)، مدیرمسئولی مجله «دارو» دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی تهران (از سال ۱۳۶۸)، عضویت در شورای انتشارات دانشگاه تهران (از ۱۳۶۱)، عضویت در هیأت ممیزه مرکزی وزارت بهداشت و درمان و دانشگاه علوم پزشکی تهران (از ۱۳۶۵)، دبیری شورای آموزش داروسازی و تخصصی (از ۶۸ تا ۷۸)، عضویت در کمیته بررسی و تدوین داروهای گیاهی ایران (از سال ۷۷ تا ۸۴)، عضویت در شورای ارزشیابی مدارک خارجی گروه پزشکی (از سال ۷۱)، عضویت در هیأت امنای مرکز ملی تحقیقات علوم پزشکی کشور (از ۷۸)، عضویت در هیأت ممیزه دانشگاه علوم پزشکی تهران (از ۱۳۶۵)، عضویت پیوسته فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۶۹، عضویت وابسته فرهنگستان علوم از سال ۱۳۷۰، عضویت در فرهنگستان کشورهای در حال توسعه TWAS از ۱۳۷۵، ریاست مرکز

تحقیقات علوم دارویی دانشگاه علوم پزشکی تهران از سال ۱۳۸۲، و دبیری شورای آموزش داروسازی و تخصصی از ۱۳۸۹ از جمله سوابق خدمتی استاد عباس شفیعی بوده است.

از جمله جوایز و افتخارات استاد فقید دکتر عباس شفیعی می‌توان به «برنده جایزه اول طرح‌های تحقیقاتی از وزارت فرهنگ و آموزش عالی در چند سال متوالی»، «مدال درجه دوم تحقیق ۱۳۵۶»، «نشان درجه دوم فرهنگ ۱۳۵۶»، «برنده جایزه اول تحقیقات ۱۳۶۶»، «استاد نمونه دانشگاه تهران ۱۳۶۸»، «داروساز برجسته و نمونه ۱۳۶۸»، «برنده جایزه اول بهترین مقاله در کنگره شیمی دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۶۹»، «برنده جایزه استاد نمونه دانشگاه علوم پزشکی سال ۱۳۷۲»، «شیمیدان برجسته سال ۱۳۷۴»، «دریافت لوح تقدیر جمهوری اسلامی ایران برای تألیف کتاب کروماتوگرافی و طیف‌سنجی»، «برنده جایزه اول کتاب سال ۷۴ برای کتاب کروماتوگرافی و طیف‌سنجی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و برنده کتاب برگزیده معاونت پژوهشی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی»، «برنده جایزه اول جشنواره رازی سال ۱۳۷۶»، «دریافت دکتری افتخاری علوم از دانشگاه کلمبو سریلانکا سال ۱۹۹۸».

«مشاور سازمان بهداشت جهانی در کنوانسیون منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی (۲۰۰۴-۱۹۹۸)»، «برنده جایزه کتاب برگزیده سال ۱۳۷۷ دانشگاه تهران (شیمی دارویی کرول کواس)»، «برنده نشان درجه دوم پژوهش ۱۳۷۸»، «برنده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۸، (ترجمه کتاب شیمی دارویی کرول کواس)»، «استاد نمونه سال ۱۳۸۱ از طرف انجمن متخصصان علوم دارویی ایران»، «چهره ماندگار علوم پزشکی ایران، همایش چهره‌های ماندگار، ۱۳۸۳»، «انتخاب به عنوان پیشکسوت شیمی دارویی (از طرف وزارت بهداشت) ۱۳۸۴»، «برنده جایزه اول جشنواره رازی ۱۳۸۴»، «جایزه اول جشنواره رازی در علوم دارویی ۱۳۹۰» و «جایزه علامه طباطبایی بنیاد ملی نخبگان (به عنوان استاد و محقق برجسته) سال ۱۳۹۰» اشاره کرد.

استاد دکتر عباس شفیعی روز چهارشنبه ۲۶ خردادماه ۱۳۹۵ دارفانی را وداع گفت. فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران ضایعه درگذشت این استاد فقید را به جامعه علمی و دانشگاهی کشور، اعضای فرهنگستان‌ها و خانواده ایشان تسلیت می‌گوید و برای شادروان آقای دکتر عباس شفیعی علو درجات در درگاه باری تعالی مسئلت دارد.

درگذشت استاد دکتر مجید کوپاهی



آقای دکتر مجید کوپاهی استاد اقتصاد کشاورزی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران و عضو وابسته گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران در سن ۸۰ سالگی دعوت حق را لبیک گفت و به دیار باقی شتافت. شادروان آقای دکتر مجید کوپاهی در سال ۱۳۱۵ در تبریز به دنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکتری تخصصی اقتصاد کشاورزی از دانشگاه ایالتی پنسیلوانیا آمریکا بود. دکتر مجید کوپاهی سال‌ها در فرهنگستان علوم به عنوان عضو وابسته فعالیت کرد و در پیشبرد برنامه‌ها و طرح‌های گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم مشارکت مؤثر داشت. فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران مصیبت درگذشت استاد دکتر مجید کوپاهی را به جامعه علمی و دانشگاهی کشور، اعضای فرهنگستان‌ها و خانواده ایشان تسلیت می‌گوید و برای استاد فقید علو درجات در درگاه باری تعالی مسئلت دارد. خلاصه‌ای از زندگینامه علمی و فعالیت‌های تحقیقاتی استاد کوپاهی در شماره آتی خبرنامه به چاپ خواهد رسید.



■ در دومین سمینار بین‌المللی «محیط‌زیست، دین و فرهنگ» که با هدف ارتقای گفتگوهای بین فرهنگی برای توسعه پایدار و با حضور رئیس‌جمهور محترم برگزار شد، به پاس قدردانی از تلاش‌ها و دستاوردهای آیت‌الله آقای دکتر سیدمصطفی محقق داماد عضو پیوسته و رئیس گروه علوم اسلامی فرهنگستان علوم در حفظ گوهر حیات و محیط‌زیست و تألیف کتاب‌ها و مقالات ارزنده با موضوع الهیات محیط‌زیست، لوح تقدیری از سوی رئیس‌جمهوری به استاد محقق داماد اعطاء شد.

■ روز سه‌شنبه هفتم اردیبهشت ۱۳۹۵، آقای دکتر غلامرضا اعوانی استاد فلسفه و عضو پیوسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران در نشست روز دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی تهران سخنانی با موضوع «فلسفه و طب» ایراد کرد. دیگر سخنران این مجلس آقای پروفسور برتولوچی شرق‌شناس ممتاز ایتالیایی بود. در این جلسه رؤسا و معاونان، استادان و دانشجویان دانشکده‌های طب سنتی حضور داشتند.

■ آقای دکتر علی درویش‌زاده عضو پیوسته و رئیس شاخه زمین‌شناسی فرهنگستان علوم موفق به دریافت جایزه علمی افضل‌پور شد. جایزه علمی افضل‌پور به منظور گرامیداشت یاد و خاطره بنیانگذاران دانشگاه شهیدباهنر کرمان، مهندس علیرضا افضل‌پور و بانو فاخره صبا و برای ارج نهادن به فرهیختگانی که در علوم مختلف خوش درخشیده‌اند، هر سال به برگزیدگان اهداء می‌شود. براین اساس طی مراسمی که در اردیبهشت‌ماه سال جاری در تالار وحدت دانشگاه شهیدباهنر کرمان برگزار شد، این جایزه به تعدادی از برگزیدگان و از جمله استاد درویش‌زاده به عنوان برگزیده کشوری جایزه افضل‌پور، اهداء شد.

■ دومین سمینار یک روزه ترکیبیات به مناسبت پنجاه‌سالگی «حدس بهزاد» در تاریخ بیست و دوم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۵ در دانشکده علوم ریاضی دانشگاه شهیدبهشتی برگزار شد. در این سمینار، جمع کثیری از پژوهشگران حوزه ترکیبیات و نظریه گراف حضور داشتند تا علاوه بر آگاهی از آخرین دستاوردهای پژوهشی سخنرانان مدعو، به تبادل نظر با دیگر محققان درباره زمینه‌های پژوهشی مشترک بپردازند. مناسبت این سمینار، حدس پنجاه‌ساله آقای دکتر مهدی بهزاد (استاد ریاضیات و عضو پیوسته فرهنگستان علوم) درباره رنگ‌آمیزی کلی گراف است. به همین مناسبت ایشان درخصوص آخرین پیشرفت‌ها در این باره سخنرانی ایراد کرد.

■ در تاریخ ۱۳۹۵/۲/۱۲، به مناسبت روز معلم، در حضور جمعی از استادان و دانشجویان دانشکده دامپزشکی دانشگاه فردوسی مشهد از آقای دکتر علی اسلامی عضو پیوسته گروه علوم دامپزشکی فرهنگستان علوم و استاد ممتاز دانشگاه تهران، تجلیل به عمل آمد.

■ آقای دکتر محمدقلی نادعلیان عضو پیوسته و رئیس گروه علوم دامپزشکی فرهنگستان علوم و استاد دانشگاه تهران در کنگره علوم بالینی دامپزشکی در شیراز (۱۵ تا ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۵) سخنرانی ایراد کرد. عنوان مقاله و موضوع سخنرانی ایشان «خشکسالی در کشور و عوارض آن در بروز بیماری‌های دامی» بود.

■ آقای دکتر حسن تاج‌بخش عضو پیوسته گروه علوم دامپزشکی فرهنگستان علوم و استاد ممتاز دانشگاه تهران در همایش تاریخ پزشکی در مشهد مقدس (۴ و ۵ خرداد ۱۳۹۵) سخنرانی ایراد کرد. عنوان مقاله و موضوع سخنرانی ایشان «سیداسماعیل جرجانی و اهمیت او در پزشکی ایران» بود.

■ آقای دکتر رضا توکلی مقدم عضو وابسته گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم و استاد مهندسی صنایع دانشگاه تهران در زمره یک درصد دانشمندان برتر پراستاد جهان در دو حوزه مهندسی و علوم کامپیوتر قرار گرفت. همچنین استاد توکلی مقدم در ششمین جشنواره بین‌المللی دانشگاه تهران به عنوان مؤلف برترین‌المللی - بخش مقاله، برگزیده شد.

■ خانم دکتر سیمین ناصری عضو وابسته شاخه محیط‌زیست فرهنگستان علوم و استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران در یازدهمین دوره اعطای جایزه محیط‌زیست، موفق به دریافت جایزه ملی محیط‌زیست شد و لوح تقدیری از سوی معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست کشور به ایشان اعطا شد.



وین جهد می کند که بگیرد غریق را

گفتگو با دکتر حسن تاج بخش

به مناسبت روز معلم

به مناسبت فرا رسیدن روز معلم، روابط عمومی فرهنگستان علوم گفتگوی کوتاهی با آقای دکتر حسن تاج بخش استاد ممتاز دانشگاه تهران و عضو پیوسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران درخصوص شأن و مقام معلم انجام داده است که مشروح این گفتگو به شرح ذیل برای آگاهی علاقمندان منتشر می شود:

■ روز معلم بیشتر در مدرسه گرامی داشته می شود، اما همانطور که می دانید تعلیم و تعلم و مقام معلم فراتر دوره مدرسه است. چه اینکه در دانشگاه ما با استادان مختلف روبرو هستیم که برای انسان الهام برانگیز هستند. به طور کلی گاهی خارج از ضوابط آموزش عالی رسمی هم هر کس ممکن است معلمی برای خود داشته باشد. به نظر شما آیا این دیدگاه در مورد گرامی داشت مقام معلم محصور در چارچوب رسمی معلم به عنوان کارمند آموزش و پرورش یا استاد دانشگاه است یا اینکه معلم مفهومی فراتر و فاخرتر از این کلیشه ها دارد؟

به نظر من معلم کسی است که علم می آموزد. علم هم حتماً مقید نیست بلکه یک جنبه عام و یک جنبه خاص دارد. جنبه عام علم به طور کلی آموختن مسائل مربوط به زندگی و همچنین ماورای طبیعت و زندگی است و یکی علم خاص است که منظور یک شاخه از علم می باشد به عنوان مثال یک نفر پزشک، مهندس یا حقوقدان و ... است. بنابراین هرکس به ما علم می آموزد معلم ماست و احترام او واجب است چنانکه اولین معلم انسان مادرش است که زبان به او آموخته و از طریق زبان باقی علوم را می آموزد. و بعد از آن پدر اوست و همچنین اطرافیان که در دوران مختلف زندگی، انسان از آنها چیزی می آموزد.

اما به طور خاص معلم، ابتدا از معلم دبستان یا پیش از دبستان شروع می شود و پس از آن دبیرستان و دانشگاه که هرکدام به عنوان دبیر و استاد شناخته می شوند و مقام معلمی دارند. پایه گذار علم افراد ابتدا معلم دبستان است که اگر او خوب بیاموزد و انسان هم از او خوب

بیاموزد، راهش به خوبی ادامه پیدا می کند ولی اگر از همان ابتدا خلل در کار باشد بعدها و در دوران دانشگاه مشکل ساز می شود. پس از آن در اجتماع از دیگران نکاتی می آموزیم که همه آنها معلم هستند و حقشان واجب است.

برای معلم دو چیز باید فراهم باشد، یکی حداقل امکانات زندگی و دیگری احترام. جنبه احترام بسیار مهم است و حرمت معلم یعنی برخورد با او، جایگاه شغلی او و

ان المعلم والطبيب كلاهما
واقنع به دردك اذجها طبيبك
لم ينصحان اذالم يكرما
وأصبر لجهلك ان أهنت معلما
معلم و طبیب نصیحت نمی کنند مگر اینکه احترام ببینند پس اگر طبیب را آزردي به درد خود بساز و اگر معلم را آزردي به جهل و نادانی بساز.

در طول تاریخ جزو سنت های ما بود که به معلم احترام بگذاریم و این احترام گذاشتن جلوی پای او برخاستن نیست بلکه معلم مثل پدر است و همان احترامی که برای پدر خود قائل هستیم برای معلم هم باید قائل باشیم زیرا هستی معنوی افراد به معلم بستگی دارد. در وصیتنامه بقرات برای طبیبان آمده است که معلم و استاد را مثل پدر خود گرامی بدارید و به فرزندان استاد خود طبابت بیاموزید زیرا وجود معنوی شما به استاد بستگی دارد.

■ به نظر می رسد در یک نگاه کلی امر معلمی را بتوان به دو مقام تعلیم و مقام تربیت تفکیک کرد. به نظر شما اهمیت و فضل تقدم با کدام یک از



این دو شئون است؟ آیا معلم باید هم تربیت و هم تعلیم بدهد یا اینکه آموزش یکی برای معلم کافی است و دانش آموز خود باید مورد دیگر را اکتساب کند؟

مقام تعلیم وظیفه اصلی معلم است اما معلم با رفتار و شیوه برخورد خود تربیت هم می‌کند. تربیت بیشتر از همه جا و در ابتدا در خانواده آغاز می‌شود و سپس در مدرسه اتفاق می‌افتد. در قدیم شیوه آموزش تفاوت داشت و به دانش آموز بسیار سخت می‌گرفتند و ادب‌آموزی را با تنبیه همراه می‌کردند که کار صحیحی نبود.

رفتار معلم خود تربیت‌کننده است. همچنین همراه با آموزش چه در مدرسه یا مکان‌های آموزشی دیگر، نظم بسیار اهمیت دارد. یعنی به موقع سر کلاس حاضر شدن، غیبت نکردن، انجام تکالیف و غیره. دانش آموز در بین همکلاسان خود شیوه رفتار با دیگران را می‌آموزد که ناظم نظارت می‌کند و بدین ترتیب نظم را هم می‌آموزد. اما در درجه اول رفتار خانواده بسیار اهمیت دارد. برای معلم علم‌آموزی اولویت اول را دارد اما همان دقت و صحت و دلسوزی که در آموختن علم دارد باز هم در تربیت شاگرد اثرگذار است.

■ اگر خاطره‌ای از دوران معلمی خود یا معلم‌های خود دارید بیان کنید. من خاطره‌های زیادی از معلم‌ها چه در ایران و چه در خارج دارم. بسیار

معلم‌هایی بودند که وجود خود را برای شاگرد می‌گذاشتند و با رفتار خوش هرچه داشتند در طبق اخلاص می‌گذاشتند. خودم هم بیش از پنجاه سال علم‌آموزی در دانشگاه هرچه می‌توانستم برای دانشجویانجام می‌دادم. معلم دو وظیفه دارد تعلیم درس و تهیه درس مانند نوشتن کتاب و مقالات و غیره. شاگرد تشخیص می‌دهد که معلم به کار خود وارد است و گفتار و آموزش او همراه با صداقت است و یا به عبارت دیگر دانش و وارستگی با هم همراه است و همه اینها باید در راه خدمت به بشریت باشد. در این رابطه سعدی می‌فرماید:

صاحب‌دلی به مدرسه آمد ز خانقاه

بشکست عهد صحبت اهل طریق را

گفتم میان عالم و عابد چه فرق بود

تا اختیار کردی از آن این فریق را

گفت آن گلیم خویش به در می‌برد ز موج

وین جهد می‌کند که بگیرد غریق را

یعنی معلمی جهدی است که بشر را از غرق شدن در جهل می‌رهاند و اول باید خود سعی کند تا از جهل رهانیده شود.

ذات نایافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش

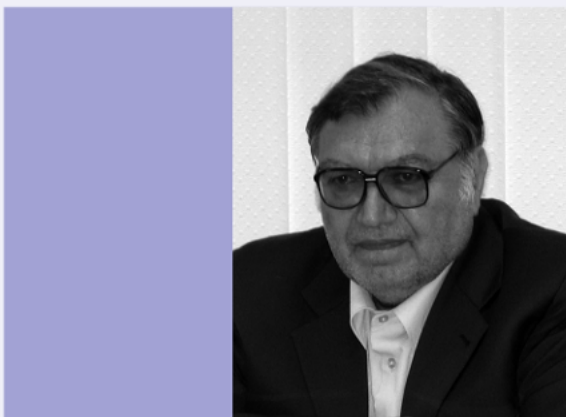
معلم آینه شاگرد است چنانکه پدر و مادر آینه فرزند هستند و فرزند جلوه گاه پدر و مادر و معلم است».

فرهنگستان‌ها نهادی کاربردی یا تشریفاتی؟!

گفتگو با دکتر مهدی گلشنی

چرا دولت‌ها کمتر مسائل و موضوعاتشان را به فرهنگستان‌ها ارجاع می‌دهند؟

صد و سی و پنجمین جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۵ دی ماه سال ۱۳۶۶، طرح تأسیس «فرهنگستان علوم» و «فرهنگستان علوم پزشکی» جمهوری اسلامی ایران را تصویب کرد و پس از تصویب اساسنامه‌ها در مجلس شورای اسلامی، این دو فرهنگستان تقریباً همزمان با «فرهنگستان زبان و ادب فارسی» آغاز به کار کردند و می‌توان گفت که رسماً در سال ۱۳۶۹ این نهادها وظایف محوله خود را عهده‌دار شدند. این در حالی است که شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه ۴۳۹ خود مورخ ۲۵ اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۷۷، اساسنامه «فرهنگستان هنر» را نیز تصویب کرد و فرهنگستان هنر به عنوان چهارمین فرهنگستان جمهوری اسلامی ایران کار خود را کلید زد. حال این سؤال پیش می‌آید که اساساً ماهیت و فلسفه وجودی فرهنگستان‌ها در جامعه ما چیست؟ فرهنگستان‌ها در چه نسبتی با دانشگاه‌ها قرار می‌گیرند؟ اگر قرار است که فرهنگستان‌ها کاری موازی با دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها داشته باشند، پس «فصل ممیز» آنها چیست؟ و اگر مسئولیتی متفاوت از سایر نهادهای علمی دارند، ردپای اثرگذاری آنها را باید در کجا و چه حوزه‌هایی جستجو کرد؟ و اساساً فرهنگستان‌ها در جغرافیای فکری ما و در حیطه سیاستگذاری‌های علمی چه وزن و اعتباری دارند؟ دکتر مهدی



گلشنی، استاد فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف که از سال ۱۳۷۵ به عنوان عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی در این شورا فعالیت می‌کند، دارای دیدگاه‌های قابل تأملی در رابطه با نقش فرهنگستان‌ها در جغرافیای فکری ما است. گلشنی، خود از اعضای پیوسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران از ابتدای تأسیس این نهاد تاکنون بوده است و بنیانگذاری گروه «فلسفه علم» در دانشگاه صنعتی شریف نیز با نام او گره خورده است. استاد گلشنی در کنار فعالیت‌هایی که در زمینه فلسفه علم دارد، در زمینه الهیات، پژوهش‌های دینی و مطالعات تطبیقی میان دو حوزه «علم و دین» نیز صاحب‌نظر است. او برنده دو جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران نیز بوده است. با توجه به حضور مستمر او در فرهنگستان علوم، پیرامون «ارزیابی کارنامه فرهنگستان‌ها» با او به گفتگو نشستیم که ماحصل آن از نظر تان می‌گذرد:

■ جناب دکتر گلشنی به اعتقاد شما، ماهیت و فلسفه وجودی فرهنگستان‌ها در جامعه ما چیست؟ و آنها در جغرافیای فکری ما در چه موقعیتی ایستاده‌اند؟

«فرهنگستان‌ها» از نخبگان علمی کشور در رشته‌های مختلف تشکیل می‌شوند و امتیاز آنها نسبت به سایر مجامع علمی، در «جامعیت علمی» این نهاد است؛ چرا که کلیت جهات علمی را محل تأمل خود قرار می‌دهند. با این حال، در برخی از کشورها، تعداد زیادی از مراکز تحقیقاتی به فرهنگستان‌ها وابسته هستند. فرهنگستان‌ها در بسیاری از کشورها، نقش «خطدهی به سیاست‌های علمی کشور» را دارند تا اگر جایی ناهنجاری و انحرافی دیدند، تذکر دهند. معتقدم که فرهنگستان‌ها باید «نقش ارشادی» داشته و «رصدی کلی از وضعیت علم و فناوری در کشور» داشته باشند.

به خاطر دارم که چند سال پیش که کنکور سراسری روندی غیرعادی را دنبال می‌کرد، در مجمع عمومی فرهنگستان علوم، این مسئله طرح شد. اما واقعیت قضیه این است که غالب سیاستمداران ما آنچنان که باید شأنی برای فرهنگستان‌ها قائل نیستند و بیشتر به آنها به صورت «نهادهای تشریفاتی» نگاه می‌کنند. این کم‌توجهی به نقش فرهنگستان‌ها، در جریان تعیین «نقشه جامع علمی کشور» نیز تکرار شد و شورای عالی انقلاب فرهنگی خود به تنهایی مسئولیت آن را برعهده گرفت. من آن زمان پیشنهاد کردم که «سیاستگذاری برای علوم پایه» را به گروه

علوم پایه «فرهنگستان علوم» ارجاع دهند. خوشبختانه در نهایت با پشتیبانی ریاست دولت نهم، چنین شد. واقعیت این است که دولت‌ها کمتر مسائل و موضوعات‌شان را به فرهنگستان‌ها ارجاع می‌دهند، در صورتی که فرهنگستان‌ها به خاطر «ماهیت» و «ترکیبی» که دارند، می‌توانند بسیار مثمر‌تر باشند. از دیگر بزنه‌هایی که فرهنگستان‌ها می‌توانستند به عنوان راهنما اثرگذار باشند، ساز و کارهای مربوط به تغییر ساختار آموزش و پرورش است. من چند سال پیش پیشنهاد دادم که در برنامه‌ریزی دروس این نهاد حتماً با فرهنگستان علوم و گروه علوم پایه آن مشورت شود که متأسفانه باز توجهی نشد. امروز که مجدداً ساختار آموزش و پرورش و دانشگاه تغییرات جدیدی را تجربه می‌کند، قطعاً می‌توان از فرهنگستان‌ها و اعضای آن بهره گرفت.

■ به «نقش ارشادی» فرهنگستان‌ها اشاره کردید؛ علاوه بر این، چه رسالت دیگری برعهده این نهاد است؟

من در درجه اول برای فرهنگستان‌ها «نقش ارشادی» قائل هستم تا با توجه به تخصص و دانش اعضای آن، پیشنهادهایی سازنده برای ارتقای علمی جامعه ارائه کنند و در درجه دوم «نقش اصلاحی» برای آنها قائلم تا چنانچه جایی ناهنجاری دیدند، برای اصلاح آن اقدام کنند. ما امروز هم در دانشگاه‌ها و هم در آموزش و پرورش با ناهنجاری‌های بسیاری مواجه هستیم. به نظر من، فرهنگستان‌های علوم و زبان و ادب فارسی می‌توانند نقش بسیار مهمی در اصلاح آنها داشته باشد. متأسفانه در حال حاضر مشاهده می‌شود که فرهنگستان‌ها به هیبت مجامعی درآمده‌اند که در آنها افراد دور هم جمع می‌شوند و بحث‌های کارشناسی مطرح

می‌کنند ولی ماحصل کار آنها تأثیر چندانی در برنامه‌ریزی‌های کشور ندارد. اما از آنجا که از غالب دانشگاه‌های معتبر کشور در فرهنگستان‌ها نماینده‌ای وجود دارد، می‌توان فرهنگستان‌ها را انعکاس و بازتاب صدای همه دانشگاه‌ها معرفی کرد. بنابراین آنها می‌توانند با پرداختن به منافع عمومی کشور، به ارتقای علمی آن کمک کنند. اما متأسفانه این هدف، عملاً از سوی دولتمردان ما مورد غفلت قرار گرفته است.

■ پیشنهادتان برای فعال‌تر و کاربردی‌تر شدن فرهنگستان‌ها چیست؟
من معتقدم که نخست باید خود فرهنگستان‌ها، با توجه به سرمایه‌های فکری و انسانی که دارند، تعیین کنند که کجاها می‌توانند به کشور خدمت کنند، فلسفه وجودی‌شان چیست، برای ارتقای فکر و اندیشه جامعه چه برنامه‌هایی دارند و چه نقشی را می‌خواهند ایفا کنند؟ سپس آنها باید نتایج بررسی‌های خود را در قالب پیشنهادهایی به دولت ارائه کنند. از طرف دیگر دولت باید روشن کند که چه جایگاهی را برای این نهادهای علمی قائل است؟ زیرا بهره‌نگرفتن از چنین مجامعی، با توجه به نقشی که می‌توانند در سرنوشت فکری و علمی کشور ایفا کنند، خسران بزرگی به حساب می‌آید. وقتی نهادی در جامعه تعریف می‌شود، باید اثر آن نیز در جامعه دیده شود، مخصوصاً اگر این نهاد در بردارنده افراد تراز اول در هر حوزه‌ای باشد.

■ نقد دیگری که به فعالیت فرهنگستان‌ها وارد می‌شود، چینش اعضای آن است، برخی منتقدان چنین اظهار نظر می‌کنند که اگر دانش‌آموختگان «سیاستگذاری علمی» در فرهنگستان‌ها به کار گرفته شوند، این سازمان با کارایی بالاتری به فعالیت خود ادامه خواهد داد، چقدر با این دیدگاه همدل هستید؟

من با این دیدگاه موافق نیستم، زیرا اصلاً ایرادی به ترکیب فعلی فرهنگستان‌ها نمی‌بینم. مثلاً ما در «فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران» تعدادی گروه و شاخه داریم و از هر گروه معمولاً ۵ نفر یا بیشتر در مجمع عمومی شرکت می‌کنند؛ اینها اعضای پیوسته هستند و بقیه اعضای وابسته. برای مثال، در شاخه فیزیک، استادان برتر حوزه‌های مختلف این دانش حضور دارند و در ریاضی و سایر علوم نیز این مسئله حاکم است. واقعیت این است که حتی‌المقدور سعی شده است تا اشخاص برتر هر رشته در فرهنگستان‌ها عضو شوند؛ چرا که مثلاً ۲-۳ نفر

نمی‌توانند همه حوزه‌های فیزیک را پوشش دهند. از این رو، معتقدم که فرهنگستان‌ها در صورتی می‌توانند نقش «ارشادی» و «اصلاحی» خود را داشته باشند که نماینده‌ای از هر حوزه علمی در خود داشته باشند؛ زیرا «سیاستگذاران علمی» مادامی می‌توانند سیاستگذاری درستی داشته باشند که درک درستی از مسائل هر حوزه علمی داشته باشند و این امر میسر نمی‌شود مگر با همفکری همه حوزه‌های علمی.

■ چقدر فرهنگستان را می‌توان در حوزه «پارا-آکادمی‌ها» دسته‌بندی کرد؟
شان فرهنگستان‌ها بالاتر است و در آن دسته قرار نمی‌گیرد. به نظر من، جایگاه فرهنگستان‌ها فوق‌دانشگاهی است زیرا فرهنگستان‌ها تنها وظیفه بررسی فعالیت‌های نهادهای آکادمیک را برعهده ندارند بلکه «بررسی وضعیت علمی کشور» به صورتی کلی را مدنظر دارند؛ اینکه آیا دانشگاه‌ها و وظیفه‌شان را نسبت به صنعت انجام داده‌اند؟ آیا صنعت وظیفه‌اش را در برابر دانشگاه‌ها انجام داده است؟ فرهنگستان‌ها در واقع جایی برای نظارت بر این امور هستند. اما واقعیت این است که من چنین نظارتی را نمی‌بینم.

■ پس به اعتقاد شما فرهنگستان‌ها باید قدرتی مجزای از دولت داشته باشند؟

به نظر من باید چنین استقلال وجود داشته باشد تا آنها بتوانند بدون خوف به فعالیت‌ها و مسئولیت‌های علمی‌شان بپردازند، حرف‌هایشان را بزنند و «نقش ارشادی» شان را ایفا کنند.

■ آینده فرهنگستان‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به صورت فعلی چندان آنها را مؤثر نمی‌بینم، اما معتقدم که برای تثبیت جایگاه آنها، باید نقش مؤثری برای آنها قائل شد. علت اینکه بر این امر تأکید می‌کنم این است که فرهنگستان‌ها یک نهاد فوق‌دانشگاهی و بیرون دانشگاهی هستند و صرفاً به دانشگاه‌ها نظر ندارند بلکه «منافع کشور» را مدنظر دارند. به علاوه اعضای آنها افرادی برگزیده هستند و بنابراین باید از آنها ایده خواست و مسائل مهم را به آنها ارجاع داد و آنها یک بعد مشورتی قوی برای سیاستگذاران فراهم کنند، چیزی که متأسفانه امروزه کمتر با این ساز و کار دیده می‌شود.



دغدغه‌های علمی و فرهنگی من^۱

دکتر مهدی گلشنی^۲

مایلم چند مشکل فرهنگی و چند مشکل علمی را، که فعلاً در کشور وجود دارد، مطرح کنم.

مشکلات فرهنگی

۱- مشکل اول این است که فرهنگ متعالی اسلام در جامعه ما حاکم نیست. نه در جامعه و نه در دانشگاه‌ها. غالب دانشگاهیان از میراث فرهنگی‌مان غافلند و متأسفانه از فرهنگ غرب هم نکات مثبت آن را جذب نکرده‌اند. نه نظم و انضباط حاکم در جامعه غرب در محیط ما حاکم است و نه برنامه‌ریزی درازمدت و دورنگری که در محیط آنها حاکم است. بعضی از غربیانی که در سال‌های اخیر به ایران آمده‌اند در توصیف مشاهداتشان، فرهنگ رایج در محیط ما را آمریکایی تلقی کرده‌اند. مثلاً یک عکاس فرانسوی که اخیراً از ایران بازدید کرده است می‌گوید که در بعضی تابلوها نسبت به مقامات آمریکایی با تنفر نگاه می‌شود و مثلاً او با ما را به شمربازی تشبیه می‌کند، اما در عمل به فست‌فودها. نظیر مرغ سوخاری کنتاکی و پیتزا هت - یاتی شرت میکی موس عنایت دارند و در تابلوهای تبلیغ انواع آیفون‌ها و موبایل‌های خارجی فراوان به چشم می‌خورد. ضعف فرهنگ در محیط ما منجر به ناهنجاری‌های زیر شده است:

۱-۱- عقده حقارت نسبت به غرب

به نظر اینجانب یک علت عمده حاکمیت فرهنگ غرب در محیط ما بی‌توجهی به فرهنگ دینی - ملی ما است، و این باعث تضعیف هویت ملی و بروز عقده حقارت نسبت به غرب در اکثر محیط‌های ما، خصوصاً محیط‌های علمی، شده است. فردی که در خارج فارغ‌التحصیل شده است برتر از فارغ‌التحصیل داخلی تلقی می‌شود، حتی اگر ممتاز نباشد. الان بعضی دانشکده‌های برخی از دانشگاه‌ها، در مقام جذب استادان، ترجیح می‌دهند که افرادی را بپذیرند که حداقل دوره پسادکتری را در خارج گذرانده باشند. همین‌طور احترامی که برای استادان ایرانی قائلند، در مقام مقایسه با احترامی که برای خارجی‌ان هم‌شان آنها قائلند، ناچیز است. ما این را مکرر دیده‌ایم. از آثار عقده حقارت نسبت به غرب تعداد قراردادهایی است که در سال‌های اخیر با دانشگاه‌های غربی

منعقد شده است، و همچنین ولعی که برای انعقاد این‌گونه قراردادها در مسئولان و بعضی مدیران دانشگاهی می‌بینیم. برخی از مسئولان ما واقعاً فکر می‌کنند که غربیان مایلند علم ما را توسعه دهند. من نمی‌گویم که با دانشگاه‌های خارج رفت و آمد نداشته باشیم، ولی باید بیشتر به فکر مشارکت خودمان در نوآوری علمی و همچنین به فکر رفع نیازهای ضروری کشور در داخل باشیم. ما تا نیازهای اساسی‌مان را خودمان تأمین نکنیم، همواره مجبور به تحمل بعضی تحریم‌های غرب خواهیم بود. همچنین تا خودمان را جدی نگیریم، در تولید علم در سطح مرزهای دانش مشارکت نخواهیم داشت. اینکه بسیاری از نخبگان ما برای اخذ درجه دکتری به خارج می‌روند، به نظر من چند عامل عمده برای این مطلب وجود دارد: «ضعف هویت ملی - دینی»، «دریافت کمک مالی کافی از دانشگاه‌های خارج برای ادامه تحصیل»، «وجود بعضی دافعه‌ها در کشور و جاذبه‌ها در غرب»، «وجود بعضی موانع دست و پاگیر اداری در داخل کشور»، «نبود نقشه راه و سیاستگذاری درست پژوهشی و آموزشی در بعضی دانشگاه‌ها»، «ندیدن اثر پژوهش‌های خود در جامعه» و «اهمیت ندادن به شخصیت علمی دانشگاهیان در جامعه». واجب است که در مورد برطرف کردن این مشکلات کار جدی صورت گیرد و مخصوصاً اهتمام جدی به تقویت هویت ملی در جوانان بشود، تا اگر به دلایلی آنها برای تحصیلات تکمیلی به خارج می‌روند، بعد از اتمام تحصیلات به داخل برگردند.

۱- قرار بود در مراسم بزرگداشتی که توسط انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در تاریخ ۲۷ اردیبهشت سال جاری برای آقای دکتر مهدی گلشنی برپا شد، استاد گلشنی درخصوص این مطالب سخنرانی کند که به علت ضیق وقت مجال آن نشد و اینک خلاصه آن مطالب تقدیم خوانندگان گرامی می‌شود.

۲- عضو پیوسته گروه علوم پایه فرهنگستان علوم، استاد فیزیک و مدیر گروه فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف

۲-۱- بی‌اخلاقی

ضعف فرهنگ، باعث شده که ارزش‌های اخلاقی نادیده گرفته شوند. ما ضعف اخلاق را هم در جامعه و هم در محیط‌های علمی می‌بینیم. در رابطه استنادان باهم، در رابطه استاد و دانشجو، در مناظره‌ها و مقالات، و در سطح جامعه. این ضعف اخلاقی هم به انسجام جامعه لطمه می‌زند و هم به پیشرفت علمی. لازم است که حاکمان، حوزویان، دانشگاهیان، و رسانه‌ها در پی اصلاح وضعیت اخلاقی جامعه باشند، و لازم است که شورای عالی انقلاب فرهنگی به این مسئله عنایت بیشتری بکند.

۳-۱- انتقاد ناپذیری و فقدان روحیه تسامح

انتقاد ناپذیری به شدت در میان مسئولان رواج دارد و در کلاس‌ها و مناظرات هم انتقاد ناپذیری و عدم تحمل دیگران را می‌بینیم، و متأسفانه بسیاری از مسئولان فرقی بین انتقاد از باب تفقه و روشنگری و انتقاد تعنت‌آمیز نمی‌گذارند و همه را خصمانه تلقی می‌کنند. در کلاس‌ها هم بسیار می‌بینیم که به سؤالات اساسی دانشجویان به درستی پاسخ داده نمی‌شود.

۲- عدم توجه به کیفیت

الان بی‌توجهی به کیفیت در همه سطوح حاکم است. هم در آموزش و پرورش، هم در آموزش عالی، و هم در محصولات صنعتی. به این مطلب توجه نمی‌شود که فارغ‌التحصیل بی‌کیفیت هیچ مشکل کشور را حل نمی‌کند و محصول بی‌کیفیت راه را برای ترجیح محصول خارجی باز می‌کند.

امروز در دادن آمارها، بیش از آنکه به کیفیت توجه شود، به کمیت توجه می‌شود. مثلاً به تعداد دانشجویان دکتری توجه می‌شود، بدون آنکه کیفیت فارغ‌التحصیل هم در نظر گرفته شود. همچنین به تعداد مقالات توجه می‌شود نه به کیفیت آنها. واضح است که تا وقتی این وضعیت حاکم باشد، ما پیشرفت واقعی نخواهیم داشت، و صرفاً به دادن شعارهای بی‌محتوا توجه خواهیم کرد.

۳- عدم رعایت شایسته‌سالاری

امروز عدم توجه به شایسته‌سالاری را در همه سطوح می‌بینیم، و متأسفانه در انتخاب افراد بیشتر روابط حاکم است تا شایستگی‌ها. همین وضعیت در مورد تشکیل کمیته‌ها نیز حاکم است. به همین جهت محصول آنها پختگی لازم را ندارد و در اجرا به مشکل برمی‌خورد. لازم است در همه سطوح شوراها یا کمیته‌های تصمیم‌گیرنده، متشکل

از خبرگان و نخبگان باشند تا حاصل کار ورزیده و سنجیده باشد. همین‌طور در انتصابات کلیدی نباید به حداقل‌ها اکتفا کرد. چیزی که متأسفانه خلاف آن رافراوان می‌بینیم.

مشکلات علمی

یکی از مشکلات مهم علمی ما این است که تلاشمان صرفاً اخذ علم از غرب بوده است، بدون اینکه بخواهیم خودمان هم در تولید علم سهم شایسته‌ای داشته باشیم. ما فعلاً مشق‌نویس شده‌ایم، بدون اینکه سرمشق‌نویسی را نیز دنبال کنیم.

از دید من اگر روند امور به این طریق پیش برود، ما در غالب رشته‌های علمی حداکثر دنباله‌روی غرب خواهیم بود و خودمان سهمی در تولید علم نخواهیم داشت. تأمین نیازهای ملی هم خیلی مورد نظرمان نبوده است، و لذا غالباً واردکننده محصولات خارجی بوده‌ایم، و متأسفانه این در سال‌های اخیر شدت پیدا کرده است، و ما حالا حتی بعضی از چیزهایی را که قبلاً خودمان می‌ساختیم، از خارج وارد می‌کنیم. متأسفانه تحریم‌ها هنوز به مسئولان ما نیاموخته است که به فکر خودکفایی باشند تا در صورتی که تحریمی رخ دهد، تحت فشار خریدکننده قرار نگیریم. به طور خلاصه، الان به اندازه کافی به تولید داخلی توجه نمی‌شود و به شرکت در تولید علم در سطح جهانی هم عنایتی نمی‌شود. چیزی که به نظر من لطمه اساسی به پیشرفت واقعی علم در کشور زده است، مسئله استثمارکننده چاپ مقالات در مجلات آی.اس.آی است، که علیرغم همه هشدارها به آن توجه شایسته نشده است. شکی نیست که اگر کسی کار علمی خوب کرد، باید نتیجه کارش را در معرض نقد اهل نظر بگذارد. اما امروز چاپ مقاله به عوض آنکه وسیله پیشرفت علمی کشور در دو بعد نظری و عملی باشد، خود هدف شده است. زیرا آن امتیازات گوناگون مالی و اداری را دربردارد و وسیله بعضی پیشرفت‌ها می‌شود. اما کثرت مقالات، موجب پایین آمدن کیفیت آنها و یا جهت‌گیری‌های غیراولویت‌دار شده است. آن همچنین توجه به رفع نیازهای کشور را تقلیل داده است زیرا مقاله‌نویسی در این راستا برای مجلات خارجی جاذبه‌ای ندارد و لذا افراد مجبورند روی موضوعاتی مقاله بنویسند که شانس چاپ در مجلات غربی را داشته باشد. متأسفانه توجه به کارهای کیفیت‌دار و نوآورانه هم تقلیل یافته است، زیرا چاپ مقاله با این خصوصیات زمان‌بر است، و لذا دانشجویان سراغ

حوزه‌هایی می‌روند که سریعاً منجر به مقاله می‌شوند. این باعث شده است که دانشجویان درجه اول وقتشان صرف کارهای درجه دوم و سوم بشود. از طرف دیگر رواج چاپ مقالات در مجلات آی. اس. آی دکانی نیز برای عده‌ای و یا شرکت‌هایی برای کسب درآمد شده است. این افراط توجه به مقاله‌نویسی و امتیازات گوناگونی که در سطوح مختلف به آن داده می‌شود، می‌تواند به سقوط سطح علمی کشور بیانجامد. لذا لازم است هم وزارت علوم و هم شورای عالی انقلاب فرهنگی عنایت فوری به این مسئله داشته باشند.

به نظر من یک مشکل اساسی که باعث عمده انحرافات در بعد علمی دانشگاه‌ها و مدارس شده این است که دانشگاهیان و معلمان مدارس از نظر معیشتی تأمین نیستند و لذا دنبال راه‌های انحرافی از قبیل چند

شغلی یا کسب درآمد از راه‌های غیر علمی شده‌اند. استادان و معلمان قبل از انقلاب یک حقوق می‌گرفتند و تأمین بودند، یعنی می‌توانستند یک زندگی معتدلانه داشته باشند. الان استادان غیر از حقوق ماهیانه از یک محل اصلی، حق التدریس و حق هدایت رساله کارشناسی ارشد و دکتری (و گاهی حق جلسه) از چند جا می‌گیرند و مع‌الوصف تأمین نیستند. دولت باید بیش از میزان فعلی برای آموزش عالی و آموزش و پرورش شأن قائل باشد. زیرا فارغ‌التحصیلان این دو ارگان هستند که آینده این کشور را اداره می‌کنند.

به طور خلاصه من وضعیت علمی و فرهنگی کشور را در حد ظرفیت آن نمی‌دانم، و اگر وضع به این صورت ادامه یابد و ما بیدار نشویم، لطمه جبران‌ناپذیر خواهیم خورد.

تحقیقات کمی و کیفی: مناقشه‌ای بیهوده

دکتر عزت الله نادری^۱ و دکتر مریم سیف نراقی^۲

چکیده

این مقاله با توضیحاتی شفاف و با مصادیقی مستند سعی دارد، پراکندگی‌ها در مبحث تحقیقات کمی، کیفی و آمیخته را کاهش دهد تا بلکه، آنچه شایسته فعل تحقیق به عنوان تنها راهکار در اختیار عالم برای حفظ اعلیت و مرجعیتش می‌باشد، متجلی شود.

مقدمه

چند صباحی است، هر از گاه، مناقشاتی در خصوص تحقیقات کمی و کیفی در متون مرتبط با تحقیق ملاحظه می‌شود. برخی افراد تلاش

دارند، تحقیقات کمی را ویژه علوم فیزیکی و تحقیقات کیفی را مختص علوم انسانی قلمداد کنند، به طوری که محقق را در تحقیقات کیفی، «بازیگر» و در تحقیقات کمی، «تماشاگر» می‌دانند.^۳

بعضی دیگر، بهره‌گیری از ریاضی و آمار در تحقیقات را کمی‌گرایی می‌شمارند و اینگونه تفکر را اثبات‌گرایی تلقی می‌کنند و آن را مذموم و ناروا می‌پندارند^۴ در حالی که اگر تلاش نکنیم مفاهیم ریاضی و به تبع آن آمار را درک کنیم، حتی در امور روزمره، ناچار از جعل افسانه هستیم. برای مثال، اگر در جاده‌ای ماریجی با بهره‌گیری از ریاضی به محاسبه و برآورد





سرعت وسیله نقلیه متناسب با زاویه شیب جاده و وزن وسیله نپردازیم، به احتمال زیاد حوادث حاصل از نیروی گریز از مرکز در این جاده را به شیطان و ارواح منتسب می‌کنیم.

در سال‌های اخیر نیز برای رفع مناقشات موجود، گروهی پیشنهاد تحقیقات آمیخته یا ترکیبی را مطرح نموده‌اند. حتی در پاره‌ای موارد چنین می‌نویسند: «در بحث از روش‌های پژوهش عنایت به حرکت بشر از روش‌های سازمان نایافته به روش‌های کمی، از کمی به روش‌های کیفی و سپس روی آوردن به روش‌های ترکیبی و آمیخته، حائز توجه است»^۵؛ یا در مواردی دیگر، همکارانی عقیده دارند:

«... تحقیق آمیخته در یک رشد نسبتاً تند و ناگهانی ... به عنوان روشی که قبلاً وجود نداشته است، موقعیت و جایگاه رسمی خود را کسب نموده و توسط مجموعه‌ای از متخصصان و روش‌شناسان در رشته‌های مختلف استفاده می‌شود. این روش تحقیق در روند توسعه و دستیابی به هویتی مشخص در مقایسه با سایر رویکردهای تحقیقاتی در علوم اجتماعی و انسانی عملاً به عنوان شق سوم از روش تحقیق تلقی شده است»^۶.

باید اذعان داشت، همگی این نوع برداشت‌ها و نظرهای ناشی از کم‌توجهی به مفهوم و ماهیت «تحقیق علمی» است. زیرا حسب آنچه در طول تاریخ به عنوان «تحقیق» برای بشر مطرح بوده و مقبول افتاده است، همانا «جستجوی حقیقت و دست یازیدن به کنه امور» می‌باشد. از سویی دیگر، این امر برای انسان‌های آزاد‌های که دستشان از عالم غیب دور است و در زمینه‌ای ویژه از معارف بشری معرفتی دارند، تنها به مدد بهره‌گیری از خرد ناب^۷ تا حدودی مقدور می‌باشد، بدین معنی که آنان به بخشی از حقایق یا جلوه‌هایی از آن نزدیک می‌شوند. به عبارت دیگر، بدیهی است هر مرجع و عالمی در حوزه محدودی از آگاهی‌ها که دانایی دارد، برای حفظ و استمرار مرجعیت خویش، ناگزیر از انجام تحقیق جهت یافتن پاسخ به سؤال‌ها یا دستیابی به راه حل برای مسائلی است که در مسیر رشد و شدنش بر وی عارض می‌شود.

جمع‌بندی

بنابراین، تحقیق یا همان راه و شیوه دست یازیدن به کنه امور «کار و پیشه عالم» است و کلیت این راه و روش در همه معارف بشری و در طول تاریخ نزد همه علما واحد بوده و تنها موضوع و محتوای مورد کاوش، تفاوت دارد. زیرا همان‌گونه که اشاره رفت، این راه و روش برخوردار از

ویژگی‌های جهان‌شمول خرد ناب است و به عنوان یک فعالیت مرکب شامل مجموعه‌ای از فعالیت‌ها است که هر یک مکمل دیگری و در امتداد آن است. برای مثال، تحقیق در هر حوزه از حوزه‌های دانایی از آنجا آغاز می‌شود که فاعل آن در مسیر دانایی‌اش متوجه نادانی ویژه‌ای شده است؛

محقق در نخستین فعالیت بعد از جرقه اولیه، ناگزیر است در حوزه معرفتی خویش به جستجو بپردازد و جایگاه و موقعیت این مقوله را در وادی همین دانایی معلوم دارد. به عبارت دیگر، به مطالعه آنچه «ادبیات موضوع تحقیق»^۹ یا «پیشینه و سابقه»^{۱۰} یا «چارچوب نظری موضوع تحقیق»^{۱۱}، شهرت دارد، مبادرت کند. اینچنین مطالعه درخصوص موضوع تحقیق فواید بسیاری دارد^{۱۲}، از جمله به محقق کمک می‌کند تا بتواند هدف‌ها یا فرض‌ها یا سؤال‌های ویژه تحقیق خود را ضمن پیوستگی با ادبیات موضوع تحقیق و از سویی با عنایت به امکانات خویش، صراحت بخشد. محقق بعد از این اقدام و دریافت فهم و درک درستی از موضوع تحقیق که اصطلاحاً «بیان موضوع یا مسئله»^{۱۳} نامیده می‌شود و در آن محقق بایستی به سادگی و با شفافیت تمیز خود از متغیرهای موضوع تحقیق و نیز مرادش از مطالعه آنها را آشکار سازد، ضمن توجیه مستند و عالمانه لزوم انجام تحقیق حاضر، حسب روش تحقیق انتخابی^{۱۴} او با توجه به ویژگی‌های بستر تحقیق یا جامعه آماری^{۱۵} آن، ممکن است در پاره‌ای موارد به تعیین حجم یا اندازه نمونه و نحوه گزینش آنها اندیشه کند و یا در برخی موارد، این امر را به زمان جمع‌آوری داده‌ها از جامعه آماری مورد نظر و پس از رسیدن به اشباع داده‌ها موکول نماید.

به هر حال، محقق بعد از این مرحله ناگزیر از تفکر درباره داده‌های تحقیق در راستای بررسی هدف‌ها یا آزمودن فرض‌ها یا پاسخ‌دهی به سؤال‌ها از نمونه‌ای است که به یکی از دو شکل یادشده انتخاب می‌شود. در ادامه بحث و درخصوص داده‌ها در تحقیق توجه به نکات زیر ضروری است:

- هیچ تحقیقی بدون داده قابل تصور نیست.
- در برخی از تحقیقات داده‌ها درخصوص پاسخ‌دهی به سؤال‌ها یا آزمودن فرض‌ها یا بررسی هدف‌های تحقیق وجود ندارد، لذا محقق باید آنها را تولید و ایجاد کند، مانند آنچه در تحقیقات تجربی انجام می‌شود.
- در پاره‌ای دیگر از تحقیقات، برای پاسخ‌دهی به سؤال‌ها یا رسیدن به هدف‌ها یا آزمودن فرض‌ها، داده‌ها وجود دارند، لذا محقق بایستی با

تمهیداتی آنها را اخذ و جمع آوری کند.

- در بعضی دیگر از تحقیقات، محقق با مجموعه‌ای از داده‌های انباشته مواجه است که خود در جمع‌آوری و انباشت آنها هیچ نقشی نداشته است، مانند آنچه که هر روز یا هر هفته یا هر ماه و ... در حافظه سیستم‌های نگهداری داده‌ها در فروشگاه‌ها یا سازمان‌ها انباشت می‌شود.

اکنون بدیهی است، محقق برای سامان‌دهی و آرایش این داده‌ها که از یکی از طرق فوق فراهم آمده است، بایستی راه و روشی پیش گیرد. این راه و روش، همان راه و روشی است که بشر طی قرن‌ها برای دستیابی به هدف‌هایی چون: کاهش هزینه امور، سرعت بخشیدن به آنها، افزایش دقت در آنها، فراگیرتر کردن فهم آنها و ... به معرفی مفاهیمی چون سامان‌دهی، نظم و ترتیب، دسته‌بندی، بزرگی و کوچکی، تقدم و تاخرو نیز ابداع اعداد و در ادامه، عملیات بر اعداد تحت عنوان «ریاضی» و نهایتاً شاخه‌ای از آن به نام «آمار»، جمع‌بندی و مبادرت کرده است.

بنابراین ملاحظه می‌شود، تحقیق به عنوان تنها راهکار در اختیار عالم برای حفظ اعلیت و مرجعیت وی از آغاز عملی مرکب و آمیخته بوده و اجرای آن در گستره جهانی برخوردار از قواعد روشن و آشکاری چون نظام‌مندی، برنامه‌ریزی، با دقت عمل کردن، حوصله‌مندی، رعایت انصاف، رعایت اختصار یا تخصصی عمل کردن و ... است که همگی آنها ضمن هماهنگی با فطرت و خرد ناب انسان‌ها فارغ از قید مرزهای جغرافیایی، طی قرون متمادی مقبول بوده و خواهد بود. حال اگر این قواعد در جریان انجام تحقیق بر اثر سهل‌انگاری و غفلت یا امیال و اغراض

شخصی مراعات نشود، به طور طبیعی کیفیت تحقیق و به تبع آن کیفیت محصولش یعنی «علم» به مخاطره می‌افتد و پیامد چنین تحقیقاتی ضایعات فرهنگی و اقتصادی است.

منابع

۱- باقری، خسرو و همکاران (۱۳۸۹) «رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت»، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

۲- فصلنامه نوآوری‌های آموزشی (پاییز ۱۳۸۶، سال ششم، شماره ۲۱) «ویژانه نوآوری در روش‌شناسی پژوهش»، تهران: مؤسسه پژوهشی و برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی.

۳- سروش، عبدالکریم (۱۳۸۰) «تفرج صنع» (چاپ پنجم) تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.

۴- نادری، عزت‌الله و سیف نراقی، مریم (۱۳۸۹) «غفلت‌ها و کاستی‌ها در تحقیقات و مصادیق آنها» (فارسی-انگلیسی)، تهران: نشر اسباران.

۵- نادری، عزت‌الله و سیف نراقی، مریم (۱۳۹۴) «روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی» (ویرایش ششم)، تهران: نشر اسباران

6- Tashakkori, A. and Teddlie C. (2010) "Epilogue: current developments and emerging trends in integrated research methodology", in Sage Handbook of Mixed Methods in Social & Behavioral Research, Tashakkori, A. and Teddlie, C. (Eds) 2010, Sage, California, pp 803-826..

۱- استاد دانشگاه‌های تربیت معلم (خوارزمی)، آزاد اسلامی- واحد علوم و تحقیقات، دیکن استرالیا؛ عضو وابسته و رئیس شاخه تعلیم و تربیت فرهنگستان علوم

۲- استاد دانشگاه‌های تربیت معلم (خوارزمی)، آزاد اسلامی- واحد علوم و تحقیقات، دیکن استرالیا

۳- سروش، عبدالکریم (۱۳۸۰)

۴- فصلنامه نوآوری‌های آموزشی (شماره ۲۱، سال ۱۳۸۶) اغلب مقالات

۵- باقری، خسرو و همکاران (دیپاچه پژوهشکده ۱۳۸۹)

۶- Tashakkori, A. and C. Teddlia (2010)

۷- خرد ناب (Pure wisdom) با عقل حسابگر تفاوت دارد و در این خرد، خوش آمدن‌ها و بد آمدن‌ها راهی ندارد و عقل از هر گونه شائبه‌ای به دور است.

۸- نیک می‌دانیم که «درک نادانی بر مبنای درک دانایی» حاصل می‌آید.

۹- Review of literatures

۱۰- Background of the topic or introduction to the topic

۱۱- Theoretical prospect or theoretical orientation of the topic

۱۲- نادری، سیف نراقی (۱۳۸۹)

۱۳- Statement of the problem

۱۴- نادری، سیف نراقی (۱۳۹۴)

۱۵- Statistical population



آیا نظریه‌های ذهن در جستجوی کشف شیوه معناداری ذهن هستند؟

دکتر رضا نیلی پور^۱

روشنگری در نظریه‌پردازی‌های خود درباره شیوه معنی‌دار شدن ذهن و هستی و وجود پیش‌تاز بوده‌اند.

معمولاً در متون فلسفی از هر نظریه ذهن استعاری به عنوان نوعی جهان‌بینی یا مکتب فلسفی یاد شده است. البته علاوه بر فلاسفه ادیان مختلف نیز در زمینه ماهیت «نفس» و «وجود» به شیوه‌های استعاری نظریه‌پردازی‌های خاص خود را کرده‌اند که در محدوده بحث ما نیست. ولی از زمانی که انسان توانست خود را از قید و بندهای معرفت‌شناختی حاکم در قرون وسطی رها کند و آزادانه درباره نظریه ذهن بیندیشد دست به نظریه‌پردازی‌های جدیدی زد و بدین ترتیب بود که علوم جدید شکل گرفت.

علوم جدید و به ویژه علوم عصب‌شناسی، روان‌شناسی و زبان‌شناسی از عصر روشنگری به بعد با تأثیرپذیری از بعضی مکتب‌های فلسفی پیشین درباره نظریه ذهن و شیوه معنی‌دار شدن آن، به نظریه‌پردازی‌های جدیدی پرداختند. شاید بعضی از نامگذاری‌ها و مرزبندی‌های رایج برای علوم جدید به ویژه برای علوم انسانی از دوره رنسانس به بعد نشأت گرفته از پاره‌ای محدودیت‌هایی است که نظریه‌پردازی‌های پیشین درباره ماهیت و شیوه معنی‌دار شدن ذهن به آنها تحمیل کرده است.

از مجموعه سخنرانی‌های «مغز، شناخت و رفتار» یک جلسه سخنرانی تخصصی در تاریخ پنجشنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۹۵ در بیمارستان روزبه، سالن روان‌شناسی برگزار شد. در این نشست آقای دکتر رضا نیلی پور عضو وابسته و رئیس شاخه زبان‌شناسی فرهنگستان علوم سخنانی با عنوان «آیا نظریه‌های ذهن در جستجوی کشف شیوه معناداری ذهن هستند؟» ایراد کرد. خلاصه مقاله ایشان بدین شرح است:

«پاسخ کلی به این پرسش مثبت است. یعنی همه علوم بر اساس یک نظریه استعاری ذهن به دنبال کشف شیوه معنادار شدن ذهن بوده‌اند. ولی تنوع نظریه‌ها حاکی از آن است که هر کسی از ظن خود شد یار من! گویا هر نظریه ذهن بازتاب و پاسخشگویی درک دوران خود از ماهیت هستی و وجود بوده است؟ به طوری که در متون تاریخ فلسفه علم و علوم شناختی آمده بشر از دیرباز درباره «نفس»، «وجود» و «ماهیت هستی» دست به فلسفه‌ورزی و نظریه‌پردازی زده و همواره در تلاش بوده تا درباره ماهیت هستی و وجود و به تعبیر امروزی آن درباره «نظریه ذهن»، دست به یک جمع‌بندی معقولی بزند. عموماً حاصل این جمع‌بندی‌ها در قالب یک مکتب فلسفی و یا نظریه علمی و جهان‌بینی خاص بیان شده است. گویا فلاسفه پیش از ظهور علوم مدرن و حتی پیش از عصر

۱- عضو وابسته و رئیس شاخه زبان‌شناسی فرهنگستان علوم

بر اساس همین برداشت‌هاست که هر یک از علوم معروف به علوم انسانی مانند زبان‌شناسی، روان‌شناسی، فلسفه و حتی عصب‌شناسی کلاسیک متعهد به «نظریه ذهنی» شده‌اند که از نظر «چیستی» و «روش‌شناختی» با روند یادگیری‌های انسان و مبانی تکوین فردی و تکوین نوعی آنچه در مغز انسان می‌گذرد سازگاری زیادی ندارد. شاید زبان‌شناسی ساختارگرایی بلوم فیلدی و روان‌شناسی رفتارگرایی اسکینری که تا نیمه اول قرن بیستم رواج داشت، نشأت گرفته از محدودیت‌های جهان‌بینی عصر رنسانس برای شیوه معنی‌دار شدن ذهن باشد. به نظر می‌رسد عصب‌شناسی کلاسیک هم از همین محدودیت‌ها بی‌نصیب نمانده باشد.

ولی نتایج جهان‌بینی عصر روشنگری و فجایع جنگ‌های اول و دوم جهانی برای نظریه‌های ذهن علوم انسانی متکی به مطالعه رفتار بیرونی، هشدار بود بر علیه جهان‌بینی رفتارگرایی که گویی پاسخگوی همه خواسته‌های جنگ‌طلبانه انسان نبود. از همین رو بود که بالاخره علوم انسانی کلاسیک با علوم دیگر از جمله با علوم مهندسی گرد هم آمدند و برای رسیدن به پرسش جدیدی برای نظریه ذهن طرحی نو ریختند و علوم شناختی جدیدی در دانشگاه ام. آی. تی. پایه‌ریزی شد که هم از نظر «چیستی» و هم «روش‌شناختی» بر اساس اصول منطق صوری هماهنگ بود. به تعبیری می‌توان گفت پیام طرفداران این علوم شناختی به رفتارگرایان پیشین این بود که:

ما برون را ننگریم و قال را!

بل درون را بنگریم و حال را!

در حقیقت رواج این گروه از علوم شناختی که از نیمه دوم قرن بیستم شکل گرفت از نظر «چیستی» و «روش‌شناختی» به نظریه ذهن جدیدی متعهد شد که در متون از آن به «خردگرایی» یاد می‌کنند. این تحول معرفت‌شناختی جدید را لیکاف و جانسن با عنوان علوم شناختی نسل اول و بعضی از روان‌شناسان با عنوان انقلاب اول معرفت‌شناختی معرفی کرده‌اند. اگرچه انقلاب اول معرفت‌شناختی در علوم انسانی و به ویژه در زبان‌شناسی، روان‌شناسی و فلسفه برای چندین دهه رونق و پویایی جدیدی فراهم کرد، ولی چون از نظر روش‌شناختی به اصول منطق صوری دل بسته بود، علوم انسانی را هم به شیوه‌های محاسباتی منطق صوری محدود کرد و در مجموع دست‌آورد عمده آن دسترسی به تکنولوژی‌ها و سلاح‌های جنگی پیشرفته‌تر از دوران پیشین و از نظر

تربیتی‌گرایی به جهان‌بینی انسانی ماشینی و بیگانه‌تر از دوران پیشین خود شد. ولی دلبستگی بیش از حد جهان‌بینی علوم شناختی به اصول و روش‌شناسی منطق صوری به تدریج از طرف گروه‌هایی از متفکران علوم انسانی مورد ایراد قرار گرفت و سرانجام تحول معرفت‌شناختی جدیدی شکل گرفت که به تعبیر بعضی از روان‌شناسان منجر به انقلاب دوم معرفت‌شناختی شد. لیکاف و جانسن از این تحول جدید در جهان‌بینی علوم شناختی با عنوان علوم شناختی نسل دوم یاد کرده‌اند. خلاصه آنکه با پشت سر گذاشتن عصر روشنگری و پس از فجایع جنگ دوم جهانی دومین انقلاب معرفت‌شناختی در علوم انسانی یا علوم شناختی اتفاق افتاده که درباره نظریه ذهن هم از نظر «چیستی» و هم «روش‌شناختی» ادعاهای متفاوتی دارند و برای رسیدن به نظریه ذهن با تکیه بر یافته‌های پیشینیان جهان‌بینی جدیدی را پیشنهاد می‌کنند.

در این مقاله تلاش شده است تفاوت‌های اساسی معرفت‌شناختی نظریه ذهن این دو انقلاب معرفتی از نظر «چیستی» و «روش‌شناختی» به بحث گذاشته شود و علل و عوامل به چالش کشیده شدن سلطه بیش از دوهزار و اندی ساله فرضیه‌ها و نظریه‌های فلسفی غرب درباره اندیشه‌های پیشینی که لیکاف و جانسن مدعی آن هستند مورد بحث قرار گیرند.

یک پرسش اساسی که می‌توان برای جهان‌بینی نظریه ذهن مطرح کرد این است که آیا «نظریه ذهن» مبتنی بر «تجربه‌گرایی» پیشنهادی لیکاف و جانسن می‌تواند پاسخگوی ناکارآمدی‌های نظریه‌های پیشین باشد؟ و اگر نمی‌تواند ناکارآمدی‌های این جهان‌بینی چیست؟

منابع پیشنهادی برای بحث:

- نیلی پور، رضا (۱۳۹۴) زبان‌شناسی شناختی: دومین انقلاب معرفتی در زبان‌شناسی. انتشارات هرمس. تهران.

- Lakoff, G. & M. Johnson (1999) *Philosophy in the Flesh. The Embodied Mind and Its Challenge to Western Thought*. Basic Book.

- Lakoff, G. & M. Johnson (1980, 2003) *Metaphors We Live By*: The University of Chicago press.

- Feldman, J. (2006) *From Molecule to Metaphor: A Neural Theory of Language*. The MIT Press.

- The Oxford Handbook of Cognitive Linguistics (2007). Geeraerts & Guyckens (Eds.). Oxford University Press.



دامپزشکی از دیدگاه طب سنتی

دکتر حسن تاجبخش^۱

همان‌طور که در نشریه شماره قبل آمد، به همت گروه علوم دامپزشکی فرهنگستان علوم و در یک جلسه سخنرانی، آقای دکتر حسن تاجبخش عضو پیوسته فرهنگستان علوم و استاد ممتاز دانشگاه تهران پیرامون «دامپزشکی از دیدگاه طب سنتی» سخنرانی کرد.

در این نشست که رئیس، دبیر، معاونان، تعدادی از رؤسای گروه‌های علمی فرهنگستان، اعضای پیوسته، وابسته و همکاران مدعو گروه علوم دامپزشکی فرهنگستان، و تعدادی از استادان و دانشجویان دانشکده‌های طب سنتی حضور داشتند، ابتدا آقای دکتر محمدقلی نادعلیان ریاست گروه علوم دامپزشکی به حضار خیرمقدم گفت و در ادامه آقای دکتر تاجبخش به ایراد سخن پرداخت.

مشروح سخنان استاد تاجبخش به شرح ذیل برای آگاهی و بهره‌برداری علاقمندان آمده است:

«با تشکر از تشریف‌فرمایی همه استادان و دوستان و عرض معذرت از اینکه اسباب زحمت شدم. بیش از یک سال پیش، زمینه این سخنرانی پایهریزی شده بود که مطالبی در مورد وضعیت دامپزشکی سنتی عرض کنم. یاد می‌آید که در سال ۱۳۶۶ آخرین کتاب تخصصی خود، را که باکتری‌شناسی عمومی است و بیش از ۵ سال، شبانه‌روز کار کرده بودم

به چاپ رساندم. بنابراین هر کاری که لازم بود در زمینه‌های اساسی شغل خودم یعنی میکروب‌شناسی و ایمنی‌شناسی، انجام دادم و چاپ دهم کتاب باکتری‌شناسی عمومی تألیف اینجانب، امسال به چاپ رسیده است و بعد از آن به این رشته گرایش پیدا کردم و تقریباً تمام وقت، به غیر از کار دانشکده، تا جایی که توان بوده است شبانه‌روزی مشغول شدم. به همت بزرگوارانی چون آقای دکتر شمس اردکانی دبیر فرهنگستان علوم اولین دانشکده طب سنتی در دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۸۶ تأسیس شد و چندین دانشکده طب سنتی دیگر در سایر دانشگاه‌های کشور به تدریج تأسیس گردید.

قرار بود که دوره‌های دو سه ساله کارشناسی ارشد باشد و باز هم به کوشش خود ایشان و پیگیری دانشجویان اولیه که خیلی علاقه‌مند بودند به صورت دوره PHD در آمد و دانشکده پزشکی دانشگاه تهران، شهیدبهشتی، شاهد و متعاقب آن شیراز، تبریز، مشهد، یزد و بعد داروسازی سنتی در چند دانشکده ایجاد شد. در این زمان‌ها صحبت‌هایی بود در مورد ایجاد دوره‌هایی برای دامپزشکی سنتی منتها وضعیت بسیار بسیار متفاوت است بین پزشکی و دامپزشکی در طب سنتی. و من و دکتر نادعلیان همیشه از اینکه تخصصی به نام دامپزشکی سنتی باشد ابا داشتیم و این به علت ماهیت و وضعیت فعلی دانشکده‌های دامپزشکی و تخصص‌ها است که به محض اینکه یک تخصصی در جایی تصویب شد مثل فروشگاه‌های زنجیره‌ای، چه دولتی و چه غیردولتی شروع به ثبت نام می‌کنند و غیر از این اصولاً دامپزشکی سنتی ایران در طول تاریخ منعطف بوده به سوی اسب و طبیعتاً متفرعات اسب، استر، الاغ و شتر هم به آن توجه داشته‌اند، منتها کمتر و به همان شیوه‌ها و در هندوستان هم که چه طب آن و چه دامپزشکی آن در قلمرو زبان فارسی بود، در آنجا برای فیل‌ها چند کتاب دامپزشکی داریم که من در کتاب «تاریخ دامپزشکی و پزشکی ایران» نام مؤلفان آنها را آورده‌ام و از طرف دیگر حیوانات شکارگر و پرندگان شکارگر مثل شاهین، باز و باشه و سنقر و چرغ و انواع دیگر پرندگان جغدسان و عقاب‌وار برای شکار، بسیار اهمیت داشته است و به آن توجه داشتند.

همچنین باید گفت ایران سرزمین عقاب و شاهین و سیمرغ بوده و تا همین چند سال قبل مرتباً شاهین و عقاب البرز را می‌دیدیم که متأسفانه به واسطه شیوه‌های مبارزه برای تب کریمه کنگو و امثالهم برای از بین رفتن کنه، سمپاشی‌های شدیدی در لار که در دل البرز مرکزی قرار دارد، انجام گرفت و موجب نابودی این پرندگان دورپرواز زیبای پر عظمت شد. از طرفی در قسمت‌های بالاتر مثل گرگان و ... با

۱- عضو پیوسته گروه علوم دامپزشکی فرهنگستان علوم و استاد دانشگاه تهران

شکارهای بی‌رویه و یا خرید و فروش غیرقانونی این نوع پرندگان عملاً نسل این پرندگان شکاری از بین رفت.

اما از قدیم یعنی از ایران باستان، در کتاب فهرست ابن‌ندیم از چند کتاب دامپزشکی یاد شده از جمله کتابی که ترجمه اسحاق ابن سلیمان از منابع فُرس است که در مورد اسب و شیوه‌های پرورش و درمان آن و همچنین در مورد گاو، گوسفند، شتر و ... ترجمه اسحاق ابن سلیمان است. کتاب دیگر بیطره أَلَف الفرس، کتاب بیزره من الفرس بیزره یعنی بیماری‌های بازها و درمان آنها، بازداری در زبان عربی گشتک (تغییر صورت) می‌یابد و آن را بیزره یا باززره می‌گویند، همه اینها از باز فارسی می‌آید و هنوز فامیل‌هایی مثل بازدار داریم که نیاکان آنها، مسئول بازها و قوش‌های امرای سلطنتی برای شکار بودند.

در عین حال برای تمرین سواری هم مهم بوده که باز را می‌فرستادند سراغ صید و با اسب به سمتی که باز به طرف صید رفته، می‌تاختند و به هر حال بسیار مهم بوده که من بعدها در طی سالیان طولانی کار (حدود ۱۰ سال)، برای نوشتن کتاب تاریخ دامپزشکی و پزشکی، همه نسخه‌های موجود را در کتابخانه‌های مختلف ایران دیدم و در دنیا هم در کتابخانه ملی وین بررسی کردم و غیر از این میکروفیلم‌ها و کتاب‌های مختلفی که مربوط به ایران هست را در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران دیدم و بعضی از آنها را پیدا کردم. غرض این است که در ایران قدیم توجهی به اینها هم بوده از گفته‌های ابن‌ندیم هم مشخص است که اول از اسب می‌گفتند و اصولاً در دامپزشکی ایران و یونان بیشتر از همه متوجه اسب بودند و به حیوانات تولیدی توجه زیادی نداشتند و علت هم این بوده که جمعیت نسبتاً کم بوده، مراعات از بین نرفته بود مخصوصاً برای گوسفند بسیار فراوان بوده است. گاو بیشتر جنبه کار و استفاده دستی آن مطرح بوده و گاو شیری در ایران چندان گسترش نداشته به صورت انفرادی و روستایی پرورش می‌یافتند. بر خلاف اروپا که چمنزارهای وسیع و مرطوب مثل چمنزارهای بلژیک و سوئیس و بریتانیا و ... بود در ایران مجتمع گاوهای شیری وجود نداشته است و بیشتر توجه به اسب بوده است. در مورد کتاب‌های دامپزشکی باید گفت: اولین کتابی که ترجمه شده است کتابی است که آن را حنین ابن اسحاق در بیطره ترجمه کرده و به قدری این کتاب اهمیت دارد که تاش کوپری‌زاده که یکی از فهرست‌نویسان بزرگ عالم اسلام در اوایل قرن دهم بوده، گوید بیطره علم بسیار مهمی است.

دو کار مهم اسلام که حج و جهاد باشد در پشت حیوانات بارکش، بر پشت شتران و اسبان انجام می‌گیرد و از این نظر دانش بسیار بزرگواری

است و این جمله عربی «کفی بها رساله الحنین ابن اسحاق». وصف رساله حنین ابن اسحاق در کاتالوگ فهرست نسخ قدیمی کتابخانه ملی پاریس وجود دارد که این فهرست خودش عتیقه است چون حدود سال ۱۸۹۰ نوشته شده و یک چاپ هم بیشتر ندارد که در کتابخانه مجلس پیدا کردم و به اصرار اجازه دادند که مطالعه کرده و چند صفحه آن را عکس بگیرم و نسخه‌ای از کتاب حنین ابن اسحاق در آنجا ذکر شده و چند خطی از محتوای آن گفته و این ترجمه‌ای از کتاب تئومونوس یونانی است و درست در همین صفحه از رساله بیطره‌ای که قنبر غلام حضرت علی(ع) نوشته است و در کتابخانه ملی پاریس موجود است، یاد شده است. قنبر یا ابوالثعساع سوارکار ایرانی تنها برده حضرت علی(ع) نبوده و قاعدتاً یکی از سوارکاران بزرگ ایران بوده است که در یکی از جنگ‌ها اسیر می‌شود و حضرت علی(ع) ایشان را آزاد و مولای خودش می‌نماید یعنی تحت حمایت حضرت علی(ع) بوده و حالت رئیس دفتر ایشان را داشته است.

در تاریخ طبری در مورد جنگ صفین می‌گوید: وردان غلام رومی معاویه با حدود ۵۰۰۰ سوار در طلایع لشکر می‌رود. همچنین قنبر غلام حضرت علی(ع) با حدود ۳۰۰۰ سوار در مقابل وی قرار می‌گیرد. البته قنبر دانش سوارکاری که بیطره نیز در آن زمره است را نیز داشته است. به هر حال رساله‌ای در بیطره از قنبر در کتابخانه ملی پاریس باقی مانده است. در ضمن این نکته قابل ذکر است که اینجانب در کتابخانه ملی وین، یک رساله بیطره در مورد اسب و علائم و پرورش و درمان و داروها منسوب به حضرت علی(ع) دیدم و عکس چند صفحه آن را در کتاب دامپزشکی و پزشکی ایران جلد دوم دوران اسلامی منتشر کرده‌ام. بعدها شنیدم که یک نسخه از این رساله هم در کتابخانه خلیل آقا در مصر وجود دارد. در مورد این کتاب به نظر بنده باید گفت چیزی مثل طب‌النبی است که احادیث و سخنان پیامبر(ص) را در مورد پزشکی ذکر کرده و عده‌ای از دانشمندان مطالبی به آن اضافه کرده‌اند و سرانجام کتاب‌های طب‌النبی به وجود آمده است. از همه مهم‌تر طب‌النبی ابن‌القیس جوزیه هست. در ضمن دو رساله دامپزشکی از امروالقیس موجود است. باید گفت امروالقیس شاعر بزرگ عرب است که سراینده یکی از معلقات سبعه است و ابن‌امروالقیس ۶۷ سال قبل از بعثت پیامبر فوت کرده است و نوه او، امروالقیس ثانی اسلام می‌پذیرد. از قرائن برمی‌آید که وی از مریدان حضرت علی(ع) است و یک رساله در دامپزشکی از حضرت علی(ع) روایت کرده و خود نیز رساله‌ای در این زمینه نوشته است.



چنانچه اشاره شد دو رساله از امروالقیس در کتابخانه ملی وین موجود است که شخصاً آنها را بررسی کرده‌ام، رساله دیگری در کتابخانه ملی وین در مورد اسب وجود دارد که عنوان آن چنین است: «مِنْ ذَخَائِرِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ» که این رساله بیطره منسوب به سلیمان ابن داوود است و در آن از بعضی افراد مثل داوود عباسی و ... هم ذکر کرده است. بحث در مورد سلیمان ابن داوود چه در بیطره ایران و چه در پزشکی و طب کهن ایران وجود داشته چنانچه یک رساله فرسنامه برای سلطان سنجر نوشته شده، نسخه منحصر به فردی است که من در کتاب تاریخ دامپزشکی و پزشکی این نسخه را چاپ کردم و چند نسخه را می‌گویم که از مهتر سلیمان ابن داوود هستند یا سیداسماعیل جرجانی چند نسخه دارویی در ذخیره خوارزمشاهی ذکر می‌کند که این از سلیمان ابن داوود است. به هر حال روایت‌های شفاهی در این زمینه‌ها بوده است و سرانجام به صورت مکتوب درآمده است. در زمینه کتب دامپزشکی قدیم، از همه مهتر همان رساله حنین ابن اسحاق است که اصل آن متعلق به ثومونوس می‌باشد و حنین آن را به عربی ترجمه کرده و در سده‌های اولیه هجری اشاعه فراوانی داشته است و در کتابخانه ملی پاریس موجود است. در این کتابخانه چنانچه اشاره شد یک رساله نیز از قنبر غلام حضرت علی(ع) در مورد بیطره موجود است. سپس در فهرست ابن‌نديم می‌بینیم که کتابی ذکر می‌کند از محمد ابن حزام که میرآخور خلیفه معتصم عباسی (فوت ۲۲۷) بوده و کتابی ذکر می‌کند که برای متوکل نوشته است. متوکل سال ۲۴۷ فوت کرده است. در دایره المعارف اسلام کتاب ابن اخی حزام ذکر شده که به عنوان اولین کتاب تألیفی مسلمین است در بیطره یا دامپزشکی که برای متوکل عباسی نوشته می‌شود (۲۲۷ تا ۲۴۷). از این رساله دو نسخه در کتابخانه ملی پاریس و دو نسخه در British Musium در دایره المعارف اسلام معرفی شده است و بعد من رفتم در کاتالوگ نسخه‌های خطی قدیم کتابخانه ملی پاریس نگاه کردم، دیدم نوشته از محمد بن یعقوب است. این نسخه ناقص است، ولی نسخه کامل آن را سعادت داشتیم در سال ۱۳۷۴ در کتابخانه ملی وین کاملاً بررسی کردم و این کتابی است تقریباً حدود ۱۹۷ برگ که حوالی ۵۰۰ صفحه معمولی ما است (به نسخه چاپی که حساب کنیم) و از افراد مختلفی از منابع ایران، یونان و مشاهدات خودش است که کتاب بسیار بالارزشی است و این پایه دامپزشکی جهان اسلام است و به اعتقاد من با اتکاء به تجربیات بیش از ۲۵ ساله یکی از منابع پایه‌گذار دامپزشکی در جهان غرب همین رساله عزیز است.

در همان کتابخانه ملی وین خوشبختانه من رساله کامل الصناعتین ابوبکر بدر بيطار یا ابن منذر که رئیس تشکیلات بيطاری الملك الناصر از پادشاهان قلاوون بوده که اسم کتابش هم از اسم کتاب ابن اخی حزام گرفته شده، را دیدم و آنجا صریحاً ذکر می‌کند که ابن اخی حزام جبلی در عین حال فهرستنویس بزرگ آلمانی فلوگل که او هم این کتاب‌ها را فهرست کرده صریحاً ذکر می‌کند که ابن اخی حزام جبلی. این کتاب را من در کتاب خود بررسی کرده و چند صفحه‌اش را نوشته‌ام و تنها مدرکی در عالم اسلام است که آخرش می‌گوید برای اینکه کتاب من مفید فایده باشد از بیماری‌های گاو هم می‌نویسم و حدود ۵ صفحه و نیم راجع به بیماری‌های گاو نوشته و من تقاضا کردم که این صفحات را برای من فرستادند و آنها را ترجمه کردم و در کتاب تاریخ دامپزشکی پزشکی ایران آوردم و این تنها مدرکی است که در مورد بیماری‌های گاو در دامپزشکی ایران و جهان اسلام وجود دارد و غیر از آن ما دیگر هیچ چیز نداریم. اما اینجا مقداری مجال بحث است متأسفانه یک شیوه پان تورکیسم سال‌های اخیر بسیار گسترش پیدا کرده ابن‌سینا، مولانا را می‌گویند ترک هستند. من سر مزار مولانا با استادی در مورد این مسئله بحث کردم، گفتم مولانا می‌گوید:

پارسی گوی گرچه تازی خوشتر است

عشق را خود صد زبان دیگر است

زبان عشق، زبان مادری حضرت مولانا است و نه چیز دیگری. حالا معلوم است که چند تا نیم مصرع مولانا ترکی گفته است و حتی به جایی رسیده‌اند که شیخ ابوالحسن خرقانی را هم ترک حساب می‌کنند و فارابی را هم ترک حساب می‌کنند (البته فارابی در سرزمین ترک بوده ولی خودش از خاندان ایرانی است) و در دو سه دایره المعارف دیدم نوشته‌اند جبلی، جبلی نیست بلکه خُتلی یا خُتلی یا خُتلان است و دلیل آن هم این است که از فرسنامه حوالی قرن هشتم، که بحث در مورد آن را هم از کتاب‌های من گرفته‌اند از محمد خُتلی ذکر شده که واضع اسبنامه است و در کتاب آداب الحرب و الشجاعة که مبارکشاه نوشته و کتاب ارزشمندی است از یک بيطاری که از ختلان آمده و اسب‌های امیربخارا را بررسی کرد گفت: اینها گاو هستند نه اسب و به درد نمی‌خورند و اسبداری آنها را احیاء کرد و باز می‌گوید نسخه‌ای از کتاب ابوبکر بيطار نوشته شده که خُتلی است نه جبلی و از همین نوع دلائل بی‌پایه برای خود نتیجه می‌گیرند.

ختلان ناحیه‌ای در بدخشان است (تقریباً ناحیه‌ای است در ازبکستان امروز نزدیک سمرقند و بعد از یک شدند) و آن زمان اصلاً از پایه‌ها و

سرزمین‌های اساسی ایران و از مہدہای تمدن ایران بود و خاقانی می‌فرماید: «چو برخنگ ختلی خُرامد به میدان، امیرآخورش میرِ ختلان نماید»، و اسب‌های خیلی خوبی هم داشته است. اما در این کتاب کامل الصناعہ ابوبکر بدر بیطار که من در کتابخانہ ملی وین دیدم تقریباً قدیمی‌ترین نسخہ این کتاب است و کتاب بسیار ارزشمندی است و فلوگل هم، همین مطلب جبلی بودن را گفته است. اما در کتاب می‌بینم بسیاری از کلمات فارسی است. می‌گوید «روقیہ یصل بالفارسیہ علی محمد و آل محمد» روقیہ‌خوانی یا پری‌خوانی بوده که در قدیم رسم بوده که افرادی که دیوانگی یا بیماری عصبی داشتند را با روقیہ خوانی درمان کنند. یا می‌گوید اہالی اصفہان، ری و جبل عامہ در باربری از استر و الاغ بیشتر استفادہ می‌کنند و کلاً منطقہ جبل هستند. جبل ناحیہای است بین کرمانشاہان تا حد میانہ شیراز، یعنی ایزدخواست و غیرہ و گاهی ہم بہ کل ایران می‌گویند. در کتاب الاسرار رازی، در کیمیا دیدم کہ از زاج منوجانی ذکر می‌کند و می‌گوید منوجان ناحیہای از جبل اطراف قم است. بہ ہر حال کتاب اخی حزام بسیار ارزشمند است و اثراتی از آن بہ اروپا ہم رفته است.

مثلاً زگیل‌های مسری اسب در کتاب Veterinary virology ہم هست کہ آن را میرآخور خلیفہ عباسی مشخص کردہ است و بیماری‌هایی را ذکر می‌کند و انواع جراحی‌ها و از بعضی از دامپزشکان قدیم یادآور شدہ است. از اسبان مہرانی کہ مہران در قرن اول ہجری غلام زیاد بودہ و مادیان‌ها و اسب‌هایی داشتہ کہ بہ اسب‌های مہرانی معروف بودہ کہ بسیار خوب بودند و تا چند قرن معروف بودند.

وی از دامپزشکانی مثل بسطام و چند دامپزشک خراسان و غیرہ یاد می‌کند و مخصوصاً از بیماری مشمشہ و خنام ذکر می‌کند کہ فراوان است و در مورد درمانش ہم می‌گوید بہ همان شیوہ کہ خنام را در اسب درمان می‌کنند در انسان ہم درمان کنند. مشمشہ کہ دردناکترین بیماری‌های مشترک انسان و حیوانات است خیلی فراوان بودہ و بندہ شخصاً زمانی کہ دربارہ میکرب این بیماری کار می‌کردم یک بار مبتلا شدم و خداوند نجاتم داد و رنج آن را خیلی کشیدم و رنج آن خیلی فراوان بود. آخرین کانون آن را در دزلی کردستان در سال ۱۳۴۷ دیدم.

کتاب دیگری ہم کہ بسیار مہم است کتاب ابوبکر بدر بیطار است کہ نام آن کتاب، «کامل الصناعتین فی البیطرہ و زرتقہ» است. دو حرفہ یکی در بیطرہ و زرتقہ کلمہ و ذر روستا خانہ کشاورزی کہ از لاتین آمدہ و در زبان عربی گشتہ و بالاخرہ بہ زرتقہ در آمدہ است، در مورد پرورش و بیماری‌های اسبان است بہ خواہش الملک الناصر نوشتہ شدہ در سہ

جلد بہ زبان فرانسہ بہ نام Les deux arts حدود سال ۹۰-۱۸۸۰ ترجمہ شدہ و خلاصہای از آن ہم بہ آلمانی ترجمہ شدہ و از راہ این ترجمہ و این مایہای کہ از ابن خزام گرفتہ و یک کتاب دیگری با آن پایہ و مایہ دامپزشکی در اروپا ساختہ شدہ است.

کتاب ابوبکر بیطار بسیار قوی است و در عین حال او اولین کسی است کہ از اخلاق دامپزشکی می‌گوید کہ بیطار باید نماز را بہ پنج وقت بخواند، بہ خدا ایمان و اعتقاد داشتہ باشد، در بند پول و مال نباشد، اگر کسی اسبی آورد و پول نداشت، درمانش کند، اگر اسبی درمان نداشت، بگوید و بسیاری از مسائل دیگر. مجموعہای از کتاب‌هایی هست بہ نام Que s'ai je یعنی چہ می‌دانم، یکی از آنها راجع بہ تاریخ دامپزشکی است، کہ من آن را دارم و در آنجا از این کتاب ذکر کردہ و راجع بہ اندام‌شناسی و خارج بدن اسب بسیار خوب صحبت کردہ و از دامپزشکی زیاد صحبت نکرده است. یک کتاب دیگر بسیار ارزشمندی است بہ نام پادشاہ رسولی در یمن کہ پنجمین آن علی ابن داوود است. پادشاہان یمن تا حضر الموت و عربستان حکومت داشتند.

کتابی بہ نام الاقوال الکافیہ و اصول الشافیہ در بیطرہ و بسیار کتاب با ارزش و تراز اول است. شاید از کتاب ابن اخی خزام ہم مہمتر باشد. ابن پادشاہ در اواخر قرن ہشتم و در اوایل قرن نہم بودہ است. من زمان نوشتن این نسخہ را حدود ۷۸۰ ق می‌دانم. مؤلف می‌گوید خیلی‌ها مطالب دامپزشکی کہ نوشتہ‌اند تنها از خواندن مدارک بودہ ولی من خودم کہ دیدہ‌ام و عمل کردہ‌ام. پادشاہ بودہ و کار بیطاری ہم انجام می‌دادہ و چنانچہ ما در ایران قدیم ہم داشتیم ہرمز پسر شاپور ساسانی را کہ استاد تراز اول بیطاری بودہ و در تاریخ معجم این نکتہ گفتہ شدہ است. با اینکه تاریخ معجم ایران باستان را زیاد نمی‌شود بہ آن تکیہ کرد ولی بسیار بیہودہ نمی‌توان گفت. کتاب الاقوال الکافیہ بہ دستور خسروخان والی کردستان در ۱۲۵۵ ق ترجمہ شدہ و چند نسخہ از آن موجود است. اصل آن بہ اسم کنزالہدایہ در کتابخانہ ملی وجود دارد، یک نسخہ ہم با عنوان عرفان الخیول در کتابخانہ مرکزی دانشگاه و یک نسخہ در کتابخانہ مجلس و یک نسخہ نفیس در قاہرہ است و کتاب بسیار بالارزشی است و مؤلف آن اولین کسی است کہ طاعون اسبی را بہ طور خیلی واضح ذکر می‌کند و می‌گوید حدود ۷۷۵ بیماری آمد کہ هیچ کس ندیدہ و نشناختہ بودہ و اسب یک دفعہ می‌مرد و از حضر الموت شروع شدہ بود، مکہ را فرا گرفت و بہ یمن و بعد از آنجا بیرون رفت و بیشتر اسب‌های خوب را از بین برد. این مطلب در فرہنگ دنیا ہم ذکر شدہ و آن را اشتباہاً بہ ابوبکر بدر بیطار منسوب کردہ‌اند.

دامپزشکی سنتی را مثل پزشکی سنتی احیاء کنیم برای چه احیاء کنیم، اسبی نداریم. من یادم می‌آید سال ۱۳۳۸ مرحوم دکتر کاوه استاد بزرگوار، رئیس اداره دامپزشکی و استاد ما بود و بنده را برای دانشکده ایشان انتخاب کرد. در آن سال طاعون اسبی خصوصاً در فارس ظاهر شد و دکتر کاوه برای بررسی بیماری در ایل قشقایی رفته بود، افسوس می‌خورد و می‌گفت: اسبان ما از بین رفتند. اسبانی که در آن موقع شصت هزار تومان ارزش داشت. در آن زمان کادیلک پنج هزار تومان بود. اکنون چندان اسبی نداریم.

در مورد طیور هم چیزی نوشته نشده و به این ترتیب ما نمی‌توانیم دامپزشکی سنتی گاو، بز، گوسفند و طیور را اجرا کنیم چون طب سنتی حداقل پنج هزار سال سابقه دارد ولی در مورد دامپزشکی سنتی این حیوانات، چیزی نبود. حتماً بیطاران سنتی در قدیم با دانش خود کارهایی می‌کردند و حیوان حلال گوشت را زیر تیغ می‌پرده و یا حلال می‌کردند و در این زمینه چیز زیادی نمی‌توان گفت. در مورد داروهای گیاهی و اگر واقعاً داروهای خوبی باشد و تجربه هم باشد خوب است. انستیتو تحقیقات دامپزشکی سنتی خوب است و عیب ندارد اما اینکه مستقیماً رشته دامپزشکی سنتی مثل طب سنتی پزشکی ایجاد شود صحیح نیست».

در کتاب‌هایی که پروفسور بلانکو می‌نوشت و یک نسخه برای من فرستاد. این را بلانکو، رئیس O.I.E مرکز بیماری‌های واگیر اشتباه گفته بود و من اصلاح کردم و بعد در لیون من او را دیدم و گفت یک نفر یک اشتباه می‌کند و دومی همان اشتباه را تکرار و همین‌طور زنجیروار اشتباه را ادامه می‌دهند و اصل آن را نمی‌بینند ولی تو، اصل آن را دیدی و اصلاح کردی.

آن کتاب عزیر ابوبکر بدر بیطار هم به دستور احمد شاه در درانی، سردار نادرشاه که بعد از مرگ نادرشاه افغانستان را مستقل کرد، ترجمه شده است. در فارسی هم کتاب‌های زیادی هست، یکی فرسنامه منسوب به ارسطو از ایران قدیم است که من در جلد اول کتابم، آن را تصحیح کردم. دو رساله از جامع‌العلوم است، یکی بیطره و یکی بیزره که هر دو را تصحیح انتقادی کردم. یکی فرسنامه صدفاب و دیگری مضمار دانش که کتاب بسیار بالارزشی است که تصحیح شد، اما هیچ‌کدام اینها به کتاب‌های الاقوال الکافیه و ابوبکر بدر نمی‌رسند.

اما ما حاصل کلام این است که همه این کتاب‌ها، مدارک بالارزشی است و همه در مورد بیماری‌های اسب است و یک اشاراتی هم به بیماری‌های پیل و شتر و ... دارد. اما در مورد بیماری‌های حیوانات تولیدکننده، چیزی جز، اندکی در کتاب ابن اخی خُزام نداریم و امروز اگر بخواهیم

مهندسان باید الگوی اخلاق و ارزش‌های انسانی باشند

دکتر مهدی بهادری‌نژاد



آقای دکتر مهدی بهادری‌نژاد عضو پیوسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران و استاد مهندسی مکانیک دانشگاه صنعتی شریف طی یک جلسه سخنرانی در یزد با بیان اینکه مهندسان بعد از معلمان بیشترین تماس را با مردم دارند، تأکید کرد که با توجه به شمار زیاد مهندسان در سراسر کشور، مهندسان می‌توانند تأثیر بسزایی در پرورش ارزش‌های انسانی و اخلاق حرفه‌ای داشته باشند و مهندسان می‌توانند نقش مهمی را در توسعه جهان با هدف

دستیابی به دنیای آرام و مرفه‌تر ایفا کنند. دکتر بهادری‌نژاد ادامه داد: مهندسی که اخلاق‌مند است، ایمنی و سلامت را در طراحی و محاسبات و ساخت دستگاه رعایت می‌کند و از مواد و انرژی استفاده بهینه می‌کند و در نهایت با رعایت اخلاق مهندسی، شغل و رفاه و شادی برای خود و جامعه به ارمغان می‌آورد. ایشان از مهندسان خواست خدمات خود را با مراعات بالاترین درجه ایمنی ارائه دهند و ایمنی، سلامت و رفاه عمومی را در اولویت کار خود قرار دهند. عضو پیوسته فرهنگستان علوم همچنین با اشاره به افزایش بیماری‌ها و مرگ و میر، آلودگی هوا و غیره، گفت: اخلاق محیط‌زیستی یکی از موارد مهمی است که باید حتماً رعایت شود و تمام مردم به‌ویژه مهندسان اخلاق‌مند، مسئولیت خطیری برای جلوگیری از انهدام محیط‌زیست و احیای آن برای زندگی انسان‌ها، حیوانات و گیاهان دارند.



اعضا

معرفی



آکادمی ملی علوم آمریکا^۱

تاریخچه

آکادمی ملی علوم در ۳ مارس سال ۱۸۶۳ م.، در اوج جنگ داخلی به فرمان رئیس‌جمهور آبراهام لینکلن، تأسیس شد. ریشه‌های آکادمی ملی علوم را می‌توان در اوایل دهه ۱۸۵۰ م. یافت، یعنی هنگامی که گروهی از دانشمندان که عمدتاً در شهر کمبریج^۲ واقع در ایالت ماساچوست^۳ بودند، برای این کار اهتمام ورزیدند.

سناتور هنری ویلسون^۴ از ماساچوست برای شکل‌گیری آکادمی ملی علوم پیش‌نویس لایحه‌ای را تنظیم کرد. ویلسون این لایحه را در بیست فوریه سال ۱۸۶۳ م. به سنا برد و در تاریخ سوم مارس همان سال این لایحه به تصویب سنا رسید. متعاقباً لایحه مذکور در اواخر همان روز در مجلس نمایندگان به تصویب رسید و قبل از پایان روز با امضای رئیس‌جمهور، این حکم به صورت قانون درآمد. آکادمی ملی علوم رسماً کار خود را با پنجاه عضو آغاز کرد و در خلال سال‌های بعد نیز برجسته‌ترین دانشمندان کشور از طریق انتخابات به آن پیوستند.

آکادمی ملی علوم به تدریج خدمات خود به دولت را وسعت بخشید. در خلال جنگ جهانی اول مشخص شد که اعضای محدود آن زمان آکادمی که جمعاً ۱۵۰ نفر بودند، توانایی پاسخگویی به حجم زیاد درخواست‌های ارتش برای ارائه خدمات مشورتی را ندارند. در پی درخواست رئیس‌جمهور تامس ویلسون^۵ در سال ۱۹۱۶ م.، آکادمی ملی

علوم اقدام به جذب متخصصان علمی و فنی کشور کرد و شورای پژوهشی ملی تشکیل داد تا به دولت نظرات مشورتی ارائه کند. ویلسون که به ارزش توصیه‌های علمی در زمان صلح و جنگ برای ملت واقف بود، به محض خاتمه جنگ جهانی اول طی فرمانی از آکادمی خواست تا شورای پژوهشی ملی ایجاد کند. فرمان‌های اجرایی رئیس‌جمهور آیزنهاور^۶ در سال ۱۹۵۶ م. و رئیس‌جمهور بوش^۷ در سال ۱۹۹۳ م. موجب شد تا شورای پژوهشی ملی ابعاد وسیع‌تری داشته باشد.

سازمان آکادمی ملی علوم

آکادمی ملی علوم در سال ۱۸۶۳ م. با فرمان کنگره و با امضای رئیس‌جمهور لینکلن به عنوان مؤسسه‌ای خصوصی و غیر دولتی تأسیس شد تا در زمینه علم و فناوری برای ملت نظرات مشورتی ارائه کند. اعضا توسط همتا‌های خود و با توجه به سهم بسزایی که در پژوهش داشته‌اند، انتخاب می‌شوند. رئیس کنونی این آکادمی دکتر رالف جی. سیسرونه^۸ می‌باشد.

آکادمی علوم مهندسی

آکادمی علوم مهندسی در سال ۱۹۶۴ م.، طی فرمانی به عنوان نهاد زیرمجموعه آکادمی ملی علوم تأسیس شد تا به کمک مهندسان، نظرات مشورتی به ملت ارائه دهد. اعضای این آکادمی را هم‌تایان آنان از میان اشخاصی که سهم خارق‌العاده‌ای در مهندسی داشته‌اند، انتخاب می‌کنند. این آکادمی مؤسسه‌ای مستقل و غیرانتفاعی می‌باشد و نقش پیش‌تاز در مهندسی کشور ایفا می‌کند و از این رهگذر به ملت خدمت می‌کند. هدف از تشکیل این آکادمی پیشبرد رفاه ملت از طریق ارتقاء شغل مهندسی و بسیج نیروهای متخصص و اشاعه بینش عالمانه مهندسان برجسته برای ارائه توصیه‌های مستقل به دولت فدرال در زمینه‌های مهندسی و فناوری می‌باشد. اعضای این آکادمی متخصصان برجسته علمی و فناوری در جهان می‌باشند. این اعضا نقش رهبری و پیشگامی در بسیاری از پروژه‌های مهندسی و فناوری دارند. در صورت درخواست هریک از بخش‌های دولتی، این آکادمی به بررسی، پژوهش، آزمایش و ارائه گزارش در هر زمینه علمی می‌پردازد.

برنامه‌های فعالیت‌های مهندسی در پارامی از موارد با همکاری آکادمی ملی علوم و آکادمی علوم پزشکی به صورت مشترک انجام می‌شود. این آکادمی دارای سرمایه و بودجه عملیاتی مستقل می‌باشد. این آکادمی علاوه بر تشکیلات اداری خود درواشنگتن دی. سی.، دارای سالن‌های

1. US National Academy of Sciences
2. Cambridge
3. Massachusetts
4. Henry Wilson
5. President Thomas Wilson

6. President Eisenhower
7. President Bush
8. Dr. Ralph J. Cicerone



سخنرانی در ایرواین^۹ کالیفرنیا و وودز هول^{۱۰} ماساچوست است. دکتر موت^{۱۱} در حال حاضر رئیس این آکادمی است.

آکادمی علوم پزشکی

آکادمی ملی علوم طی فرمانی مؤسسه پزشکی را در سال ۱۹۷۰ م. تأسیس کرد. این مؤسسه در سال ۲۰۱۵ م. به آکادمی ملی پزشکی تغییر نام یافت و به دو آکادمی دیگر پیوست. این آکادمی سازمانی غیر مستقل می‌باشد که اعضای آن را دانشمندان ممتاز رشته‌های گوناگون پزشکی، بهداشت، علوم طبیعی و علوم رفتاری تشکیل می‌دهند.

این آکادمی در زمینه‌های پزشکی و سلامت، نظرات مشورتی به ملت ارائه می‌کند. اعضای این آکادمی را هم‌تایان آنان از میان اشخاصی که در زمینه پزشکی و سلامت دستاوردهای ممتاز داشته‌اند، انتخاب می‌کنند. رئیس فعلی این آکادمی دکتر دزاعو^{۱۲} می‌باشد. آکادمی علوم پزشکی توسط شورا اداره می‌شود. این شورا از شش مدیر و دوازده عضو مشاور که توسط اعضا انتخاب شده‌اند، تشکیل یافته است. رئیس قبلی این آکادمی به مدت یک سال بعد از دوران ریاست خود در این شورا کماکان عضویت دارد. شورا چهار بار در سال تشکیل جلسه می‌دهد. بدین ترتیب شورا می‌تواند به بررسی امور جاری پیردازد و تصمیمات لازم را اتخاذ کند.

هر سه آکادمی با همدیگر همکاری می‌کنند تا تحلیل‌ها و توصیه‌های بی‌طرفانه مستقل ارائه نمایند و فعالیت‌های دیگری انجام دهند تا برای مسائل پیچیده راه‌حل بیابند. این آکادمی‌ها همچنین به ترویج آموزش و پژوهش می‌پردازند و فعالیت‌های ارزشمندی را که در راه علم انجام می‌شوند، ارج می‌نهند و به افزایش درک جامعه در زمینه‌های علوم، مهندسی و پزشکی می‌پردازند.

مدیریت آکادمی

آکادمی ملی علوم با یک شورای هفده نفره مدیریت می‌شود. این شورا متشکل از رئیس، معاون، دبیر خارجی، دبیر داخلی، و خزانه‌دار و دوازده مشاور منتخب از میان اعضای آکادمی است.

عضویت

اعضای منتخب آکادمی ملی علوم دانشمندانی هستند که پژوهش‌های ممتازی انجام داده‌اند و دستاوردهای علمی کم‌نظیر داشته‌اند. در این آکادمی‌ها، عضویت، نشانه برجستگی علمی عالی افراد منتخب و بالاترین افتخار علمی قابل دستیابی آن دانشمندان

می‌باشد. از آنجا که اعضا انتخابی هستند، فرآیندی برای درخواست عضویت موجود نیست. دانشمندان زیادی به صورت غیر رسمی برای عضویت توصیه می‌شوند اما اعضای آکادمی‌ها می‌توانند به صورت رسمی کاندیداهای مورد نظر خود را معرفی کنند. کاندیداهای معرفی شده پس از طی فرآیند پیچیده غربالگری در اجلاس سالیانه آکادمی که در ماه آوریل برگزار می‌شود، انتخاب می‌شوند. در حال حاضر حداکثر هشتاد و چهار عضو جدید در هر سال انتخاب می‌شوند. اعضای منتخب باید شهروند آمریکایی باشند. شهروندان غیر آمریکایی تحت عنوان اعضای خارجی انتخاب می‌شوند. سقف انتخاب اعضای خارجی در هر سال بیست و یک نفر است.

تعداد کل اعضای کنونی آکادمی ملی علوم آمریکا ۲۲۵۰ نفر است. از این تعداد، ۲۱۶ نفر زن و ۴۴۰ نفر از آنان اعضای خارجی می‌باشند و ۲۰۰ نفر از آنان نیز موفق به اخذ جایزه نوبل شده‌اند.

مطالعات خط‌مشی و گزارش‌ها

امور خط‌مشی از طریق آکادمی‌های ملی علوم، علوم مهندسی و پزشکی انجام می‌شود. هر سال بیش از ۶۰۰۰۰ کارشناس از جمله اعضای آکادمی‌های علوم، علوم پزشکی و مهندسی به صورت داوطلبانه در صدها کمیته مطالعاتی که مسئولیت بررسی مسائل حاد جامعه را دارند، خدمت می‌کنند. گزارش‌های حاصل از جلسات این کمیته‌ها معمولاً مبنای خط‌مشی همگانی را برای دهه‌های آتی ترسیم می‌کند. به علاوه اعضای کمیته‌های دائمی و میزگردها به ارائه توصیه‌های جاری و راهنمایی در مسائل مختلف می‌پردازند.

انتشارات

یکی از مشهورترین نشریات سریال علمی چندرشته‌ای جهان که دارای بالاترین میزان نقل قول و مراجعه در جهان می‌باشد، نشریه مجموعه مقالات آکادمی ملی علوم^{۱۳} است. این نشریه گزارش‌های پژوهشی، حاوی آخرین دستاوردهای علمی، اظهارنظرها، نقد، مقالات مختلف در زمینه‌های بیولوژی، فیزیک و علوم اجتماعی است. نشریه مذکور به صورت هفتگی و روزانه برای اشخاصی که آبونمان شده‌اند، از طریق اینترنت قابل دسترسی است. نشریه اینترنتی، حاوی متن کامل مقالات می‌باشد. گزیده‌ای از بخش‌های این نشریه نیز به صورت رایگان قابل دسترس است. کلیه محتویات این نشریه شش ماه پس از انتشار به صورت رایگان در دسترس هستند.

9. Irvine
10. Woods Hole
11. Dr. C. D. Mote, Jr.
12. Dr. Victor J. Dzau
13. The Proceedings of the National Academy of Sciences (PNAS)

انتشارات آکادمی‌های ملی علوم

این مؤسسه انتشاراتی، گزارش‌های منتشره از سوی آکادمی‌های علوم، مهندسی، پزشکی و شورای پژوهشی علمی را به طبع می‌رساند. انتشارات مذکور در هر سال بیش از ۲۰۰ کتاب منتشر می‌کند که در برگیرنده مستندترین نظرات علمی و بهداشتی می‌باشند. علاقمندان می‌توانند از طریق اینترنت هزاران نوع گزارش را به صورت رایگان دانلود کنند.

زندگینامه علمی

از سال ۱۸۷۷ م. تاکنون تاریخچه زندگی تعدادی از اعضای درگذشته آکادمی‌های ملی علوم به چاپ رسیده است. این زندگینامه‌ها توسط هم‌تایان اعضای مذکور که با کار آن اشخاص آشنایی دارند، نگاشته شده است. از این رو این مجموعه دربرگیرنده تاریخ علم آمریکا نیز هست.

مجموعه اینترنتی شامل ۱۶۰۰ زندگینامه می‌باشد که در میان آنها زندگینامه افراد مشهوری نظیر لوئیس آگاسیز^{۱۴}، جوزف هنری^{۱۵}، تامس ادیسون^{۱۶}، الکساندر گراهام بل^{۱۷}، و انسان‌شناس نامدار، مارگارت مید^{۱۸} و روانشناس و فیلسوف جان دیویی^{۱۹} را می‌توان یافت.

مسائل علم و فناوری^{۲۰} نشریه‌ای است که در آن به سیاست عمومی مرتبط با علم، مهندسی و پزشکی پرداخته می‌شود. این نشریه شامل سیاست علم (ما چگونه سلامت مؤسسات پژوهشی را پرورش می‌دهیم) و علم برای سیاست (ما چگونه دانش را بصورت مؤثرتری برای دستیابی به اهداف اجتماعی بکار می‌بریم) است.

اهداف آکادمی بهبود کارایی سیاست عمومی و خصوصی برای ایجاد دنیای بهتر و بالابردن سطح مباحثات و احترام متقابل در میان تمام کسانی است که سهم مهم علم و فناوری را ارج می‌نهند.

مسیر پژوهش در جهت منافع انسانی^{۲۱}، مجموعه‌ای از مطالعات موردی می‌باشد که از سال ۱۹۹۶ م. تا سال ۲۰۰۳ م. از طریق آکادمی انجام پذیرفته است. این مطالعات به شناسایی و تعیین مبداء پیشرفته‌ای مهم فنی و پزشکی پرداخته است. هر مطالعه موردی نقش حیاتی ایفا شده از طریق علوم پایه را آشکار می‌سازد. نقشی که کاربرد آن در زمان انجام پژوهش ناشناخته مانده بود. این مقالات از طریق مشارکت نویسندگان حرفه‌ای علوم و دانشمندان برجسته که مستقیماً درگیر چنین کشفیاتی بوده‌اند، تهیه شده‌اند.

مقالات این مجموعه بصورت فایل‌های پی‌دی‌اف در سایت آکادمی موجود و قابل دسترسی می‌باشند. این مقالات روزآمد یا تجدیدنظر نشده‌اند در نتیجه پیشرفت‌های بعدی علم و فناوری در آنها منعکس نشده است.

اساسنامه آکادمی ملی علوم آمریکا

مقدمه

آکادمی ملی علوم آمریکا بر اساس قانون مورخ ۳ مارس سال ۱۸۶۳ م. کنگره و تصویب رئیس‌جمهور وقت آمریکا در همان تاریخ و با توجه به اصلاحیه مورخ ۱۴ ژوئیه ۱۸۷۰، ۲۰ ژوئن ۱۸۸۴ و ۲۷ مه ۱۹۱۴ م. بر اساس اساسنامه ذیل فعالیت می‌کند.

ماده ۱- اعضا

ماده ۲- مدیران و سازمان

ماده ۳- جلسات

ماده ۴- انتخابات و ضوابط

ماده ۵- گزارش‌ها

ماده ۶- کمک‌های مالی مردمی

ماده ۷- تفویض اختیارات

ماده ۸- اضافات و اصلاحیه‌ها

ماده ۱- اعضا

بخش ۱- آکادمی متشکل از اعضا، اعضای بازنشسته و اعضای خارجی خواهد بود. اعضا باید شهروند ایالات متحده باشند.

ماده ۲- مدیران و سازمان

بخش ۱- مدیران آکادمی عبارت خواهند بود از رئیس، معاون، دبیر خارجی، دبیر داخلی و یک خزانه‌دار که از میان اعضا انتخاب می‌شوند.

رئیس طی دوره‌ای که در هر مورد توسط شورا تعیین خواهد شد انتخاب و یا تجدید انتخاب می‌شود. انتخاب رئیس از طریق رأی‌گیری خواهد بود. نحوه رأی‌گیری در دستورالعمل‌های آکادمی مشخص خواهد گردید. رأی‌گیری باید در اجلاس سالانه در اول ژوئیه برگزار شود.

معاون، دبیر داخلی، دبیر خارجی و خزانه‌دار برای مدت چهار سال انتخاب یا تجدید انتخاب می‌شوند. انتخابات این مدیران به نحوی که در دستورالعمل‌ها قید شده، قبل از اجلاس سالانه در اول ژوئیه برگزار می‌شود.

تاریخ انقضای مدت مدیریت تمام مدیران مذکور ۳۰ ژوئن خواهد بود.

14. Louis Agassiz
15. Joseph Henry
16. Thomas Edison
17. Alexander Graham Bell
18. Margaret Mead

19. John Dewey
20. Issues in Science and Technology
21. The Path from Research to Human Benefit

چنانچه یکی از این پست‌ها، به استثنای پست ریاست، خالی شود، شورا می‌تواند شخصی را برای تصدی پست مربوط تا تاریخ ۳۰ ژوئن تعیین نماید. چنانچه پست ریاست خالی شود، معاون وی به عنوان جانشین انجام وظیفه می‌کند تا اینکه شورا ترتیب برگزاری انتخابات را بدهد.

شورا

بخش ۲- مدیران آکادمی همراه با دوازده عضوی که توسط آکادمی انتخاب خواهند شد، شورایی را برای انجام کارهایی که در اساسنامه یا دستورالعمل‌ها یا توسط آکادمی مشخص می‌شوند، تشکیل خواهند داد.

کمیته اجرایی

بخش ۳- شورای آکادمی یک کمیته اجرایی خواهد داشت که شامل هفت عضو بدین شرح خواهد بود: رئیس و معاون آکادمی، دبیر داخلی، خزانه‌دار و اعضای دیگر شورا که توسط رئیس منصوب می‌شوند. دوره خدمت این اعضا در کمیته اجرایی مقارن با دوره خدمت آنان در پست اولیه‌شان می‌باشد. به استثنای موارد مربوط به تعیین کاندیدا برای عضویت در آکادمی، کمیته اجرایی در فاصله بین جلسات شورا، از تمام قدرت شورای آکادمی برخوردار خواهد بود مگر آنکه شورا فرمان دیگری داده باشد. رئیس و دبیر داخلی آکادمی به ترتیب رئیس و دبیر کمیته اجرایی شورا خواهند بود.

بخش‌ها

بخش ۴- آکادمی توسط شورا به بخش‌هایی تقسیم خواهد شد که شاخه‌های اصلی پژوهش‌های علمی را در بر می‌گیرند. هر بخش رئیس خود را برای مدت سه سال انتخاب می‌کند. رئیس هر بخش مسئولیت انجام امور آن بخش را بر عهده خواهد داشت.

کمیته مالی

بخش ۵- یک کمیته مالی با ریاست خزانه‌دار تشکیل خواهد شد. اعضای این کمیته عبارتند از: رئیس آکادمی یا معاون به عنوان جانشین رئیس، خزانه‌دار و حداکثر شش عضو از آکادمی که توسط رئیس آکادمی منصوب می‌شوند. یکی از این شش نفر باید عضو هیأت اجرایی شورای پژوهشی ملی آکادمی باشد. کمیته مالی موظف به صیانت از تمام منابع مالی آکادمی خواهد بود.

رئیس آکادمی

بخش ۶- در صورت غیبت و یا ناتوانی رئیس آکادمی در انجام امور، ریاست جلسات آکادمی و شورای آکادمی را معاون بر عهده خواهد

داشت. وظیفه تشکیل تمام کمیته‌هایی که از جانب شورا تأیید شده است، بر عهده رئیس است. رئیس مسئولیت ارجاع کلیه درخواست‌های دولت ایالات متحده به اعضا یا اشخاص دیگر را دارد. رئیس آکادمی عهده‌دار ریاست شورای پژوهشی ملی و هیأت اجرایی آن است. در صورت غیبت طولانی رئیس یا ناتوانی وی، شورای آکادمی، معاون آکادمی را به عنوان رئیس موقت شورای پژوهشی ملی تعیین می‌کند.

درخواست‌های دولت

رئیس آکادمی بنا به اقتضای شغلی خود، در تمام کمیته‌هایی که برای بررسی مسائل ارجاعی دولت ایالات متحده در آکادمی تشکیل خواهند شد، عضویت خواهد داشت.

دبیران

بخش ۷- دبیران خارجی و داخلی تحت نظر رئیس آکادمی و شورا فعالیت خواهند داشت و گزارش عملکرد خود را در یکی از اجلاس‌های سالانه ارائه خواهند کرد.

خزانه‌دار

بخش ۸- مسئولیت کلیه امور مربوط به پرداخت‌ها و دریافت‌های آکادمی و گردآوری مطالبات، حق عضویت‌ها و امور حسابداری، بر عهده خزانه‌دار می‌باشد.

آکادمی ملی مهندسی

بخش ۹- آکادمی ملی مهندسی به عنوان بخشی از آکادمی ملی علوم فعالیت خواهد کرد.

مؤسسه پزشکی

بخش ۱۰- مؤسسه پزشکی به عنوان بخشی از آکادمی ملی علوم فعالیت خواهد کرد.

شورای پژوهشی ملی

بخش ۱۱- در پی درخواست‌های رؤسای جمهور ایالات متحده در سال‌های ۱۹۱۸، ۱۹۵۶ و ۱۹۹۳ م.، آکادمی، یک شورای پژوهشی ملی خواهد داشت.

ماده ۳- جلسات آکادمی

بخش ۱- آکادمی یک جلسه سالانه خواهد داشت که در آوریل هر سال در شهر واشنگتن برگزار می‌شود. جلسات دیگری نیز توسط شورا تشکیل خواهد شد. شورا اختیار تعیین زمان و مکان چنین جلساتی را خواهد

داشت. اعضا حداقل شصت روز قبل از تشکیل چنین جلساتی، طی اعلامیه‌ای از تاریخ آن کتباً مطلع خواهند شد. شورا اهداف و محتوای کلی کلیه این جلسات را مشخص خواهد کرد و تحت نظر دبیر داخلی، کمیته‌هایی را برای تدارک جلسات تأسیس خواهد کرد.

ماده ۴ - انتخابات و ضوابط

بخش ۱- تمام انتخابات مدیران و اعضا با رأیگیری و بصورت مجزا انجام خواهد پذیرفت.

بخش ۲- شورا، نظارت کلی در انتخاب مدیران آکادمی خواهد داشت. شورا، تاریخ برگزاری هریک از انتخابات را تعیین می‌نماید و کمیته‌های تعیین کاندیداهای مورد نیاز را ایجاد خواهد کرد.

روش انتخابات

بخش ۳- انتخابات اعضا در اجلاس سالانه و به ترتیب ذیل درواشنگتن برگزار خواهد شد. دو مرحله رأیگیری وجود دارد که در آیین‌نامه‌های داخلی به آن اشاره خواهد شد. رأیگیری تعیین اولویت، قبل از اجلاس سالانه انجام می‌پذیرد و رأیگیری نهایی در اجلاس سالانه انجام خواهد شد.

ماده ۵ - گزارش‌ها

گزارش سالانه

بخش ۱- گزارش سالانه‌ای توسط رئیس آکادمی به کنگره تقدیم خواهد شد. این گزارش حاوی موارد ذیل می‌باشد: گزارش‌های سالانه خزانه‌دار، کمیته حسابرسی، خلاصه گزارش‌های کمیته‌های مسئول کمک‌های مالی مردمی، و گزارش فعالیت‌های آکادمی در سال مالی قبل و مطالب ضروری دیگر. این گزارش توسط رئیس آکادمی و پس از تأیید شورا به کنگره تقدیم خواهد شد. ضمناً گزارش مذکور در اجلاس سالانه بعد نیز مطرح خواهد شد.

گزارش خزانه‌دار

بخش ۲- در پایان سال مالی، خزانه‌دار، گزارش کاملی از امور مالی آکادمی تهیه می‌کند. این گزارش برای تأیید به شورا ارسال می‌شود و در اجلاس سالانه ارائه خواهد شد. خزانه‌دار اظهارنامه مالی مکملی نیز در اواسط سال مالی برای ارائه در اجلاس سالانه تهیه می‌کند.

درخواست‌های دولت

بخش ۳- پیشنهاد انجام پژوهش و ارائه گزارش توسط آکادمی باید برای

تأیید به شورا ارسال شود. متعاقباً رئیس آکادمی نتایج حاصله از این گزارش را به ارگان سفارش‌دهنده (نهادهای دولتی) ارسال می‌کند.

ماده ۶ - کمک‌های مالی مردمی و نحوه استفاده از آنها

کمک‌های مالی

بخش ۱- موقوفات، ارثیه‌ها، هدایا و سایر کمک‌های مردمی که برای ارتقای علم و یا رفاه آکادمی در نظر گرفته شده‌اند را می‌توان از طریق شورا برای آکادمی پذیرفت. قبل از پذیرش هر کمک مالی، شورا باید به هدف آن پی ببرد و به تمام شرایط و ویژگی‌های چنین پیوندی واقف شود. شورا باید گزارشی در این خصوص به آکادمی ارائه کند.

مدال‌ها

بخش ۲- مدال‌ها و جوایز را باید مشابه شرایطی که برای کمک‌های مردمی در نظر گرفته شده است، اهدا کرد.

کمیته‌های کمک‌های مالی مردمی

بخش ۳- هر یک از هدایا و یا درآمدهای حاصله از کمک‌های مالی مردمی را باید برای اهداف مورد نظر آن کمک مالی هزینه کرد. انجام این کار با توصیه کمیته دائمی آن منبع مالی صورت می‌پذیرد.

ماده ۷ - تفویض اختیارات

بخش ۱ - به استثنای اختیار امور مرتبط با عضویت، شورا، رئیس آکادمی، و سایر مدیران می‌توانند اختیارات چندگانه خود را به اشخاص مناسب در آکادمی ملی علوم یا شورای پژوهشی ملی تفویض کنند.

ماده ۸ - اضافات و اصلاحیه‌ها

بخش ۱- اضافات و اصلاحیه‌های مرتبط با اساسنامه را می‌توان صرفاً در اجلاس سالانه انجام داد. اطلاعیه پیشنهادی چنین تغییری باید برای شورا ارسال شود.

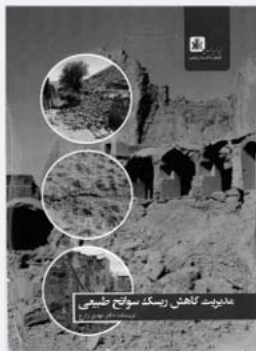
شورا در این زمینه گزارشی تهیه خواهد کرد. گزارش تهیه‌شده توسط کمیته‌ای بررسی خواهد شد. چنانچه کمیته کلیت آنرا تأیید کند، در اجلاس سالانه بعد، این پیشنهاد به رأیگیری گذاشته خواهد شد و در صورت احراز دو سوم آرا، به اساسنامه اضافه خواهد شد.

اعضای غائب می‌توانند آراء خود را به صورت مکتوب برای دبیر داخلی ارسال کنند. در این صورت این آراء در رأیگیری لحاظ خواهند شد.

منابع

<http://www.nasonline.org/>

<http://www.interacademies.net/Academies/UnitedStates.aspx>



پرسش از هستی یا هستی پرسش

دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی^۱

مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران؛ چاپ اول؛ تهران ۱۳۹۵

مدیریت کاهش ریسک سوانح طبیعی

دکتر مهدی زارع^۲

کتاب «پرسش از هستی یا هستی پرسش» بیانگر سیر فیلسوفی است که به بنیادی‌ترین مباحث هستی می‌اندیشد، از جمله خود «هستی» و «اندیشه». به نظر نگارنده کتاب، این دو واژه از اصیل‌ترین و فراگیرترین واژه‌هایی هستند که بشر می‌تواند به آنها دست پیدا کند. هیچ چیز دیگری از حیطه اندیشه یا هستی بیرون نیست، حتی نیستی که نقیض هستی است. آیا هستی بر اندیشه تقدم دارد یا اندیشه بر هستی؟ اگر هستی نباشد اندیشه تحقق نمی‌پذیرد و اگر اندیشه نباشد، هستی معنی پیدا نمی‌کند. پس آن دو با هم مستمندند و اگر میان هستی و اندیشه دوگانگی نباشد، چرا تحت دو عنوان مختلف مطرح می‌شوند؟ و یا پرسش‌های متعدد دیگری که مؤلف سعی می‌کند به آنها پاسخ دهد. این کتاب در ۱۴ فصل تدوین شده است که عبارتند از:

۱- اندیشه هستی یا هستی اندیشه / ۲- معنی چیست و چگونه می‌توان به آن رسید؟ / ۳- اختیار چیست و اراده کدام است؟ / ۴- ذهن و جهان یا جهان و ذهن / ۵- از علم به عمل آمدن یا از عمل به علم رفتن؟ / ۶- ضرورت چیست؟ امکان کدام است؟ / ۷- آیا بدون عقل می‌توان به معنی نقل و محتوای آن رسید؟ / ۸- تصور و تصدیق یا فقط تصدیق؟ / ۹- کلمه و جمله - تصور و تصدیق؟ / ۱۰- نور و صدا؛ دیدن و شنیدن / ۱۱- علت غایی چیست و غایت‌مندی کدام است؟ / ۱۲- نه تشبیه صرف و نه تنزیه محض / ۱۳- طبیعت و تاریخ / ۱۴- حقیقت، خوبی، خدا. این کتاب در سال ۱۳۹۵ در ۴۵۰ صفحه و به تعداد ۲۰۰۰ نسخه توسط مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران منتشر شده است.

این کتاب در ۴۸۴ و ۱۰ فصل تنظیم شده است و به مسئله مدیریت کاهش ریسک مخاطرات و سوانح طبیعی می‌پردازد. نگارنده در این کتاب تلاش داشته است تا ابتدا در یک نگاه کلی به تعریف مخاطرات طبیعی Natural Hazards و همچنین معرفی آنها و مسئله مدیریت کاهش ریسک سانحه بپردازد.

در این کتاب در فصل یک ابتدا مخاطرات طبیعی در جهان بر پایه آخرین آمارهای در دسترس معرفی شده‌اند. سپس در فصل ۲ لرزه‌خیزی ایران، در فصل ۳ مخاطره سیل، فصل ۴ سونامی و سامانه هشدار سونامی، در فصل ۵ نیروگاه‌های هسته‌ای و مخاطرات مربوطه، در فصل ۶ مدیریت سانحه به ویژه برپایه زلزله‌ها و سونامی‌های مهم اخیر در جهان، در فصل ۷ مسائل اجتماعی-روانی سوانح طبیعی، فصل ۸ به برنامه‌های سازمان ملل متحد برای مدیریت کاهش ریسک سانحه و در فصل ۹ به مسئله تغییر اقلیم و در فصل پایانی ۱۰ زمین‌لرزه‌های مهم سال ۱۳۹۴ در کشورهای آسیب‌پذیر جنوب آسیا، به ویژه زمین‌لرزه‌های اردیبهشت ۹۴ در نپال و آبان ۹۴ در افغانستان به اختصار پرداخته می‌شود.

هدف از نگارش این کتاب تهیه منبع و مرجعی برای آموزش به دانشجویان و کارشناسان در حوزه‌های مخاطرات طبیعی، سوانح مدیریت بحران و دانشجویان و کارشناسان شاخه‌های مختلف مهندسی، مدیریت و زمین‌شناسی و جغرافیا، مهندسی عمران،

۱- عضو پیوسته فرهنگستان علوم و استاد فلسفه دانشگاه تهران

۲- استاد پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله و عضو وابسته گروه علوم پایه فرهنگستان علوم

شهرسازی و نقشه‌برداری است که به مسئله مخاطرات و سوانح طبیعی و مدیریت کاهش ریسک سانه علاقه‌مندند. طبیعی است که ریسک مخاطرات طبیعی در بسیاری از مواقع با مخاطرات انسان - ساخت مرتبط هستند. ولی در این کتاب تأکید ویژه بر روی زلزله است و ضمناً مخاطرات طبیعی به طور عمومی به عنوان محور مباحث توجه شده است. ضمناً آموزش و یادگیری با نگاهی مدرن مورد توجه بوده و در تنظیم مطالب کتاب با اهمیت خاصی به وضعیت مهمترین و پرخسارت‌ترین مخاطرات طبیعی در ایران توجه شده است.

کتاب «مدیریت کاهش ریسک سوانح طبیعی» در سال ۱۳۹۵ به شمارگان ۱۰۰۰ نسخه توسط نشر کیمیاخرد پارس به چاپ رسیده است.



فیزیک خاک

دکتر امین علیزاده^۱

ویرایش چهارم، با تجدید نظر، چاپ هشتم، ۱۳۹۴

مدیریت صحیح خاک در زمان آبیاری، زه‌کشی، حفاظت آب و خاک، شخم، تنظیم دمای خاک و یا آبخیزداری مستلزم داشتن اطلاعات کافی از جنبه‌های فیزیکی خاک می‌باشد. فیزیک خاک هم یک علم پایه و هم یک علم کاربردی است که به دلیل ماهیت خود در تداخل با علوم دیگر مانند هیدرولوژی، فیزیک، ریاضیات، زمین‌شناسی و مهندسی عمران است. مطالعه فیزیکی خاک به دلیل ناهمگون بودن آن به مراتب مشکل‌تر از مطالعه اجسام صلب و یکنواخت است.

بخصوص که خصوصیات آن نسبت به زمان در تغییر می‌باشد. به دلیل آنکه برخی جنبه‌های فیزیکی خاک وضعیت احتمالاتی و غیر قطعی دارد تعیین دقیق حالات فیزیکی خاک امکان‌پذیر نیست.

با این وجود هماهنگ شدن نسبی با شرایط فیزیکی خاک نقش مهمی را در افزایش تولید محصولات کشاورزی و بهره‌وری از خاک ایفا می‌کند. از این جهت است که در دوره‌های آموزش دانشجویان رشته‌های علوم خاک، مهندسی آب و سایر رشته‌های مرتبط دروسی در این زمینه گنجانده شده است. تدوین کتاب فیزیک خاک که اینک ویرایش چهارم و چاپ هشتم آن انتشار یافته، کوششی است تا اطلاعات کاربردی را به دانشجویان و کارشناسانی که در زمینه استفاده از خاک برای تولید محصولات زراعی و باغی فعالیت دارند ارائه کند.

در این کتاب خصوصیات و فرآیندهای فیزیکی خاک با تأکید بر کاربردهای آن در کشاورزی، هیدرولوژی و محیط‌زیست تشریح شده است. حتی‌المقدور سعی شده است مفاهیم اساسی فیزیک خاک در قالبی ساده و قابل درک و همراه با ذکر مثال ارائه شود و از وارد شدن به برخی مسائل تئوریک و ارجاع متوالی و تکراری به منابعی که بعضاً ممکن است دسترسی آنها برای دانشجویان دوره‌های کارشناسی امکان‌پذیر نباشد خودداری شده است.

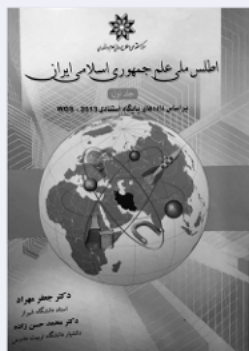
در عین حال در انتهای کتاب لیست منابعی که می‌تواند برای مطالعه بیشتر علاقمندان مفید باشد ارائه شده است.

گرچه هدف عمده از تدوین این کتاب ارائه مطالب مورد نیاز دوره‌های کارشناسی دانشگاه‌ها بوده است اما این کتاب می‌تواند برای دوره‌های بالاتر نیز مورد استفاده قرار گیرد. تجربه نویسنده در آموزش فیزیک خاک به دانشجویان، نشان می‌دهد که آنها با کسانی که در رشته درسی خود پیشگام بوده‌اند آشنایی چندانی ندارند و فقط نام این افراد را که مثلاً معادله یا قانونی به اسم آنها نامگذاری شده است می‌خوانند یا می‌شنوند.

لذا در کتاب برای آشنایی علاقمندان به دانشمندان و کسانی که نقش مهمی در توسعه و پیشرفت علم فیزیک خاک داشته‌اند شرح حال مختصری از زندگی و فعالیت‌های علمی آنها نیز ارائه شده است تا برای رفع خستگی هم که شده باشد مورد مطالعه قرار گیرد.

چاپ هشتم کتاب فیزیک خاک با تجدید نظر در سال ۱۳۹۴ در ۱۰۰۰ نسخه توسط دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع) مشهد منتشر شده است.

۲- عضو وابسته گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم و استاد دانشگاه فردوسی مشهد



اطلس ملی علم جمهوری اسلامی ایران (جلد اول)

بر اساس داده‌های پایگاه استنادی wos - 2013

دکتر جعفر مهاد و دکتر محمدحسن زاده^۲

ناشران: مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری (RICeST)

و نامه پارسی، چاپ اول: ۱۳۹۵

به فیلد کشور به عنوان تعلق کشوری (ملی-ساکن) نویسنده (نه آدرس) و همچنین سال ۲۰۱۳ در صفحه جستجوی پیشرفته پایگاه wos تمامی رکورد‌های مرتبط بازیابی شده در قالب فایل‌های جداگانه دانلود شده و سپس به صورت یک فایل یکدست جداسازی شده است. ۲- داده‌ها به لحاظ صحت مورد بررسی قرار گرفته و داده‌های غیر مرتبط بازیابی و جداسازی شده است. ۳- داده‌های پاکسازی شده با هدف استخراج داده‌های استان‌ها به یک پایگاه داده، که به همین منظور طراحی شده بود، وارد شده است. ۴- داده‌ها به تفکیک هر استان جداسازی و در کامپیانت‌های جداگانه درون‌دهی شده است. ۵- داده‌های هر استان با هدف جداسازی آنها بر اساس انواع دانشگاه‌ها مورد پردازش قرار گرفته است. ۶- مرحله پنجم در سطح هر شهرستان‌های ۳۱ گانه کشور هم تکرار شده است. ۷- پس از مرور صحت، داده‌های به دست آمده با هدف محاسبه شاخص‌های مورد نظر و ترسیم نمودارها مورد استفاده قرار گرفته است. ۸- با هدف نگاشت ملی و استانی روی نقشه جغرافیایی، داده‌ها به نرم‌افزار نظام اطلاعات جغرافیایی (GIS) درون‌دهی و خروجی‌ها به صورت نقشه استخراج شده است. ۹- در نهایت تلفیق نمودارها و نقشه‌ها به صورت گزارش مکتوب مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

جلد اول این گزارش، بر اساس داده‌های پایگاه استنادی wos می‌باشد و شامل ۱۹۷ نمودار و ۶۷ نقشه رنگی است که در سال ۱۳۹۵ در ۱۷۴ صفحه منتشر شده است. جلد دوم بر اساس داده‌های پایگاه استنادی Scopus می‌باشد.

رشد دانش علمی ایران در سال‌های اخیر در سطح جهانی پرشتاب و چشمگیر بوده است. با توجه به جدیدترین آمارها، پژوهشگران ایرانی تا پایان سال ۲۰۱۳ میلادی توانسته‌اند ۲۹۸۵۹ مدرک علمی در نشریات نمایه شده در پایگاه استنادی تامسون رویترز (ISI سابق) منتشر کنند. گزارش‌های مربوط به پایگاه استنادی علوم جهان اسلام و آمارهای مربوط به کتاب‌های منتشر شده در داخل کشور و همچنین مجلات فارسی که در وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مختلف منتشر می‌شوند نیز حکایت از سیر صعودی انتشار یافته‌های علمی دانشمندان دارد. از سوی دیگر، تعداد دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشکده‌ها و اندیشه‌های مربوط به حوزه‌های مختلف، به صورتی متنوع، رشد شتابان را نشان می‌دهند. بیش از نیمی از تولیدات علمی ایران را دانشگاه‌های دولتی غیرپزشکی و ۳۲ درصد را نیز دانشگاه‌های علوم پزشکی تولید کرده‌اند. روی هم رفته سه چهارم تولیدات علمی ایران متعلق به دانشگاه‌های دولتی است.

در این کتاب توسط نمودارهای متنوع، شاخص‌های مختلف مربوط به تولید علم به تصویر کشیده شده است که از جمله آنها می‌توان به مدارک علمی، سهم انواع دانشگاه‌ها (دانشگاه‌های دولتی غیرپزشکی، دانشگاه‌های علوم پزشکی، دانشگاه‌های پیام نور، دانشگاه‌های آزاد، دانشگاه‌های علمی کاربردی، مؤسسات پژوهشی)، نسبت تولید علم به دانشگاه، نسبت تولید علم به دانشجو و نسبت تولید علم به جمعیت در هراستان اشاره کرد.

در گردآوری و پردازش اطلاعات این گزارش، ۱- با محدود کردن جستجو

۱- عضو وابسته و رئیس شاخه کتابداری و اطلاع‌رسانی فرهنگستان علوم، استاد دانشگاه شیراز

۲- دانشیار دانشگاه تربیت مدرس

پیام تسلیت رئیس فرهنگستان علوم به مناسبت درگذشت استاد دکتر منوچهر ستوده

هوالباقی؛ درگذشت پژوهشگر و ایران شناس و ایران دوست گرانمایه استاد دکتر منوچهر ستوده را به خانواده محترمشان و به دانشگاهیان و دانشمندان و بخصوص همکارانم در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران تسلیت می گویم. دانش فراوان و تعلق خاطری که مرحوم دکتر ستوده به علم و ایران داشت مایه بزرگی او و ماندگاری نامش در تاریخ علم ایران خواهد بود.

پیام تسلیت رئیس فرهنگستان علوم به مناسبت درگذشت استاد دکتر غلامحسین شکوهی

باسمه تعالی؛ درگذشت آقای دکتر غلامحسین شکوهی استاد گرانمایه تعلیم و تربیت را به خانواده گرامیش و همه دانشگاهیان و دانشمندان کشور و بخصوص همکاران گرامی ایشان در دانشگاه های تهران و بیرجند تسلیت عرض می کنم. دکتر شکوهی دانشمندی نجیب و صریح و پایبند به اصول اعتقادی دین مبین بود. او همواره نگران بود که مبدا کار تعلیم و تربیت به حال خود رها شود و مدرسه از ادای وظیفه ای که به عهده دارد بازماند. این نگرانی زندگی سال های اخیر عمر دانشمند را دگرگون کرده بود. رحمت خدا بر او باد که در طی پنجاه سال آشنایی و دوستی با او جز صفا و صداقت و علم دوستی و وظیفه شناسی در زندگی شغلی و کار دانشگاهیش ندیدم.

رضا داوری اردکانی



NEWSLETTER

The Academy of Sciences

Islamic Republic of Iran

Newsletter, No. 58, Spring 2016, 16th year
Articles and News in Brief

58